N CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH	
در از در از المنافع ال	المحانات ممركز مومي ميسال اول ١٤٠٠-١٤٠
	تاریخ ازمون: ۱۲۰۰/۱۰/۱۵
رو در ازه رون	عنوان: اصول فقد ۴ ا
	كان دروس في علم الاصول كو للكري
	محدوده: حلقه ثانيه: از ابتداى اصول عدليه تا پايان كتاب
./5	کی از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخنامه، خودداری نمایید. ۱- به نظر شهید صدر انه قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ الف. احتیاط عقلی و برانت عقلی بد احتیاط عقلی و برانت شرعی ج. برانت شرعی و احتیاط عقلی ا
5	
1/2	د. برانت عقلی و برانت شرعی ۲- در موارد دوران امر بین محذورین کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟
	ات در موارد دوران امر بین محدورین کدام یک از از کان علم اجمالی محل است: الف. رکن چهارم 🗆
	ست. رس چهرم □
	ج. رکن دوم □
2	. د. رکن اول □
./3	٣- به نظر مصنف دلالت كدام يك از ادله بر حجيت استصحاب تمام است؟
	الف. غلبه و ظن به بقاء □
1	ب. سيره متشرعه 🗆
	ج. سيره عقلاء 🗆
-/0	د. اخبار 🗆
	٤ – مراد از اثبات در «اصل مثبت» چیست؟ الف. اثبات لوازم غیر شرعی □
	الف. اثبات حکم غیر شرعی □
	ج. اثبات لوازم شرعی □
.,,,,,	د. اثبات حکم شرعی الــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
	الف. الشك بين المحذورين 🗆
	ب. مجهولي التاريخ 🗖
	ج. الشك التعليقي 🗖
-/۵	د. توارد الحالتين 🗆 🔻 - نسبت بين دو حكم «ان الشاك في الركعة الثانية يعيد الصلاة» و «كثير الشك ليس بشاك» كدام است؟
	الف. تخصيص 🗖
	ب. حكومت 🗖
	ج. ورود 🗆
ک ده، د. صدد اثبات	
وردا در سد ا	د. تقييد 🗅 ٧- استدلال در عبارت: «أنّ العقلاء في اعرافهم يقبّحون عقاب المامور على مخالفة تكليف لم يصل اليه» را تبيين '
	چیست؟
	The state of the second st
to the state of th	
The state of the state of the state of	

امتحانات نيمسال اول ١٤٠١-١٤٠٠: اصول فقه ٤ كد: ٢٤٠٠١/١٧

ر شبهات بدویه و اشکال أن را ۲	 معریب استدلال به حدیث: «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة» برای وجوب احتیاط بنویسید.
The state of the state of the state of	
ن تضاد الاحكام التكليفية» چرا	۹- با توجه به عبارت: «ان الترخيص في جميع الاطراف ينافي الوجوب الواقعي المعلوم بالاجمال، لما تقدّم ه مشهور قائل به استحاله جريان برائت در همه اطراف علم اجمالي شدهاند؟ نظر شهيد صدر (۱۰۰) چيست؟
	۱۰- قاعده «الیقین» را به همراه مثال، تبیین کرده و فرق أن با استصحاب را بنویسید.
7	۱۱- استصحاب «کلی قسم دوم» را در ضمن مثالی تبیین کنید.
· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	
	۱۱- «تعارض» اصطلاحی را تعریف کرده، چه تفاوتی با «تزاحم» دارد؟

the contract of white over the contract of the place of the place of the place of the place of the contract of	1611 4 11 16
	0
امتحانات متمركز عمومي نيميال اول ١٩٩٨-١٢٩٨ متابع ١٠٠٠٠ منابع ١١٠٠٠٠٠ .	مارين المارين مارين المارين
	کد امتحان:
100 (100 (الماريخ أزمون
اصول فقه ۴ المال ا	عنوان: کتاب:
دروس على علم الاصول المنالة الاولى و الناب من اسلوما النام) مدرسة المرابع المن المن المن المن المن المن المن المن	معدوده
wice of the part o	حذفيات:
اوکی: شرمتان: سام در: که هلکی: در سامین در سامین شرمتان: سامان: سام در سامین شرمتان: سامان: سام در سامین شرمتان: سامین شران: سامین شرد شرن: سامین شرد شرد شدن شرد شد.	
اولي:	نام ونام مأنو
مورد أيه شريفه: «لا يكلف الله نفسا الا ما أتاها» السلاق ٢٠ قدر متيقن از موصول چيست؟ ص ٢٢٤ هـ الله نفسا الا ما	١- با توجه به
	الف. تكليف 🏻
The standing of the state. And	ب. فعل □ ج. جامع □
	د مال 🗹
ولی، اگر شخصی شککند ۱۰ تومان بدهکار است یا ۱۵ تومان، چه اصلی جاری می شود و چه مقدار باید پرداخت نماید؟ س۲٤٧	۲-از حیثاص
	الف. اشتغال - ١٥
	ب. اشتغال- ۱۰ اج. برائت - ۱۰ آ
	د. برائت– ۱۵ تو
ات در «اصل مثبت» چیست؟ من ۲۹۵ (ازمون ورودی سطح سه سال تحصیلی ۱۳۹۷)	20
The state of the s	انف. اثبات حکم ب. اثبات لوازم :
رعا 🗀 المعالمة المعالم	ج. اثبات لوازم ش
رعی ∐ ر در صورت تعارض مستقر چیست؟ ص ۲۸۶ و ۲۸۲	د. اثبات حکم شر اعد اصل ثانه ع
	الف. ترجيح با مر
والمرات والمراجعة المراجعة المراجعة المستناه والرس المائل والرس المائل والمراجعة المراجعة المراجعة المراجعة	ب. جمع عرفی ا
ده اولیه و ثانویه هنگام شک در تکلیف چیست؟ قاعده اولیه را بنابر نظر مشهور و شهید صدر ادا) بنویسید. ص ۲۲۲ و ۲۲۳	BLECK TOTAL
ده اولیه و فانویه معدم می کند. و مراد از قاعده نانویه یعنی انچه شرع به آن حکم می کند. (۱ نمره) به این در تخلیف و فانویه یعنی انچه شرع به آن حکم می کند. (۱ نمره) به هنگام شک در تکلیف را برائت عقلی می دانند (۱ نمره) به هنگام شک در تکلیف را برائت عقلی می دانند لکن شهید صدر (۱۰) قاعده اولیه را بنابر مسلک حق الطاعة، احتیاط عقلی می دانند (۱ نمره) به هنگام شک در تکلیف را برائت و اتقریر نمایید. ص ۲۳۰	
الما من الما من الما الما حمل الدا حمل الدا حمل المواتم المعالم الما حمل المعالم الما حمل الم	4 7144. W
ا هدی تعلق علی علی و سورم مهد دان حلال و حرام واقعی باشد و مشتبه شده باشند و این حلیت تا زمان علم به حرمت ۲ تمی تمی کند بر جمل حلیت در هر موردی که در آن حلال و حرام واقعی باشد و مشتبه شده باشند و این حلیت تا زمان علم به حرمت ۲ تکلیف است ارد و این یعنی خلیت، حکم ظاهری است و واضح است جمل حلیت به این معنی تعبیر دیگری از عدم وجوب احتیاط در موارد شک در تکلیف است	Ind. I I I
그렇다 그는 그는 사람들이 가장 그렇게 눈하다면 되었다면 나는 사람들이 가장 하는 그들은 그는 사람들이 없는 사람들이 되었다면 살아 되었다. 그는 사람들이 나는 사람들이 되었다면 함께 되었다.	the state of the first of the
ادا چهار نحوه شک در شبهات موضوعیه مطرح نمودهاند، دو موردی را که مجرای اصل اشتغال هستند، به همراه مثال تبیین	٧- شهيد صدر
۲۳۹	interior KTT .
ولی در آب بودن ظرف دوم شک دارد، اصل اشتغال جاری می شود چون شک در تفایه عسل با مشخوت المانیه است. ۱- سخ در تحقق منعلق امر	ظرف اول أب است
مانند اینکه نماز واجب است مکلف شک دارد نماز را اتیان نموده یا نه؟ که اصل اشتغال جاری می کردد. (۳- شک در وجود مسقط مانند اینکه می داند	یعنی شک در امتثال
مسقط امر به عقیقه است لکن شک دارد که آیا قربانی کرده یا خیر در این صورت بنا بر نظر مشهور اگر شک در مسقط به شک در بقاء تکلیف بر ب یعنی «عدم مسقط» قید بقاء تکلیف باشد در این صورت مانند شک ناشی از احتمال امتثال است و اشتغال جاری می گردد.) [نوشتن دو مورد کفایت	قربانی روز عید قربان گدد: درجیت تکلیف

. I was to be the other

				-160	de la mera il	ا فرا الرصل برسد در
حققها في الخارج عن اذن	بة القطعية و امكان تع	ص في المخالف	ودياً إلى الترخي	لى الطرفين م	بان الاصل المومن	- عبارت: «ان یکون جر
7		است؟ ص ٢٤٥	, به چه مطلبي	سن کرده، ناظ	.» .ا د، قالب مثال ت	شرعي وامًا مع امتناعها.
خالفت قطعیه شود و البته وقوع	ود منجر به ترخیص در ما	. (دانت) حاري ش	ر . پ لی اصل ترخیصہ	ـــن ر اطراف علم احما	است بن اگرد همه	واب: رکن جواره علم احمال
تا منافى تكليف بالاجمال باشد.	. در مخالفت قطعیه نیست	ت منح به ترخیص	ی نباشد در حقیقه	اگر در خارج ممک	ه الله يعلى الرائز عليه	وب. رس جهارم صم العاد
دو طرف را ترک نمود، مخالفت	ر طرف حون نمي توان هر	ما تخص درد	ر باده دیاد ا	افر کر حرج سے دفن کاف کھ ج	ه سرح، حجن وسد و تد	التدريد المالية والحارج بالجار
	ر عرب چرن حق برن بر	ص ترحیس در د	י אפלים אניים	دون داور مه حمر	ن ۸ متل وجوب یا حرمت	
			ν,	. VAW .	· · · · · · · · ·	طعیه ممتنع است.
تي محمد داشت (بقين، صادق	و الماقية المحدد والث	(i.s. = ()	1	د. ص۱۵۱۰ و عد	همراه مثال نبيين دنيا	ه- قاعده «اليقين» را به
تيم، وجود داشت (يقين، صادق د. عدالت همان شخص در روز	ميم ان واعد ان حدد شاهد	ن منا به تردید د تا ما ما است	ا ک دیم به ایر	، وجود همان سی	ته باشیم و سپس در اصل	بواب: اگر یقین به چیزی داش
در عدالت همان شخص در روز	حمی داسیم و روز سب	يعين به عدائت سا	اينته روز جمعه	ه يفين است. متل	چنین حالتی مجرای فاعد	
	YV	Administration	de la Usai	C .1 . IIA		بعدا شک کنیم.
ان خارج شده است و اگر خالد	عن ۱۲۰ کا زیر داخل مسجد بوده الا	ان را بنویسید.	ده، دس جریان	مالی بیان در	سم دوم» را در صمن	۱۰- استصحاب «کلی قد
ان خارج شده است و اگر خالد ل اگ طسعی (زید یا خالد) در	تر رید تامن تساید بوده ۱۰ تصحاب جاری نمی شود وا	سجد میبیند پس ا	نی رید را حارج مد	بر اینکه بعد از مد	خالد در مسجد هستند ع	جواب: مخلف میداند یا زید یا مناب
لی اگر طبیعی (زید یا خالد) در صحاب موجود است.)	سستاکب جاری سی درد ر . ماگذده (جهار یک: است	ر محقق نیست و اد داده در حال دخاری	چ یک سک و یعین مال آرازاری	درفته شود در هیژ ام اه	است، اگر دو فرد در نظر	بوده شاید هنوز داخل مسجد
	7V9	رد اسطان جاری داردی می ۲۷۸ ه	برعی بر آن بار سر احد » مظمره»	در نتیجه ادر ادر د مقارحی است	ث و مشكوك البقاء است ا	نظر كرفته شود، متيقن الحدور
توجه به تعریف تعارض، تنافی	قع امكان ندارد. (۱ نمره) با	مدارا باهمدر وا	احماً» و بروروس	تھاون <i>ی یا س</i> تو الداہ استقال	ن را تعریف درده، چه دراه در دارا او درده، چه	۱۱- «تعارض» أصطلام
حکم) که فعلیت یکی، موضوع	ن دو محمول (فعلیت دو ح	رو دین به سما عربی ارد نمره/ تعارض س	موداما تدادد (۵/	لولهایسان به این که دما	سافی دو دلیل از خیت مد	چواب: بعارض عبارت است ار از از ما استا
			و شون شرد، ره (ه/د نمنه)	ه ربطی بین د	سافی بین دو امستال است	بین دو جعل است ولی تراحم
				The same of the same of		فعلیت دیگری را نفی (یا محة
15 2 3 20	· 英国国营 社员	12.45	129			
1. 1. 1. 1.	Figure 1.			VA - 64 (2)		
	在17-60 projes	· · · · · · · · · · · · ·	REGIAL O	W. W. A.	a training se	112750 (30
77.1.2	· 集(下的) 於政治		Briger . Co		or the last of	
			M.L.O			
	22724-149124	grade de la como		The state of		
7. 3.91			136 15 3 3 - n	the Treview	to put the di	
- mining	Destill con .					
, , , , , , , , , , , , , , , , , , , ,						The second
	ā <u>*</u>		1	Acces to the for		dialette.
			. 7			
					* 31. 4. 31.	
1. 1. 1. 1. 1. 1. 1. 1. 1. 1. 1. 1. 1. 1						41.4
1 5.4	Adminition.	10.44	No divi	10 to 10		
					HITTING.	
17.00	# Imports	讨话。			ENT	
<u> </u>	11 14 74 11 11 -			This man	444	
		10-11				T. Kel
A DALLA		Figure		Maring		
					生产的 "	
1 - 10 4 - 18	Grade Shirt	1 4 - 4 1-2	S. W.		ALL CALL TO THE STATE OF	
14	M 10 10 4 534 21 11	1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	- 5 mil 2 2 mil	A section of	A STATE OF THE STA	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
Y.	Extra de la constante de la co		41			1. 1. 1204671384

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکـر کد امتمان و شماره سؤال به صورت دقیق مهت امکان بررسی و موابگویی ضروری میباشد.»

اسخانات مرکز عمومی شیمال دوم ۹۸-۱۳۹۷ کد اختصان: ۱۳۹۷۲/۲۷ پلیم می ال دوم ۹۸-۱۳۹۷ کد اختصان: ۱۳۹۷۲/۲۷ پلیم می ال دوم ۹۸-۱۳۹۷ تاریخ ازمون: ۱۰-۱۳۹۸ پلیم می ال دوم ۹۸-۱۳۹۷ عنوان: اصول فقه ۴ کتاب: دروس فی علم الاصول محدوده: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۸۸-۱۳۲۱) مدوده: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۸۸۸-۱۳۲۱) مرسون: درس طی: شرسان: دان
ام و نام عانوادكي: شرمان: ام مدن كدهبكي المرابيان المرا
د. لامقتضی للتحرک مع عدم العلم ☑ ۲- در موارد دوران أمر بین محذورین کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲۶۷ (سابقات علمی منطقهای ۹۲-۹۰) الف. رکن چهارم ☑ ب. رکن سوم □ ج. رکن دوم □ د کن اول □
رس بول كال على يقين من عدالة زيد يوم الخديس ١. فشك بهم الجدعة في عدالته يوم الخميس ٢ فشكا في طرو الخصيف يوم الخديس ٢ فشكا في طرو الخصيف يوم الجدعة » طر يك از جمله ها به ترتيب مجراي كدام الأعده است؟ مر ١٢٤ اساست مدال المعتمل المعتمل المعتمل المعتمل المعتمل المعتمل المعتمل المعتمل المعتمل و مانع ☑ الف. قاعده يقين – قاعده مقتضى و مانع ☑ □ . قاعده مقتضى و مانع – استصحاب □
د. استصحاب – قاعده يقين □ الله الله الله الكرم العالم» و «أنّما العالم عالم الدين» جيست؟ ص ٢٨١ الف التخصيص □ الد الحكومة ☑ الثانيات □ الثانيات □ الثانيات □ الثانيات □ الثانيات □ الدين » جيست؟ ص ٢٨١ العالم عالم الدين » جيست؟ ص ٢٨١ العالم عالم الدين » جيست؟ ص ٢٨١ العالم ال
نام نحوه استدلال به آید شریفه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» اسراد ۱۵ بو براثت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر اراه چه اشکالی بر این استدلال وارد می کند؟ س ۲۳ بر این استدلال وارد می کند؟ س ۲۳ بر این استدلال وارد می کند؟ س ۲۳ بر این است، است، است، است، است، است، است، است،
۳- یمگونه برخی از ظاهر هیه حلال و حرام» در حدیث: «کل نابیع فیه حلال و حرام فهو لک خلال ابدا حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوعیه استدلال می نمایند؟ با مثال تبیین نمایید. ص ۲۳۰

١	
-	جزء در موارد شبهه موضوعیه محقق نمی شود زیرا در موارد شبهه حکمیه مثل شک در حرمت سیگار کشیدن، سُک ناشی از عدم وصول نس بر تحریم
¥I	at a distribution of the state
	ر باشد نه ناشی از وجود دو قسم خلال و خرام از چیری. - شهید صدراده چهار نحوه شک در شبهات موضوعیه مطرح نموده اند، دو موردی که مجرای اصل برانت هستند، را به همراه
	ال تسن نماييلي ص 179-110
	مان د- شکید. اصل وجود قید که موجب شک در فعلیت تکلیف می گردد و برانت جاری می گردد مانند: وجوب نماز آیات مفید به حسوف است، پس
	. صورت شک در کسوف، شک در فعلیت نماز ایات است که مجرای آن برائت است. ۲– جزم به وجود قیدی در صفی فردی و شک در وجود این در
	. درگ در صورت که متعلق وجوب اطلاق بدلی داشته باشد مانند: وجوب اکرام عالم و یقین به عدالت زید و سک در عدالت عمرو و برات جاری سی
	ة در حيية كارد حدوث تكليف حديد است(٣- شك در وجود مسقط مانند اينكه مي داند قرباني روز عيد قربان مسقط آهر به تعقيفه است عني التساحري
	کود پول سات در سات کرده یا خیر در این صورت بنابر نظر شهید صدر (ره) جون شک در وجود ست بقاءاً محرای برانت است لکن استصحاب وجوب مقدم است)
	٨_ ک. دوم وزجه بت علم احمالي 1 تيس نموده، مثالي براي اختلال اين رکن بنويسيد. س ١٤٠
	حدل برک دوه: وقوف علم بر حامع وعدم سرایت به فرد زیرا در این صورت علم اجمالی نیست بلکه علم تفصیلی است و همان فرد منجر است. مثال علم
	چوب، رس دوم، وحود سام رو ب عرب موجه می شویم لیوان نجس لیوان سمت راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل می شود. داریم یکی از دو نیوان نجس است سپس متوجه می شویم لیوان نجس لیوان سمت راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل می شود.
	ه دا «اما دشت» حجت نسبت؟ تفضيح دهيد. ص ٢٦٥
	ا جواب: الستصحابي كه بخواهد حكمي شرعي كه مترتب بر أثر تكويني مستصحب است را اثبات كند، اصل مثبت نام دارد. مثل البات عجم سرسي ك
	ال - ح محاب : با است بواسطه اثبات وشي محاسن با استصحاب حيات زيد،
	ال الله الحال ال حك حك شري المستقيما بلهن تعيد به رويش محاسن زيد و با استصحاب حيات او اببات تبيد، غير تعمل مست ١٠٠٠ - ت
	ال کے کے مصرف حجاب است نو حیات زید و اگر مرادتان است که با استصحاب حیات زید، ابتدا رویش محاسن را ابتات طیب و به سی
	الهداء عن علاق خالو والما استعمال استه حم الدركة مقاد دليل استصحاب ابن است كه مسحوعا بلغاء را على قريد بعلى قريل الم
	از در در در ما ترون از در در توریخه در داره (تاری که خود منزل جعل کرده است و سامل آثاری که تحک چک و حود سی
	ا فرار می دهدا، و عرف نبریل منصری است به توسف در تیر از دارد مجمولات مناح است و استصحاب از اثبات آن قاصر است. ارساندن مفهوم ا القام ما رویش محاسن از آن جهت که آثر تکوینی حیات است، از دایره مجمولات مناح است و استصحاب از اثبات آن قاصر است. ارساندن مفهوم
	كفايت مى كند.]
	مرد از استصحاب سببی و مسببی را در قالب مثالی توضیح دهید می ۲۲۰۰۲۲۱ میرد از استصحاب سببی و مسببی را در قالب مثالی علام استفاد و حکم نیز بر آن مترقب می شود (فعلیت مییاید) مثلا حواب: در صورتیکه مستصحب، موضوع حکم شرعی باشد با جریان استصحاب موضوع الله ترجیل میران استفاد در صورتیکه مستصحب، موضوع حکم خوار شرب بر آن
	مترتب می گردد زیرا اثر شرعی طهارت آب است، از طوف میشو سوم بهر سرم فیر شرب، طهارت آب اثبات نمی گردد زیرا اثر شرعی جواز شرب نیست بلکه لازمه غیر شرعی آن است. در اصطلاح به استصحاب موضوعی، اصل سببی و به شرب، طهارت آب اثبات نمی گردد زیرا اثر شرعی جواز شرب نیست بلکه لازمه غیر شرعی آن است. در اصطلاح به استصحاب موضوعی، اصل
	۱۱- مراد از عبارت «أنّ التنافي بين الحكمين تارة يكون بين الجعلين و آخري بين المجعوبين» به تسرَّد تمان طبين الم
	ص ۲۷۹ (استحانات عمومی نیمال اول ۹۷-۹۶) اجواب: در تنافی بین دو جعل تنافی بین دو مدلول است، مثال: جعل وجوب حج بر دستانع و جعل حرمت حج بر مستطیع که دو مدلول با هم تنافی دارند اجواب: در تنافی بین دو جعل تنافی بین دو مدلول است، مثال: جعل وجوب حج بر دستانع و جعل حرمت حج دیگی را نفی با اثبات می کند. مثال: دو مجاول
	1 - 2 / - 3 - 3 - 3 - 3 - 3 - 3 - 3 - 3 - 3 -
	ادر تنافی بین دو مجعول به این نخو که فعلیت دو کنم به صفی سرم و در ا ادر دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلینیمم للصلاة» با نم نبانی دارند. زیرا منگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول ادر دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلینیمم للصلاق» با نم نبانی
	اه تنفی و در نتیجه حکم فعلی نیمت
1	
T. W. W. C.	
A C. L. P. L.	
THE PARTY NAMED IN	
-	
-	مرد المتعاري والمتعاري والمتعاري والمتعاري والمتعاري والمتعاري والمتعاري والمتعاري ورداشد»
	«سامانه پیام کوتاه ۱۳۳۱/۱۱۷۱۱۱۰۰ معاونت آموزش آماده دریافت پیشیابات و انتقادات پیرامون سؤالات امتمانی مهیاشد.» «در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتمان و شماره سؤال به صورت دفاق دیت ادگان بررسی و موابکویی ضروری مهیاشد.»
	wit chits the state of the second of the sec

امتحانات نیاسال دوء ۹۸-۹۷ اصول فقه ۱ کند ۲۲ ۲۷ ۲

قرم ۱۸

معکس ۱۰ صبح ال ۱۵ حرکس ۹۰ دقیقه	b	@
	سحانات متمرکز عمومی (مطح ۲)	2 September 1920
الله المرسم على فرادها فودوا	نيرسال اول ۱۸–۱۷	*141/x. in/
	بإدينبولانك	1717/11/-1 31
المدانع من المدان المدان المدان	alta Varia ele	س اصول فقه ۴
100000000000000000000000000000000000000	مهر مدرسه	المناه الأصول المناه الإصول والمناه المناه ا
		ر از ابتدای اصول عملیه نا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)
امان	کدیمگیا	soft with the state of the stat
./۵	ام است؟ ص ۲۲٤	۱- مرجع اثبات قاعده ثانویه در تکالیف مشکوک کدا
		الف. عقل 🛘
P		ب. برانت 🗆
		ج. عقلاء □
		د. شرع 🗹
ه بعینه فتدعه» برای اختصاص حدیث به	م فهو لك حلال ابدا حتى تعرف الحرام منا	۲- از کدام بخش حدیث «کل شیء فیه حلال و حرا
-18		شبهات موضوعیه استدلال نمودهاند؟ ص ۲۳۰
		الف. حتى تعرف الحرام 🗖
		ب. فيه حلال و حرام 🗹
		ج. کل شیء □
		د. فتدعه 🗖 .
-/5	ن؟ ص ٢٦٥	۳- مراد از نهی در «لا تنقض الیقین بالشک» چیست
the Colonia of the Co	and the second of the second o	الف. نهى تكليفي 🗖
		ب. نهی تکوینی 🗖
		ج. نہی ارشادی ☑
		د. نهی تنزیهی 🗆
-/0	ی (مبنای مسلک حقالطاعة) چیست؟ ص ۷	٤- دليل تقديم برائت شرعيه بر اصالة الاشتغال عقلم
		الف. ورود 🗹
		🖁 ب. حكومت 🗖
		ج. تخصص 🗆
		د. تخصیص 🗆
ضي السياق الآانه مورد و هو لا يخصص	، المال هو المتيقن من مراد الموصول بمقت	٥- عبارت ««لا يكلف الله نفسا الا ما أتاها»(طلاق: ٢) ان
		الوارد» را تبیین نموده، در صدد اثبات چیست؟ ص ۲۶
		جواب: در موصول «ما» چهار احتمال مطرح است: ۱. مال ۲. فعا
فود باقی است (۱ نمره) و میتوان با تمسک به آن	خصص الوارد» أيه تخصيص نخورده و بر اطالاق خ	«ما» موصول، مال مى باشد لكن با توجه به قاعده «المورد لا يخ
رعیه استفاده نمود. (۱ نمره)	ت اثبات شده و می توان از آیه برای اثبات برائت ش	جامع را اثبات نمود و با اثبات جامع، تكليف نيز كه تحت أن اسد
ها سبحانه و اخفاها على العباد و لا يشمل	لله سبحانه فيختص بالاحكام التي لم يبيّر	٦- اشكال مطرح در عبارت «ان الحجب مسند الى الأ
7		محل الكلام» را بر استدلال به حديث حجب براي اثب
		جواب: برخی بر استدلال به حدیث حجب «ما حجب الله علمه
		است (حجب الله) در نتیجه روایت مخصوص احکامی است که
		واصل نشده را نیز شامل می شود) (۱ نمره) پاسخ: در صورتی که ا
		دلیل ندارد بلکه اسناد حجب به خداوند از این جهت است که هم
جس (ا سس سي سرح، ۱۰ محر-)	به سوار در مست سارت سند در سیار سا	دنین سرد بست مست کرچ په عمرید در این ایک ا

M. A.D

قرم ۱۸

P		-
	۷- رکن اول و دوم از ارکان «علم اجمالی» را به همراه دلیل نوشته، برای اختلال هر یک مثال بزنید. ص ۲۶۰ - ۲ نمره	
	جواب: رکن اول: علم به جامع تکلیف زیرا اگر علم به جامع نباشد شبهه بدوی است. رکن دوم: وقوف علم بر جامع وعدم سرایت به فرد زیرا در این صورت علم	
	اجمالی نیست بلکه علم تفصیلی است و همان فرد منجز است. مثال اختلال رکن اول: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه میشویم اشتباه کردهایم	
	در این صورت رکن اول علم اجمالی مختل میشود. مثال اختلال رکن دوم: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه میشویم لیوان نجس لیوان سمت	
	راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل می شود.	
	۸- قاعده «اليقين» را به همراه مثال، تبيين كرده و فرق أن با استصحاب را بنويسيد. ص ٢٥٣ و ٢٥٣ - ٢ نمره	
	جواب: اکر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنچه می بنداشتیم هست. وجود داشت	
	📗 (یقین، صادق بود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان	
	شخص در روز جمعه شک کنیم. فرق: شک در «قاعده یقین» به خود آنچه یقین به أن تعلق گرفته است، تعلق می گیرد به لحاظ همان زمان ولی در استصحاب،	
	شک در بقاء متیقن است بدون آنکه یقین سابق به لحاظ زمان سابق از بین برود.	
	ابه عبارت دیگر شک در قاعده یقین ناقض تکوینی یقین است ولی در استصحاب حقیقة ناقض نیست و به عبارت دقیق تر جریان استصحاب مبتنی است بر فراغ از	
	تحقق أنچه مىخواهيم اثبات كنيم ولى قاعده يقين چنين ئيست.]	
	۹- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (۱۰) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۹۸ - ۲ نمره	
	جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می گوید اگر این انگور بجوشد حرام می شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز	
	باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می شود یا نه استصحاب می کنیم أن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم نائینی (۱۰)؛ در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و	
	جعل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز	
	امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرة الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.	
	۱۰ – حکم تعارض (تنافی) بین دلیل عقلی و دلیل شرعی چیست؟ توضیح دهید. ص ۲۷۸ – ۱ نمره	
	جواب: درصورتی که دلیل عقلی قطعی نباشد، حجت نیست در نتیجه حجت نیست تا تمارض حقیقی واقع شود (۱/۰ نمره) و در صورتی که قطعی باشد بر معارضش	
	مقدم می شود زیرا دلیل عقلی قطعی مستازم قطع به خطای معارض است و هر آنجه که قطع به خطای آن داریم از حجیت ساقط است. (۰/۰ نمره)	
	۱۱- «حکومت» را در بحث تعارض توضیح داده و مثانی بزنید. ص ۲۸۱ - ۲ نمره	
	جواب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را تضییق می کند	
	گاهی آنها را توسعه می دهد. (۱/۵ نمره) مانند الربا حرام (محکوم). لا ربا بین الوالد و الوالد (حاکم). یا حکومت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بر ادله احکام	
	شرعیه مثل وجوب صوم و (۱/۵ نمره)	
		and the same of th
		50
		1
		N.
		9
		The state of the s
-		
A COLUMN		
	·	

الما الما الما الما الما الما الما الما		
	امهان و می کو عمومی اطح تا) است ۱۵ می ۱۰ می ۱۵ می است امهان و دنینه	(P)
المرافق المرا	المدائم سنح ال المدون المدونات	Y461/YY
		1536/1-/24
المنافر المنا	المعرائم موس المعروب المعروب	ر اصول نقه ۴
النا المعاور		السابه في السلوبها الناتي)
- حكم در مسأله «شخص شك دارد حج بر او واجب است، زيوا شك در استطاعت خود دارد» از حيث اصولي كدام است؟ ص ٢٥٠ الله) شك در تكليف و مجراي اشتال الله) شك در تكليف و مجراي الشتال ع) شك در تكلف به و مجراي الشتال ع) شك در تكلف و مجراي الشتال الله) شك در تكلف و مجراي الشتال الله) يتحمل الا يكون بكة الكفف ك الله) يتحمل الا يكون بكة الكفف ك الله) يتحمل الا يكون بكة الكفف ك الله) يتحمل الراق من جانب الشاع الله) يتحمل الراق من جانب الشاع الله المصوم (ع) حلي ممل السعوم (ع) حلي ممل السعة على الحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك في يقانه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافي جريان الكام سنوعات مركب الله) موسوعات مركب الله) موسوعات مركب الله) موسوعات مركب الله) تخصص الله) تخصص الله) تقيد الله في شريفه «وما كنا معذيين حتى نبعث رسولا» بر برائت را نوشته، نقد نماييد. ص ٢٠٠ م. ع) تخصص مرود الله الله شريفه «وما كنا معذيين حتى نبعث رسولا» بر برائت را نوشته، نقد نماييد. ص ٢٠٠ م. الله) تقيد الله الله بنائه بقسل الإبنان الشاك في الركمة الاولى، لابد ان يعيد» و «لا شك لكثير الشك» جيست؟ من ٥٠٠ م. المائة عدم صدور بيان است نه متكامى كه سادر شود از شارع و به دليل مانمي به ما نرسد و رسول مائند مصداق بناييني (ره) وحبها لوكان الاثر المواد تر تبيبه نابتاً لول المواد تر تبيبه نابتاً لول المواد تر تبيبه نابتاً لوكان الاثر المواد تر تبيبه نابتاً لول المائة عدم صدور بيان است نه متكامى كه ساد صواحة النائيني بان الاستصحاب يراي اثبات بوائت، را تبيين نماييد. ص ٢٤٠ و ٢٠٠ وأباب شارة بالمائة عدم صدور المعذي جويائه» به جريان استصحاب براى اثبات بوائت، را تبيين نماييد. ص ٢٤٠ و ٢٠٠ حياب حياب عدم خدوت نيست تا به احراء المحاد المائه بالواقع فلامعنى جويائه» به جريان استصحاب براى اثبات الوائن متابع بران المائية عدم خدوت نيست تا به احراء المنات بالانها المحاد المائية نيات نيست با به احراء المحاد المائة المحاد المحاد المواد المواد المحاد المائه المحاد المائية المحاد ال		ر از چدی فرو عب د پهان سات
الله الك در تكليف و مجراى التنال الله الك الله الله الله الله الله الله	كوهمكن در علي . شريقن . امكن	نام و عام خانولوکی: کام من
ب) ملك در مكف به و مجراى برات □ ع) شك در مكف به و مجراى برات □ ع) شك در مكف به و مجراى برات □ 7 - نقد استدلال به سيره عقلاء بر حجية الاستصحاب كدام است؟ من ٢٧۶ الف يحتمل ان لا يكن بنكة الكشف ☑ الا يحتمل الردع من جاب الشام □ ع) يحتمل الردع من جاب الشام □ الا يمكن اصاليا الى السعوم (ع) □ 7 - دليل مطرح در عبارت: هليس في الحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه ٤ نافي جريان وكان منوعات مرغيه □ 7 - دليل مطرح در عبارت: هليس في الحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه ١٠٠ منافي جريان التاك من الحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول الا يقين بحدوثه ١٠٠ منافي جريان عن الحكم مناق □ 3) حكم مناق □ 4) توارد حالتي □ 1) حكومت ☑ (أي نسبت بين دو دليل «أن الشاك في الركعة الاولى، لابد ان يعيد» و «لا شك لكثير الشك» چيست؟ من ٢٠٠ مناق □ (أي نسبت بين دو دليل «أن الشاك في الركعة الاولى، لابد ان يعيد» و «لا شك لكثير الشك» چيست؟ من ٢٠٠ مناق □ (أي نسبت بين دو دليل هان الشاك في الركعة الاولى، لابد ان يعيد» و «لا شك لكثير الشك» چيست؟ من ٢٠٠ مناق □ (أي نسبت بين دو دليل هان الشاك في الركعة الاولى، لابد ان يعيد» و «لا شك لكثير الشك» چيست؟ من ٢٠٠ مناق □ (أي نسبت بين دو دليل هان الشاك في الركعة الاولى، لابد ان يعيد» و «لا شك لكثير الشك» چيست؟ من ٢٠٠ مناق الرك تعد المناق به ايكه قبل از بين نقد نهايت أنجه كه دلا حوسل مناق به ايكه قبل از بين نقد نهايت أنجه كه دلا مناقي به مكاف. (أي اعتراض محقق ناييني (ه) در عبارت: «واعترض المحقق النائيني بان الاستصحاب يكون وجيها لوكان الاثر المراد ترتبيه ثابتاً للو واما اذا كان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعني جريانه» به جريان استصحاب براى اثبات برائت، وا تبيين نما ييد. من ٢٤٠ و ٢٠٠ عدان نابية المدان المتراث كه اثر مطاوب از استصحاب براى اثبات برائت است و اين اثر مترتب بر عدم حدوث نست تا به ادان ايت محتود نست تا به ادان ايت محتود نست تا به ادان ايتنا لابوات في الموسلة بالينا في علم مدودت نست تا به ادان ايتنا والهاد المادان ايتنا لابوات في الموسلة المناس كان عبد المناس كان كان ثابتاً لابوات فلامعني جريانه به عنوات فوت بولت استصحال برائ اثبات برائت برائت مدودت نست تا به ادان ايتناف	واجب است، زیرا شک در استطاعت خود دارد» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵۶	۱- حکم در مسأله «شخصی شک دارد حج بر او
ع) حك در مكلف به و مجراى اشتثال □ ا تنك در تكليف و مجراى برائت ☑ 7 - نقد استدلال به سيره عقلاء بر حجية الاستصحاب كدام است؟ ص ٢٧٤ النا يحتمل ان لا يكون بكنة الكشف ☑ النا يحتمل ان لا يكون بكنة الكشف ☑ الا يحتمل الراء من جاب النارع □ الا يحتمل الراء من جاب النارع □ الا يحتمل الراء من جاب النارع ا□ الا يحتمل الراء من جاب النارع □ الا يحتمل المتحدوم (ع) □ الا يحتمل المتحدوم عبارت: «ليس في الحكم الا البعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه * نافي جريان كان موضوعات مرغّه □ الا است؟ ص ١٩٠١ □ الا عن موضوعات مرغّه □ الا عن موضوعات مرغّه □ ع) حكم مناق □ الا كوم كان مذبين خي نبعث و سولا » بر برائت را نوشته، نقد نماييد. ص ٢٠٠ □ الا يختص □ الا يختص □ الا يختص □ الا كان ثابتا يعدم المعاني (ه) در عبارت: «واعترض المحقّق النائيني بان الاستصحاب براى اثبات برائت، وا تبيين نماييد. ص ٢٤٠ و ٢٠٠ ٢٠ عملة الا المناق فلامعني جريائه» به جريان استصحاب براى اثبات برائت، وا تبيين نماييد. ص ٢٤٠ و ٢٠٠ عواب المناق المناق فلامعني جريائه» به جريان استصحاب براى اثبات برائت، وا تبيين نماييد. ص ٢٤٠ و ٢٠٠ عملة والمناق ناييني (ره) اعتراض كرده است كه اثر مطاوب از استصحاب، بنى عقاب و ثبوت برائت است و اين اثر مترقب بر عدم حدوث نست تا به ادارا، است محقق ناييني (ره) اعتراض كرده است كه اثر مطاوب از استصحاب، بنى عقاب و ثبوت برائت است و اين اثر مترقب بر عدم حدوث نست تا به ادارا، است حدوث نست تا به ادارا، است حدوث نست تا به ادارا است عدوث نست تا به ادارا است حدوث نست تا به ادارا است كه اثر مطاوب از استصحاب بنى عقاب و ثبوت برائت است و اثر عدودت نست تا به ادارا است حدوث نست نست تا به ادارا است كه اثر مطاوب از است حدوث نست نست قبل و ثبوت برائت است كور عبود تست نست تا به ادارا است كور تست كور تست كور تست كور تست كور	-/2	الف) شک در تکلیف و مجرای اشتغال 🗖
ع: كد در تكليف و مجرای برانت كا است و مجرای برانت كا است و حرای برانت كا است و مدرای برانت كا است و مدرای برانت كا است و حرای برانت كا است و حرای است و		ب) شک در مکلف به و مجرای برائت 🗆
ان يحتمل ان لا يكون بنكته الكشف كا الستهمحاب كدام است؟ م ٢٧٣ الله يعين بعدي عقلاء بر حجية الاستهمحاب كدام است؟ م ٢٧٣ الناع الله يحتمل ان لا يكون بنكته الكشف كا الحرة من جانب الشاع الله المسموم (ع) كا يمكن احراز هذه السيرة الله يعين بحدوثه» نافي جريان لا يكون اتسالها الله المسموم (ع) كا يحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافي جريان كدام استهمحاب است؟ مي ١٩٦ كرام المحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافي جريان الله عن بتريان الله عن المحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافي جريان الله عن تربي الله عن المحكم ملق كا يتواد حالتين الله الله الله الله الله الله الله الل		ج) شک در مکلف به و مجرای اشتغال 🗆
الف) يحتمل ان لا يكون بنكة الكنف ك الم المعمل احراز هذه السبرة □ الم يحكن احراز هذه السبرة □ الم يحكن احراز هذه السبرة □ الم يحكن احراز هذه السبرة على المعمور (ع) □ الم المعمور الم على حدوثه» نافى جريان المعمول و والجعل لا شك فى بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافى جريان الماء معرات: «يسى فى الحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك فى بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافى جريان الف امنوعات مركبه □ الف) موضوعات مركبه □ الم كم معلق ك الم كم معلق ك الم كا كم معلق ك كا نصوب كا كم الموقع الاولى، لابد ان يعيد» و «لا شك لكثير الشك» چيست؟ من ٥٠٠ ماء معلق ك على الموقع الماء الموقع المو		د) شک در تکلیف و مجرای برائت 🗹
	محاب کدام است؟ ص ۲۷۶	٢- نقد استدلال به سيره عقلاء بر حجية الاستص
ع) يحتمل الردع من جانب الشارع (a) لا يمكن اتسالها الى المعسوم (ع) (b) لا يمكن اتسالها الى المعسوم (ع) (c) لا يمكن اتسالها الى المعسوم (ع) (d) مطرح در عبارت: «ليس فى الحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك فى بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافى جريان الله المنسوعات مركبه (e) الله الله الله الله الله الله الله الل		الف) يحتمل ان لا يكون بنكتة الكشف ☑
د. الا يمكن اتصالها الى المصوم (ع)		ب) لا يمكن احراز هذه السيرة 🗖
۳- دليل مطرح در عبارت: «ليس في الحكم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافي جريان كدام استه حاب است؟ - ۱۹۰ ۱۵۰ الذ) مينوعات مركبه الذ) مينوعات مركبه الذ) مينوعات مركبه عن الله عبد الله الله الله الله الله الله الله الل		ج) يحتمل الردع من جانب الشارع 🗆
کدام استصحاب است؟ س ۲۹۱ الف) بونبوعات مرکبه الف) بونبوعات مرکبه الف) تربیجیات ع) حکم مدلق ∀ از توارد حالتین ع) حکم مدلق ∀ الف) تقیید الف) تقیید الف) تقیید اب حکومت ∀ اب خصاص اب حکومت ∀ اب خصاص ا اب حکومت ∀ اب حکومت ∀ اب خصاص ا اب حکومت ∀ اب خواب: با توجه یم این المی المی المی المی المی المی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جابن شارع اله واما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۱۹۵۹ و ۱۹۰۰ کرد بواب:		د) لا يمكن اتصالها الى المعصوم (ع) 🗌
الف) مونوعات مركبه □ الما عند المرتجبات □ عام حكم مداق ك عام حكم مداق ك عام المرتجبات □ عام حكم مداق ك عام المرتجبات □ عام المرت كانسبت بين دو دليل «ان الشاك في الركعة الاولى، لابد ان يعيد» و «لا شك لكثير الشك» چيست؟ ص ٢٠٥ ١٠ ١٥ ١١ الف) تقييد □ الف) تقييد □ ب حكومت ك ب حكومت ك عام تخص □ حاستدلال به آيه شريفه «وما كنا معذبين حتى نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نماييد. ص ٢٤٣ ٢٠ ١٠ حرومت ك حواب: با توجه به اينكه قبل از بعثت رسول خداوند عذاب نمي كند و رسول مانند معلقي براى صدور از جانب شارع اله حواب عنام عدم صدور بيان است نه هنگامي كه صادر شود از شارع و به دليل مانمي به ما نرسد و رسول مانند عالي براى صدور از جانب شارع اله وصول فعلي به مكلف. - اعتراض محقق ناييني (ره) در عبارت: «واعترض المحقق النائيني بان الاستصحاب براى اثبات برائت، را تبيين نماييد. ص ٢٤٦ و ٢٠٠ ٢٠ حواب: واما اذا كان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعني جريانه» به جريان استصحاب براى اثبات برائت، را تبيين نماييد. ص ٢٤٩ و ٢٠٠ جواب:	لجعل و المجعول و والجعل لا شك في بقائه و المجعول لا يقين بحدوثه» نافي جريان	۳- دلیل مطرح در عبارت: «لیس فی الحکم الا ا
ب) تدریجیات	-10	
ج) حكم معلق كا د) توارد حالتين □ د) توارد حالتين □ (٤) نسبت بين دو دليل «ان الشاك في الركعة الاولى، لابد ان يعيد» و «لا شك لكثير الشك» چيست؟ ص ٣٠٥ (٠) الله) تقييد □ (١) تخصص □ (١) تخصص □ (١) تخصص □ (١) ورود □ (
د) توارد حالتین ا (3) نسبت بین دو دلیل «ان الشاک فی الرکعة الاولی، لابد ان یعید» و «لا شک لکثیر الشک» چیست؟ ص ٢٠٥ (4) نسبت بین دو دلیل «ان الشاک فی الرکعة الاولی، لابد ان یعید» و «لا شک لکثیر الشک» چیست؟ ص ٢٠٥ (4) حکومت ا (5) تخصص (6) ورود (7) حاستدلال به أیه شریفه «وما کنا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ٢٤٢ (7) حواب: با توجه به اینکه قبل از بعثت رسول خداوند عذاب نمی کند و رسول مانند مصداقی برای بیان است در نتیجه لاعقاب قبل از بیان نقد: نهایت آنچه که دلا (8) حیکند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگامی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع ان نه وصول فعلی به مکلف. (9) حیارت: «واعترض المحقّق النائینی بان الاسـتصحاب یکون وجیهاً لوکان الاثر المراد تر تیبه ثابتاً للو (9) اعتراض محقق نایینی (۵) در عبارت: «واعترض المحقّق النائینی بان الاسـتصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۶۹ و ۲۰۰ (9) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتّب بر عدم حدوث ندست تا به احدای استور (1) اعتراض کوده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتّب بر عدم حدوث ندست تا به احدای استور		
(٤) نسبت بین دو دلیل «ان الشاک فی الرکعة الاولی، لابد ان یعید» و «لا شک لکثیر الشک» چیست؟ ص ٢٠٠٥ اف) نقید □ ب) حکومت ☑ ح) تخصص □ ۱- الله الله قید شریفه «وما کنا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ٢٤٣ ۱- استدلال به آیه شریفه «وما کنا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ٢٤٣ ۱- استدلال به آیه شریفه «وما کنا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ٢٤٣ ۱- احتراض محقق بل از بعث رسول خداوند عذاب نمی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع است به وصول فیلی به مکلف. ۱- اعتراض محقق نایینی (۵) در عبارت: «واعترض المحقق النائینی بان الاسـتصحاب یکون وجیها لوکان الاثر المراد ترتیبه ثابتاً للو واما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۶۹ و ۲۰۰ جواب:		
الف) تقیید □ ب) حکومت ☑ ج) تخصّص □ د) ورود □ ۵- استدلال به آیه شریقه «وما کنّا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲۶۲ ٢ جواب: با توجه به اینکه قبل از بثت رسول خداوند عذاب نمی کند و رسول مانند مصداقی برای بیان است در نتیجه لاعقاب قبل از بیان نقد: نهایت آنچه که دلا می کند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگامی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع انه وصول فعلی به مکلف. ۲- اعتراض محقق نایینی (ره) در عبارت: «واعترض المحقق النائینی بان الاستصحاب یکون وجیهاً لوکان الاثر المراد ترتیبه ثابتاً للوو واما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۵۹ و ۲۵۰ و ۲۵۰ و ۱۵۰ حدوث ندست تا به احرای استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۵۹ و ۲۵۰ و ۲۵۰ محمّق نایینی (ره) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث ندست تا به احرای استو	** S" - " S All SSI S AND " " S AND IN IN	
ب) حکومت ∑ ج) تخصص م- استدلال به آیه شریفه «وما کنّا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲٤٣ م- استدلال به آیه شریفه «وما کنّا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲٤٣ جواب: با توجه به اینکه قبل از بیثت رسول خداوند عذاب نمی کند و رسول مانند مصالقی برای بیان است در نتیجه لاعقاب قبل از بیان نقد: نهایت آنچه که دلا می کند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگامی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع الانه وصول فیلی به مکلف. ۲- اعتراض محقق نایینی (ره) در عبارت: «واعترض المحقق النائینی بان الاستصحاب یکون وجیهاً لوکان الاثر المراد ترتیبه ثابتاً للو واما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۶۹ و ۲۵۰ و جواب: جواب:	اوی، دید آن یعید» و ۱۰۰ سک تخیر انسک، چیست؛ ص ۱۰۰	
ج) تخصص □ د) ورود □ ٥- استدلال به آیه شریفه «وما کنا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲٤٣ γ استدلال به آیه شریفه «وما کنا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲٤٣ γ اخواب: با توجه به اینکه قبل از بعثت رسول خداوند عذاب نمی کند و رسول مانند مصداقی برای بیان است در نتیجه لاعقاب قبل از بیان نقد: نهایت آنجه که دلا می کند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگامی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع است و وصول فعلی به مکلف. γ اعتراض محقق نایینی (۱۵) در عبارت: «واعترض المحقق النائینی بان الاستصحاب یکون وجیها لوکان الاثر المراد ترتیبه ثابتاً للو و اما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۶۲۹ و ۲۵۰ γ استوان کون اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث ندست تا به احرای استصحاب محقق نایینی (۱۵) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث ندست تا به احرای استصحاب محقق نایینی (۱۵) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث ندست تا به احرای استصحاب محقق نایینی (۱۵) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث ندست تا به احرای است		
د) ورود		
٥- استدلال به آیه شریفه «وما کنا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برانت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲۶۳ جواب: با توجه به اینکه قبل از بیان نقد: نهایت آنچه که دلا جواب: با توجه به اینکه قبل از بیان نقد: نهایت آنچه که دلا می کند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگامی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع انه وصول فیلی به مکلف. ۲- اعتراض محقق نایینی (ره) در عبارت: «واعترض المحقّق النائینی بان الاستصحاب یکون وجیها لوکان الاثر المراد ترتیبه ثابتاً للو واما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۶۹ و ۲۰۰ جواب:		
جواب: با توجه به اینکه قبل از بعثت رسول خداوند عذاب نمی کند و رسول مانند مصداقی برای بیان است در نتیجه لاعقاب قبل از بیان نقد: نهایت آنچه که دلا می کند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگامی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع ام نه وصول فعلی به مکلف. ۲- اعتراض محقق نایینی (۵) در عبارت: «واعترض المحقق النائینی بان الاستصحاب یکون وجیها لوکان الاثر المراد ترتیبه ثابتاً للو واما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۶۹ و ۲۵۰ و جواب: ۲ محقق نایینی (۵) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث نیست تا به ادای است	نبعث رسولا» بر برائت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲۶۳	
می کند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگامی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع ام نه وصول فعلی به مکلف. - اعتراض محقق نایینی (۵) درعبارت: «واعترض المحقق النائینی بان الاستصحاب یکون وجیها لوکان الاثر المراد ترتیبه ثابتاً للو واما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۶۹ و ۲۵۰ و جواب: - حواب: - حواب: محقق نایینی (۵) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث نیست تا به اجای استو		
نه وصول فعلى به مكلف. ٦- اعتراض محقق نايينى (وه) درعبارت: «واعترض المحقّق النائينى بان الاستصحاب يكون وجيهاً لوكان الاثر المراد ترتيبه ثابتاً للو واما اذا كان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنى جريانه» به جريان استصحاب براى اثبات برائت، را تبيين نماييد. ص ٢٤٩ و ٢٥٠ و جواب: جواب: محفّق نايينى (وه) اعتراض كرده است كه اثر مطلوب از استصحاب، نفى عقاب و ثبوت برائت است و اين اثر مترتّب بر عدم حدوث نيست تا به اجراء است	ے که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از حانب شارع اس	می کند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگام
واما اذا کان ثابتا لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲٤٩ و ۲۵۰ جواب: جواب: محقّق نایینی (ره) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتّب بر عدم حدوث نیست تا به احرای است		نه وصول فعلی به مکلف.
واما اذا کان ثابتا لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲٤٩ و ۲۵۰ جواب: جواب: محقّق نایینی (ره) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتّب بر عدم حدوث نیست تا به احرای است	س المحقّق النائيني بان الاستصحاب يكون وجيهاً لوكان الاثر المراد ترتسه ثابتاً للها	٦- اعتراض محقق ناييني (۵) درعبارت: «واعترض
جواب: محقّق نایینی (ره) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتّب بر عدم حدوث نیست تا به احرای است	بانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲٤۹ و ۲۵۰	واما اذا كان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنى جر
رے۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔	() () () () () () () () () ()	چواب:
نیاز باشد بلکه این اثر به مجرد عدم علم به حدوث حاصل است چون قاعده قبح عقاب بلابیان موجود است و دیگر نیازی به اثبات تعبدی برانت از طریق است	ستصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث نیست تا به اجرای ارزی	محقّق نایینی (ره) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از ۱،
است المراجع ال	است چون قاعدہ قبح عقاب بلاسان ممحود است و دیگ نیازی به اثبات تیگری اوسال است. است چون قاعدہ قبح عقاب بلاسان ممحود است و دیگ نیازی به اثبات تیگری اوسال است.	نیاز باشد بلکه این اثر به مجرد عدم علم به حدوث حاصل
ium.	المراجعة الم	نيست.

	۷- وجه عدم شمول ادله براثت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲۰۸ و ۲۰۹ -۲ نمره	
گر هدف	جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برانت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استحبابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برانت ندارد و ا	
	از اجراى برانت، اثبات عدم رجحان احتياط است، اين يقيني البطلان است چون احتياط على اي حال راجح است.	
	۸- چهار رکن قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص ۲۶۴ - ۲ نمره	
، برائت	جواب: ركن اول: وجود علم به جامع، ركن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرايت أن به اطراف، ركن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول ادله	
1	باشند. رکن چهارم: جریان برائت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود.	
	٩- فرق بين «استصحاب» با قاعده «اليقين» و قاعده «المقتضى والمانع» را به همراه مثال تبيين نماييد. ص ٢٧٣ و ٢٧٣	
، نک	جواب: قاعده یقین، متعلق شک همان متعلق یقین است و به همان یقین سابق سرایت می کند و حقیقة شک ناقض تکوینی یقین است برخلاف استصحاب که	
انع در	به بقای متیقن تعلق می گیرد، مثلاً به عدالت زید در روز جمعه علم داشتیم و سپس در روز شنبه به عدالت زید در روز جمعه شک کنیم. قاعده المقتضى والم	
راجعه	این قاعده یقین و شک به دو امر متغایر یعنی مقتضی و مانع تعلق می گیرد مثلا ماری زید را گزید که مقتضی مرگ است اما شک می کنیم که آیا به طبیب م	
	کرد یا خیر، ولی در استصحاب متعلق شک و یقین واحد است فقط زمانا فرق می کنند.	
	۱۰ - در ضمن مثال «اصل مثبت» را تعریف نمایید. ص ۲۸۷ - ۱ نمره	
ببر	جواب: استصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر اثر تکوینی مستصحب است را اثبات کند، اصل مثبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که مترت	
	رویش محاسن زید است، بواسطه اثبات رویش محاسن با استصحاب حیات زید.	
	۱۱- مراد از عبارت «ان التنافي بين الحكمين تارة يكون بين الجعلين و اخرى بين المجعولين» به همراه مثال تبيين نماييد. ص ٣٠٢)
	جواب:	
ن دو	در تنافی بین دو جمل تنافی بین دو مدلول است، مثال: جمل وجوب حج بر مستطیع و جمل حرمت حج بر مستطیع که دو مدلول با هم تنافی دارند در تنافی بیر	
3.0	مجمول به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می کند. مثال: دو مجمول در دو حکم «اذا	
فعلى	الماء فليتو ضأ للملاة» و «ذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا هنگامى كه آب ندا شته با شد مو ضوع حكم اول منتفى و در نتيجه حكم ف	
-		
		-
		1
11		

اسمالت مراز براید از			(6)
المنافع المنا	من او دار المن المنافق المنافقة	رمان و مرکزیمه و ربطح مان	
المنافعة ال	انك المام عمو على فرود ووات	التحامات مرکز موی (۱۲)	
ر درس بر طالاهرا بست به دربرا بر طالاهرا بست به دربرا بر طالاهرا به المساور ا		الموسال اول 19–10 الموسال اول 19–10	
است المعاون ا		يات معي ۾ بال يان عمر لا بالد	
است را التعالى سرز من فا فال كن س بر ۱۰۰۰ الله التعالى التعالى سرز من فا فال كن س بر ۱۰۰۰ الله التعالى التعا	فاسانام عمي الم مرودهد مرودوات		
ا- شک در «وجوب غسل» به دلیل «شک در حدث»، شک در تکلیف است یا مکلفیه؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۱۲۸ اقد مکفه - انتقال اقد مکفه - انتقال از تکلیف - انتقال از تکلیف - انتقال از تکلیف است؟ ص ۱۲۶۲ الله خرج برش از اواز او سحل ایباد الله مرجبة الحالة الداينة در جد اخراق الله مرجبة الحالة الداينة الداينة در بر محالف قطبه الله مرجبة الحالة الداينة الداين		4, 41,0	
- شك در ووجوب غسل» به دليل «شك در حدث»، شك در تكليف است يا مكلفبه} مجراى چه اصلى است؟ من ١٦٨	شرقان ، امان ، ،	كەمكى دىدىلى .	repl : Striptopi
الله مكافعه - برات حكاف - انتقال حكاف - انتقال حكاف - انتقال حكاف - برات حكاف - برات حكاف - برات حكاف - برات حكاف حري براي إلى إلى إلى البعد حد عرب براي إلى	چه اصلی است؟ ص ۲۳۸ دار	»، شک در تکلیف است یا مکلفیه؟ محرای	
به مكافيه - انتقال □ - تكليف معزيت دو شبهه غير محصوره مستند به چه أمرى است؟ ص ٢٤٧ - عدم لروم وقع در معد الخراف الله الله . □ - عدريان اسالة الراقد در همه الخراف □ - دركوبت قاعده مسر و حر □ - المرحية الحالة الله النه الله . □ - المرحية الحالة الله النه الله . □ - المرحية الحالة الله النه الله . □ - المرحية الحالة الله الله الله . □ - المرحية الحالة الله . □ - محال التقال - محال التقال - محول التقال . □ - محول الحالة . □ - محول التقال المرحة الموالة المراحة المراحة الموالة الموالة المراحة الموالة المراحة المراحة الموالة المراحة المراحة الموالة المراحة الموالة المراحة المراحة الموالة المراحة المراحة الموالة الموالة المراحة الموالة المراحة الموالة الموالة المراحة الموالة المراحة الموالة الموالة المراحة الموالة الموالة الموالة الموالة المحورة الموالة الموالة الموالة المحورة المحالة المنا والموالة المحورة المحالة المنا والموالة المحالة المنا وحجود المحالة المحالة المنا وحجود المحالة المنا وحجود المحالة المنا وحجود المحالة المنا وحجود المحالة ا			
ج. تكليف - اشتغال □ د تكليف - برات ☑ - عدم منتجزيت در شبهه غير محصوره مستند به چه امرى است؟ ص ٢٤٧ - عدم منتجزيت در شبهه غير محصوره مستند به چه امرى است؟ ص ٢٤٧ - عدم منتجزيت در شبهه غير محصوره مستند به چه امرى است؟ ص ٢٤٧ - بيابر نظر شبهيد صدر إن كدام تعريف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ٢٥٢ - البنابر نظر شبهيد صدر إن كدام تعريف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ٢٥٢ - البنابر نظر شبهيد صدر إن كدام تعريف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ٢٥٢ - البنابر نظر شبهيد صدر إن كدام تعريف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ٢٥٢ - البنابر نظر شبه غين بادخير و باي - البنابر نظر مورد «نقض يقين» تكويني است؟ ص ٢٥٦ - البنال استصحاب □ - البنا استصحاب □ - البنا البنابر البنابر نظر و باي - مال استصحاب □ - مال استصحاب □ - البنابر نظر و بای بید البنابر و بای بید البنابر و د دو باید البنابر و دو د			
T- عدم منجزیت در شبهه غیر محصوره مستند به چه أمری است؟ ص ۲۶۷ الف. خروج برخی از افراد از محل ابتلاء □ عدم لروه وقع ور محالفت قطیه □ عدم لروه وقع ور محالفت قطیه □ عدم لروه وقع ور محالفت قطیه □ با المنافع المراتة و همه المراق □ با المنافع عدر و حرح □ با المنافع عدر و حرح □ با المنافع الحالة □ المنة □ با المحكم بيقاء ما كان □ المنافع الحدود □ المنافع الحدود □ المنافع ا			
الله خروج برخى از افراد از محل ابتلاء			د. تکلیف - براثت 🗹
الله البرائة در همه المرائة	-13	چه ام ری است ؟ ص ۲٤٧	
ج. جریان اسالة البرائة در همه اطراف □ د. حكومت قاعده عسر و حرح □ ۱۱- بنابر نظر شهید صدر بره كدام تعریف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ٢٥٢ ۱۱- بنابر نظر شهید صدر بره كدام تعریف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ٢٥٣ ۱۱- المن المناب السابة □ ۱۱- المن المناب السابة □ ۱۱- المناب ال			
د. حكومت قاعده عدر و حرح □			اب. عدم لروم وقوع در مخالفت قطبیه ا⊻ا در مدر محالفت قطبیه ا⊻ا
۳- بنابر نظر شهید صدر (د، کدام تعریف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ می ۲۵۲ الله مرجبة الحالة الله الله الله الله الله الله الله ا			
الله مرحبة الحالة الـابقة كا الحكم بيقاء ما كان المستحاب الله قاعده متنسى و مانع الله المستحاب الله المستحاب الله المستحاب عنه المستحاب عنه و مناز الله الله شروا الله مناز الله الله الله الله الله الله الله ال	70	یاب»، یا تمام اتحاهات سا: گار است؟ ص ۲ ^د	د. حکومت فاعده عسر و حرج ك
ب. الحكم بيقاء اكا الكن في الغاء الله المحكم بيقاء اكا الكن في الغاء الله المحكم بيقاء اكا الله المحكم بيقاء الله المحكم الله الله الله الله الله الله الله الل		5 ·	
ج. اليقين بالحدوت الدائك في الغاه ا الشك في الغاه ا الغاه عقتص و مايم الغاه			
3 - در کدام مورد «نقض بقین» تکوینی است؟ ص۲۵۳ الله قاعده مقتضی و مایع			
الف قاعده مقتضی و مانع □ اب اصل استحاب □ ج. اصل اشتمال □ د. قاعده بقین ☑ - مثال «یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟ ص ۱۲۷ ص ۱۲۷ ص ۱۲۷ س ۲۰۰ مجهولی التاریخ □ ب. شک در تقریمیات □ الف، شک در تقریمیات □ ب. شک در تقریمیات □ ج. مجهولی التاریخ □ ۲۰ سبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ ۱۵. □ ۲۰ سبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۱۸۲ ۱۵. □ ۲۰ سکومت □ ۲۰			د. الشك في البقاء 🗖
ب. اصل استمحاب □ د. قاعده بقین ☑ - مثال «یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟ ص۱۲۷ ص۱۲۰ الله . شک در تقدم و تأخر ☑ الله . شک در تقدم و تأخر ☑ ب. شک در تدریجیات □ ب. شک در تدریجیات □ الله . تب در در دارین الله و الله الله الله الله الله الله ال	1./8	τ.	
ج. اصل اشتال □ د. قاعده بقین ☑ - مثال «یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟ ص۱۲۷ ص ۱۵۰ ص			
د. قاعده یقین ایس مورد تطبیق می کند؟ - مثال «یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟ - مثال «یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟ - بسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ - نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ - تخصیص ایم در تخصیص ایم در تخصیص ایم در تخصیص ایم سابق الله نفسا إلا ما آتاها» «الملاق بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (۱۵) به آن را تبییر ایم در تحصیص ایم در در تخصیص ایم سابق الله نفسا و تخلیف الله نفسا و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازهای که به او روزی دار برای در در نفل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او می رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است، میشود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او می رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مشؤول است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به نسبت بین فعل و مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به نسبت بین فعل و مفعول مطلق است و اگر معنای مال و مفعول به سیاق آیه قبا بن فعل و مفعول به با تسبت بین فعل و مفعول مطلق مظایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبا بن فعل و مفعول مطلق ملت و در نفل و مفعول مطلق مطلق مال و در در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبا			
ص ۲۷۱ الف. تک در تقدم و تأخر كا ح. مجهولی التاریخ □ ح. مجهولی التاریخ □ ۲- نسبت بین دو حکم «أن الشاک فی الركعة الثانیة یعید الصلاة» و «كثیر الشک لیس بشاک» كدام است؟ ص ۲۸۱ ۲- نسبت بین دو حکم «أن الشاک فی الركعة الثانیة یعید الصلاة» و «كثیر الشک لیس بشاک» كدام است؟ ص ۲۸۱ الف. ورود □ ج. حکومت كا ح. حکومت كا ۲- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۸ بر برائت را نوشته و اشكال شیخ اعظم (۱۰) به آن را تبییو ۲- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۸ بر برائت را نوشته و اشكال شیخ اعظم (۱۰) به آن را تبییو ۲- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۸ بر برائت را نوشته و اشكال شیخ اعظم (۱۰) به آن را تبییو ۲- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۸ بر برائت را نوشته و اشكال شیخ اعظم (۱۰) به آن را تبییو ۲- کیفیت استدلال به آیه مال فقط به اندازهای که به او میرسد مکلف است، پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسب بن فعل و مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسب بن فعل و مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسب بن فعل و مفعول مطلق منایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبل بن فعل و مفعول مفعول معلونه با نسبت بین فعل و مفعول مفاول ما توجه به سیاق آیه قبل و مفعول معالون مفعول معالی مغلم به با سیات بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبل	مر در مرد تطبیق مرکند؟	4 10	
ص ۱۲۷ القد شکد در تقدم و تأخر كا ج. مجهولی التاریخ □ ج. مجهولی التاریخ □ ۲- نسبت بین دو حکم «أن الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ ۱۵. ۲- نسبت بین دو حکم «أن الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ ۱۵. ۱۶. حکومت كا ۲۰ - کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۸ بر برائت را نوشته و اشكال شیخ اعظم (۱۰) به آن را تبییو ۲۰ - کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۸ بر برائت را نوشته و اشكال شیخ اعظم (۱۰) به آن را تبییو ۲۰ - کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۸ بر برائت را نوشته و اشكال شیخ اعظم (۱۰) به آن را تبییو ۲۰ - کیفیت استدلال به آیه ما الله قط به اندازهای که به او روزی دار بواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و میرسد مکلف است، پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و مفعول ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و مفعول مفاول مفاول مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به بین بنسبت بین فعل و مفعول مفاول است و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبل بو فعل و مفعول مفاول مفاول در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبل بخ فعل و مفعول مفاول م	ده یا صبح» بر عدام مورد حبیل علی ا	_و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج س	٥- مثال «يقين داريم أب كر سابق، ديگر كر نيست و
اب. شک در تدریجیات □ ح. مجهولی التاریخ □ ح. مجهولی التاریخ □ ۲- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانیة بعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ ۱ نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانیة بعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ ۱ نشید □ ۱ حکومت ا ۲ حکومت ا ۲ حکیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفْساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق ۸ بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (۱۵) به آن را تبییو ۲ حکیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفْساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق ۸ بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (۱۵) به آن را تبییو نمایید. ص ۲۲۶ - ۲ نمره ۱ مال فقط به اندازهای که به او روزی داه براف است به تکالیفی که به او رمیرسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است بی شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او میرسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مشؤول است عراض شیخ (۱۵): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است، و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبل بن فسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است، و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبل بن فسرو و مورود است است است است و اگر معنای مال و مفعول مطلق مغایر است، و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل	1/3		ص ۲۷۱
ج. مجهولی التاریخ □ د. توارد حالتین □ ۲- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ ۱۵. ورود □ ۱۶. حکومت ☑ ۱۶. خصیص □ ۱۶. حکومت ☑ ۲۰ کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلفُ اللهُ نَفْساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۲۷ بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (۱۵) به آن را تبییو نمایید. ص ۲۲۶ - ۲ نمره ۲۰ کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلفُ اللهُ نَفْساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۲۷ بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (۱۵) به آن را تبییو نمایید. ص ۲۲۶ - ۲ نمره ۲۰ کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلفُ اللهُ نَفْساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق، ۲۰ بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (۱۵) که به او روزی دار برائت را نوشت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است، پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است، پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبل بن فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبل بن فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبل بن فعل و مفعول معلو			
د. توارد حالتین الله حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ مراد الله ورود ورود الله ورود ورود ورود الله ورود ورود ورود ورود ورود ورود ورود ورو			
۲- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» ددام است؛ ص ۱۸۰۰ الف. ورود □ الف. ورود □ - حکومت ☑ د. تخصیص □ - حکومت ☑ - کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلفُ اللهُ نَفْساً إِلاْ ما آتاها» الطلاق ۱۸ بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (ره) به آن را تبییو ماید. ص ۲۲۶ - ۲ نمره - کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلفُ اللهُ نَفْساً إِلاْ ما آتاها» الطلاق است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازهای که به او روزی دار جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است میشود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او میرسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است عراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسب بن فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبا			
الف، ورود □ ج. حکومت ☑ ج. حکومت ☑ د. تخصیص □ د. تخصیص □ ۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفْساً إِلاْ ما آتاها» «الملاق ۷ بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (۵) به آن را تبییر ما یعند. ص ۲۲۶ - ۲ نمره مرایید. ص ۲۲۶ - ۲ نمره جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازهای که به او روزی داه بی مورد و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او می رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است میشود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او می رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مشؤول است عنراض شیخ (۵)؛ اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست» با توجه به سیاق آیه قبا	دام است؟ ص ۲۸۱	عید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» ک	٦- ُنُسبت بين دو حكم «انُ الشاك في الركعة الثانية يـ
ج. حکومت ☑ د. تخصیص ☐ ۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکلُفُ اللهُ نَفْساً إِلاً ما آتاها» «الملاق ۷ بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (۱۵) به آن را تبییر نمایید. ص ۲۲۶ ~ ۲ نمره مکع ۲ مراب «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازهای که به او روزی دار بیشود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او میرسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است میشود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او میرسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است عتراض شیخ (۱۵): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبا			W
د. تخصیص			
۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکَلُفُ اللهُ نَفْساً إِلاً ما آتاها» «الطلاق» بر برانت را نوسته و اسخال سیخ اعظم (ما به آن را نوسته و اسخال سیخ اعظم (ما به آن را نمینید. ص ۲۲۶ - ۲ نمره جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازهای که به او روزی دار بیشود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او میرسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است عتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبین فعل و مفعول مطلق مغیول ملاق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به سیاق آیه قبا بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبا			
نمایید. ص ۲۲۶ - ۲ نمره جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازهای که به او روزی دار ی شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او می رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است عتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبین فعل و مفعول مطلق معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبایی فعل و مفعول به سیاق آیه قبا	، و اشكال شيخ اعظم (١٠) به أن را تبيين	اً الأما أتاها» الملاق ٧٠ بر برائت را نوشته	د. تخصيص لــا و م حد در د در الله نفس فو «لا بُكَافُ اللهُ نَفسا
جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازهای که به او روزی دا» بی شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او میرسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است عتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبی بن فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبا	()	1810	0.017 - 775 - 1.1.1a
بی شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازهای که به او میرسد مکلف است. پس فقط نسبت به تخالیفی که به او رسیده است، مسوول است عتراض شیخ (ده): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسب بن فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبا	در مقابل مال فقط به اندازهای که به او روزی داده	ن مال، فعل و تكليف است. به اين معنا كه انسان	مار و هما کار محصورا اطلاق دارد لذا مراد از آن معنایی جامع بیر
عتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بخیریم مفعول به. نسب بن فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبا	به تکالیفی که به او رسیده است، مسوول است.	، که به او میرسد مکلف است. پس فقط نسبت	شود و در فول به اندازه توان حسمی و در تکلیف به اندازهای
ین فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مقعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق ایه قبا	اگر معنای مال را در نظر بخیریم مقعول به. نسبت	ى تكليف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و	تراض شيخ ارها: اراده حامع از «ما» ممكن نيست. زيرا اگر معنا
	یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق ایه قبل،	و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از	ن فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است.
			ه متعین در معنای مال است.

التحانات متمركز عمومي: اصول فقه 1 كله ٢٩٥١/٢٤

٨- عبارت «الإعتراض الأول على أدلة البرانة الشرعية هو أن الادلة خاصة بمورد الشك البدوى دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح أن
٨- عبارك «الإعتواض الأول على معلم براه معلم اجمالي بثبوت التكاليف فلا يمكن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهيد (١٠) از اشكال ر
اللعبية و حسابين ١٠٠٠ و ١٣٦٠ - ٢ نمره
ا ۱۰ ا ۱۸ م ۱۸ که به ادله برانت وارد کردهاند این است که این ادله برانت در جایی جاری میشود که شک بدوی باشد به معرون به علم اجمالی و در شبهات
المحرب في مقدم به علم احمالي است حون فقيه وقتي به مجموع شيهات حكمية نظر مي كند مثلاً أكر بيست تا شهة دارد يقين دارد يك سرى تكاليف واقتي در
حکمیه سخه معرون به صفح است ی محمد برای می برای از این می از این شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیه که هر یک ار آن ها میان آن ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای احرای برائت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیه که هر یک از آن ها
میان آن ها وجود دارد که نشاد مانو را به می ماند. از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی ماند.
ار اطراف این عدم اجمالی سمست بای سی است. حواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادلّه، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادلّه، آن
خواب شهید صدر ازه). بندا تعینی بین مراحت مساور از تکالیف که استباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مایقی شهات دیگر علم به وجود علم انداز از تکالیف که استباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مایقی شهات دیگر علم به وجود
علم احمالی معنی می طوف معنی استان از این مالقی مدوی است و حای برائت شرعی،
۹- وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲٤۰ - ۱ نمره
حواب: زیرا اگر هدف از اجرای مرانت، اثبات ترخیص در ترک است. این ترخیص در امور استحابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برانت ندارد و اگر هدف از
الداي برائت. إثبات عدم رجحان احتياط است. ابن يقيني البطلان است چون احتياط على اي حال راجح است.
١٠- دليل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جريان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة
القطعية.» را توضيح دادد، جواب شهيد صدر ره بر أن را بيان كنيد. ص ٢٤٢ - ٢ نمره
حواب: مشهور علما معتقدند، جربان اصل برائت در تمام اطراف عنم احمالي محال است. زبرا وجود علم (ولو اجمالي) مقتضي امتثال حكمي است كه علم (اجمالي) به
ان داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برانت را جاری کرد، لارمه اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شرعا و
قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. حواب شهید صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری
از جانب مولی، در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است،
11- تفصيل در عبارت «و قد يفصل بين أن يكون الشرط محتملا بلحاظ المتعلق و بين كونه محتملا بلحاظ الموضوع» درباره جريان برانت
در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال شهید صدر (۱۰) به آن را بنویسید. ص ۲٤۹ و ۲۵۰ – ۲ نمره
جواب: در خطاب «اعتق رقبه» متعلق، عتق و موضوع، رقبه است. گاهی شک تعلق می گردد به دعا هنگام عتق و گاهی تعلق می گیرد به شرط آیمان در رقبه. در حالت
اول برانت جاری می شود، زیرا مرجع شک به شک در تقید واحد [هنق] به دما است، یعنی شک در تکلیف زاند، لذا برانت از تکلیف زاند جاری می شود و در حالت دوم
ا برائت جاری نمی شود. ریرا رقبه مومن معلق وجوب سبب. پس شک در نقط رقبه به ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برایت جاری کرد. اشکال شهید: هر چند
مقید کردن رقبه به ایمان متعلق امر نیست. اما نقید عنق به ایمان رقبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقبه
است. و از آن جهت که نقید تحت اختیار مکلف است و بعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب این تقیید، نسبت به آن برائت جاری می شود.
۱۲- با توجه به صحيحة «قلت له الرجل بنام و هو على وضوء» چرا برخى قائل شدهاند كه عبارت «و لا ينقض اليقين بالشك» افاده
عموم نمی کند، یک جواب از آن یتویسید. ص ۲۵۹ - ۲ نحره جواب: استدلال برای عدم افاده عموم: زیرا در «لا ینفض القب بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می گردد و
جواب: استلال برای عدم افاده عموم، ریز، در ۱۷ ینصل کسی در است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می کند. تردد مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «وابه علی نفس من وصونه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می کند.
Windle Co. C. Stall
١٣٥- يا توجه به عبارت «انه في الشبيهة الحكمية إذا كان الموضوع باقياً بكامل قيوده فلا يمكن طرو الشك في البقاء فلا بد من زوال بعضها
و معه تختل الوحدة» اشكال به «ركن ثالث استصحاب در شبهه حكميه» را نبيين كرده، پاسخ تفصيلي ارائه دهيد. ص ٢٦٢ - ٢ نمره
احال:
اشكال: در شبهات حكميه اكر موضوع كاملاً باقى باشد بس شك در بفاء نيست (مكر به نحو نسخ) و اكر موضوع تغيير كرده است ديگر قضيه متيقنه با قضيه مشكوكه
وحدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیثیة
تقییدیه او قبودی که مقوم موضوع نیستند احیثیت تعلیلیه ا در اختلال به قبود اول استصحاب جاری نمی شود و در دومی جاری می شود.
۱٤- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۱۸ - ۲ نمره
جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می گوید اگر این انگور بجوشد حرام می شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز
اباقی است یعنی باز هم با غلیان نجس میشود یا نه استصحاب می کنیم آن قضیه شرطیه را، دلیل مرحوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و
جمل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجمول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز
امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرةالوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.
۱۵- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنویسید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ – ۲ نمره
اجواب: در ورود تنافی بین دو مجمول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می کند. زیرا
فعليت حكم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حكم «اذا وجد الماء فليتوضأ للصلاة» و «اذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با هم تنافى دارند. زيرا
هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی دو حکم نمی توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارد.
(۱/۵ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۰/۵ نمره)

وهفرا المستركي ١٠ وقيقه	امنحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	
شكريانام معنج الل فرويدد فرويرون		2 2 1 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2
	شهربور سال انحميلي 15–14	1947/15 : vine
	عالد کا بیدهام جوان مالی کا جنگ چوان	1870/-8/1-
شك إلم مع الم المرابط المرابط المرابط		رزن: اصول فقه ۴
The state of the s		رب. كتب: دروس في علم الاصول اللحافة الثانية –ابرواس،
	المر عدوت	(98) 844 3 (6° 31) 841 - 1 1 4 10 13
رمان: امان:	•	ام و مام فافادی: مردند
ی چه اصلی است؟ ص ۲۳۸	رمضان»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای	۱- شک در «وجوب روزه» به دلیل «شک در شروع
-13		الف. تكليف - برائت ☑ ب. تكليف - اشتغال □
		ب. تعلیف - استان ك ج. مكلفبه - برائت □
		ی مکلف به – اشتغال □ د. مکلف به – اشتغال
-/5	حاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ۲٥٢	۲- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استص
		الف. مرجعية الحالة السابقة ☑
		ب. الحكم ببقاء ما كان 🗆 🗖
		ج. اليقين بالحدوث □
ال اختلال بدا کرده است؟ م ۱۲۲۷	مشالف مرکداد یک ادار کار آرمید منحدی تا عال احم	د. الشك في البقاء 🗍
ای اعدال پیدا کرده است. کل ۱۰۰۰	، محاف کدام یک از از کان اربعه منجریه عمم اجم	۳- در موارد «علم اجمالی بین وجوب یا حرمت دفن الف الرکن الأول □
		اب. الركن الناني 🗆
		ج. الركن العالث 🗆
les es e	- H	د. الركن الرابع 🗹
به زمان تحقق هر دو جزء نيز جهل	و شک در تقدم یک جزء بر دیگری داریم و البته	٤- نام حالتي كه موضوع استصحاب مركب باشد و
1.13		داریم، چیست؟ ص ۲۷۳
		الف. الاستصحاب التعليقى □ ب. الشك بين المحذورين □
		ب. السف بين المحدورين ك ج. مجهولي التاريخ ☑
		ج. مجهونی اسربح کا د. توارد الحالتین 🗆
ص ۲۸۲ ص	ن» به دليل «يجب الحج على المستطيع» چيست؟	٥- نسبت دليل «لايجب الحج على المستطيع المدير
		الف. ورود 🗆
		ب. تقیید 🗹
		ج. حکومت 🗖
گ دانند، حست؟ ص ۲۵۹	در اقل راکش از ایر «جدران دین متبایشت» بد می	د تخصص 🗆
-/2	ین افل و اکتو» را به «باواران بین سبایین» جر می	 ٦- دو طرف علم اجمالی در نظر کسائی که «دوران بر الف. تسعه مقیده و عشره مطلقه □
	1	الف. تسعه مطلقه و عشره مقيده []
		ج. تسعه مطلقه و تسعه مقیده ☑
		د. تسعه مقیده و جزء عاشر 🛘
سَىء عَلِيمٌ» (توبه ١١٥) بر برائت را تبيين	ذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلُّ شَ	 ٧- دلالت أيه شريفه «و ما كَانَ الله لِيُضِلُ قومًا بَعْدَ إِ
4		ن <mark>مایید</mark> . ص ۲۲۲ – ۲ نمره
پستی و طرد از رحمت الهی و در هر صورت	أنها است و يا مراد از اضلال نوعي عقاب است مانند	جواب: یا مراد از اضلال حتمی کردن گمراهی و منحرف بودن
		«اضلال» معلق گردیده است بر بیان حدودی که از سوی هر قر
کافی است ا	بست و این معنای برائت است [نوشتن یک معنای اظلال	یان به آنها است در نتیجه بدون وصول بیان عقاب و ضلالی نی

امتحانات متمركز عمومي: اصول فقه ٤ كلد: ٢٩٤٣/١٦

٨- وجه ترديد بين رفع و معارضه در عبارت قائلين به احتياط: «انها معارضة بنصوص تدل على وجوب الاحتياط بنحو ترفع موضوع ادلة
البرائة، او تعارضها من دون رفع موضوعها» را به همراه مثال تبيين نماييد. ص ٢٣٢ و ٢٣٣ - ٢ نمره
جواب: اگر دلیل برائت بر ثبوت برائت هنگام عدم بیان تکلیف واقعی یا بیان وجوب احتیاط دلالت کند در این صورت ادله احتیاط، رافع برائت هستند زیرا موضوع برائت
.عدم بیان وجوب احتیاط است و ادله احتیاط بیان هستند و اگر دلیل برائت بر ثبوت برانت فقط هنگام عدم بیان تکلیف واقعی باشد در این صورت ادله احتیاط معارض
ادله براتت می شوند.
۹- سه قول مطرح در مقدار «منجزیت علم اجمالی» را با ذکر یک مثال تبیین کرده، قول صحیح را با دلیل معین کنید. ص ۲٤۲ - ۲ نمره
ا جواب:
ما اجمالاً به وجوب نماز ظهر یا جمعه علم داریم و در حقیقت نماز ظهر واجب است شکی نیست که علم اجمالی منجز است ولی در مقدار منجزیت سه قول مطرح
است. اول: منجّز نماز ظهر است فقط. [ولي به دليل عدم علم به واجب واقمي] ثاني: منجّز هر دو وجوب ظهر و جمعه است. ثالث: منجّز جامع بين ظهر و جمعه است
نه بخصوص ظهر و نه خصوص جمعه. (۱/٥ نمره) قول ثالث قول صحيح است زيرا علم اجمالي از جامع سرايت نمي كند در نتيجه ننجز نيز بيشتر از جامع سرايت
تمیکند. (۵/- نمره)
۱۰ - رکن اول و دوم از ارکان «علم اجمالی» را به همراه دلیل نوشته، برای اختلال هر یک مثال بزنید. ص ۲٤٥ - ۲ نمره
جواب: رکن اول: علم به جامع تکلیف زیرا اگر علم به جامع نباشد شبهه بدوی است. رکن دوم: وقوف علم بر جامع وعدم سرایت به فرد زیرا در این صورت علم
اجمالی نیست بلکه علم تفصیلی است و همان فرد منجز است. مثال اختلال رکن اول: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می شویم اشتباه کردهایم
در این صورت رکن اول علم اجمالی مختل میشود. مثال اختلال رکن دوم: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه میشویم لیوان نجس لیوان سمت
راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل میشود.
۱۱ – قاعده «اليقين» را به همراه مثال، تبيين كرده و فرق أن با استصحاب را بنويسيد. ص ٢٥٣ و ٢٥٤ – ٢ نمره
جواب: اگر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنچه میپنداشتیم هست، وجود داشت (یقین،
صادق بود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان شخص
در روز جمعه شک کنیم. فرق: شک در «قاعده یقین» به خود آنچه یقین به أن تعلق گرفته است، تعلق می گیرد به لحاظ همان زمان ولی در استصحاب، شک در بقاء
متيقن است بدون آنكه يقين سابق به لحاظ زمان سابق از بين برود.
ابه عبارت دیگر شک در قاعده یقین ناقض تکوینی یقین است ولی در استصحاب حقیقة ناقض درمث و به عبارت دقیق تر جریان استصحاب مبتنی است بر فراغ از
التحقق أنجه مي خواهيم انبات كنيم ولي قاعده بقين جنين نيست.]
۱۲-اشكال در عبارت «فان قيل: ان الاستصحاب و ان لم يكن جارياً حين الصلاة و لكنه بعد الفراغ منها يجرى لكون الشك فعلياً آنذاك و
ابحريانه بثبت بطلانها. قلنا: ۱٫ بر «عدم جريان استصحاب با شک تقديري» تبيين کرده، پاسخ دهيد. ص ۲۱۱ - ۲ نمره
جواب: به عدم جریان استصحاب حدث در اثناء نماز هنگامی که شک تقدیری است (یعنی اگر ملتفت شود شک میکند) برخی اشکال کردهاند که اگر چه اثناء نماز به
دلیل اینکه شک تقدیری است استصحاب جاری نمی شود اما بعد از نماز چون شک فعلی است یعنی ملتفتاً شک دارد، استصحاب حدث جاری می گردد و حکم به بطلان
نماز می گردد. (۱/۵ نمره) پاسخ: اگر ظرف جریان قاعده فراغ و استصحاب یکی باشد، قاعده مقدم می شود و حکم به صحت نماز داده می شود. (۱/۵ نمره)
۱۳- با توجه به عبارت «ان الامر التدريجي مجموعة حدوثات و الحدوث الاول و ان كان متيقن التحقق الا انه لا شك في ارتفاعه و الثاني
یشک فی اصل تحققه» اشکال بر جریان «استصحاب در تدریجیات» را تبیین کرده، پاسخ دهید. ص ۲۲۹ - ۲ نمره التحقق است ولی ا
جواب: برخی به استصحاب در تدریجیات اشکال کردهاند که امر تدریجی از مجموعهای از حدوثات تشکیل شده است و حدوث اول اگر چه متیقن التحقق است ولی
شکی نداریم که مرتفع شده است و حدوث ثانی شک در اصل تحققش داریم و یقین سابق ندارد پس رکن اول و دوم استصحاب با هم جمع نمی شود در نتیجه استصحاب جاری نیست. پاسخ: امر تدریجی نیز وحدت دارد که به سبب آن یک شیء واحد مستمر اعتبار می شود به نحوی که به جزء ثانی عنوان بقاء اطلاق می شود.
الستصحاب جاری نیست. پاسخ: امر تدریجی نیز وحدت دارد که به سبب آن یک سیء واحد هستمر العبار می سود به صوی که بر ای از ک
[حال یا این وحدت حقیقی است مانند حرکت آب از بالا به پایین و یا عرفی است مانند راه رفتن] ۱۶- دلالت روایت شریف «سالته عن رجل اختلف علیه رجلان من اهل دینه فی امر قال علیه السلام: یوجنه حتی یلقی من یخبره، فهو فی
۱۶۱ - ۱۶ اسریف «سالله عن رجل احساطیه رجان می «مل دیت عنی اجرا» عن احت
سعة حتى يلقاه» بر «تخيير» در تعارض مستقر را تبيين كرده، نقد كنيد. ص ٢٨٦ - ٢ نمره جواب: دلالت بر تخيير: قوله «في سعة حتى يلقاه» دلالت مي كند به اينكه شخص مخير است به هر كدام از روايات عمل كند و اين عبارت اخراي جعل حجيت براي
جواب: دلالت بر تحییر؛ فوله دی شده حتی یفده، دادی می مد به به است التحر سب به سوی امام است، اما روایت متعرض عمل تا زمان لقاء امام نشده است تخییر است. نقد: وجیه است که مقصود از سعة، عدم الزام مکلف به فحص و حرکت فوری به سوی امام است، اما روایت متعرض عمل تا زمان لقاء امام نشده است
تحییر است. نقد: وجیه است که معصود از سعه، عدم ازام سعت به تصور کو خرف حری به حری سه است که به آنچه قبل از وصول دو خبر متعارض عمل می کرده، عمل کند.]
ایله مفتصای اطلاق مقامی این است که به انچه قبل از وطول کو خبر شمارکان عمل می طرف است است که به انچه قبل از وطول کو خبر شمارید. ص ۲۸۷ – ۱ نمره
واب: به دلیل اینکه در موضوع براثت عدم علم به حرمت اخذ شده است و دلیل استصحاب دلالت می کند بر اینکه علم تعبّدی به حرمت داریم [شک مسبوق به
نین را نازل منزله علم قرار داده است] در نتیجه مقدم بر برائت میشود.

وفيلاد بالانترادي، ١٠ صبح (س. ٢٠ مان کار ٩٠ دقاقه	he aster com	(2) (2) (2) (3) (3) (3) (3) (3) (3) (3) (3) (3) (3
	امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	3 1 2 10 17 10
مُناسبانام منع الل فرورود فرور تردف	فيرسال دوم تحصيلي 18-46	74777V 10005
	بأنه يبجر وروفق يهمى	1510/-1/18 151
شاسيانام معني وام فرورهدا فرور ورون		منن اصول فقه ۴
	مهر عدر سه	كاب: دروس في علم الاصول عله نابه وأنان ابروار،
		مردد: از ابتدای اصول عسلیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۳۱)
، شرنان: . منن:	ر مرکد کمکیکان در در مارد	عم و عام فانواني:
	ت «الوقوف عند الشبهه خير من الاقتحام ذ	۱- بنابر نظر شهید صدر (۱۰) مراد از «شبهه» در روای
1.13		الف. شبهات در علم اجمالي 🗆
		ب. دعوتهای شبیه حق 🗹
		ج. تكليف مشكوك □
		د. متشابهات قرآن 🗖
سرعی نشده است» کدامیک از ارکان علم	<i>جود در فروشگاه بسیار بزرگ، یکی ذبح</i> ش	۲- در هنگامی که میدانم «در بین گوشتهای مود
-/2		اجمالی مختل می شود؟ ص ۲٤٧
		الف. ركن اول 🗖
		ب. رکن دوم 🗆
		ج. رکن سوم □
		اد. رکن چهارم ∑
-/3	باشد، چگونه تعریف می شود؟ ص ۲۵۲	٣- بنابر نظر أية الله خويي (ره) اكر استصحاب، اماره بالف. مرجعة الحالة السابقة □
		ا تف. مرجعیه اتحاله السابعه ت اب. الحکم بیقاء ما کان □
		اج. اليقين بالحدوث ☑
		د الشك في البقاء 🏻
ستصحب حكماً شرعياً او موضوعاً لحكم	ن شرط جريان الاستصحاب ان يكون الم	٤- لازمه بيان ركن چهارم استصحاب به صيغه «ار
1/2		شرعی» چیست؟ ص ۲۶۳
		الف. عدم جريان استصحاب عدم تكليف 🗹
		ب. عدم جریان استصحاب حکم شرعی 🗖
		ج. عدم جریان استصحاب تکلیف □ د. جریان استصحاب عدم تکلیف □
۳۷۱ ۶ ت	لی نمی داند صبح وضوء کی فته یا ظهر، حس	۵- نام حالتی که شخص میداند وضوء گرفته است وا
1./3	14 Maria 10 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	الف. الشك في التقدم و التاخر ☑
		اب. تعارض الاستصحابين 🗆
		ج. مجهولي التاريخ 🗆
		د. توارد الحالتين 🗆
به تقدم اماره بر اصل چیست؟ ص ۲۸۸	اماره را به «منزله علم» قرار داده باشد، و-	٦- اگر موضوع اصل را «عدم علم» بدانیم و شارع نیز ا
-/4		الف. ورود 🗖
		ب. تقیید 🗖
		اج. حكومت ₪
	11 m A	اد تخصیص □ ۷ اد ترادا در در شراعا شراعات تر مذر ن
ی بر آن مطرح است؟ ص ۲۲۱ - ۲ نمره	ی» بر «برانت» را نفریر درده، چه اسحال	۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نه حواب:
	1	
		استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف مضایخش از تکلیف مشکری است و در این از تکلیف مشکری ا
		یمنی بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برانت از تکلیف مشکوک. (۱ ترد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از شارع . یا توجه به اینکه دو احتمال

۸- بر فرض قبول معارضه ادله احتیاط با ادله برانت در شبهات بدوی، دو دلیل برای ترجیح ادله برانت بنویسید. ص ۲۳۱ – ۱/۵ نمره جواب:
۱. دلیل برائت، قرآنی است و چون قطعی است مقدم میشود. ۲. دلیل برائت مختص به شبهات بدوی است (ند نبیهات مقرون بد علم اجمالی) در نتیجه اخص است و به دلیل اخصیت مقدم میشود. (ترجیح سوم در کتاب)
به دلیل اخصیت مقدم میشود. (ترجیح سوم در کتاب)
٩- با توجه به عبارت «ان الترخيص في حميع الإطراف بنافي الحديد الله التي الله التي الله التي الله التي الله التي
٩- با توجه به عبارت «ان الترخيص في جميع الاطراف ينافي الوجوب الواقعي المعلوم بالاجمال، لما تقدم من تضاد الاحكام التكليفية» چرا مشهور قائل به استحاله جريان برانت در همه اطراف علم احمالي شدوازي نظر شريد من سيست
مشهور قائل به استحاله جریان برانت در همه اطراف علم اجمالی شدهاند؟ نظر شهید صدر (۱۰) چیست؟ س ۲۶۳ - ۲ نمره جواب: دلیل مشهور بر استحالة: ترخیص در تمام اطراف معناش این است کرد ۱۵ داد می در ۱۵ میست؟ س ۲۶۳ - ۲ نمره
جواب: دلیل مشهور بر استحالة: ترخیص در تمام اطراف معنایش این است که مثلاً مولی چیزی را واجب کند و در همان وقت ترک آن را اجازه دهد یعنی دو حکم انزام و ترخیص در یک واقعه جمع شوند که با توجه به تضاد احکام تکلیفیه استحاله دارد نظار شده در در ۱۵ ما
الزام و ترخیص در یک واقعه جمع شوند که با توجه به تضاد احکام تکلیفیه استحاله دارد، نظر شهید صدر (ره): این سخن در صورتی وجیه است که ترخیص واقعی باشد [یعنی در موضوعش شک اخذ نشود] ولی به دلیل این که ترخیص در هد حلیف علی ادرال در موضوعش شک اخذ نشود] ولی به دلیل این که ترخیص در هد حلیف علی ادرال در از است که از در موضوعش شک اخذ نشود]
باشد [یعنی در موضوعش شک اخذ نشود] ولی به دلیل این که ترخیص در هر طرف علم اجمالی، حکم ظاهری است منافاتی با جمع شدن با حکم واقعی دیگر ندارد. • 1- حکم مسأله در «شک در شرطیة» چیست؟ با دلیل تبیین نمانید. در ۲۲۹ مید ۲۲۰ مید ۲۲۰ مید دیگر ندارد.
۱۰ - حکم مسأله در «شک در شرطیة» چیست؟ با دلیل تبیین نمائید. ص ۲۶۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره
جواب: مانند شک در جزئیت، حکمش براثت است زیرا مرجع شرط شرعی برمی گردد به تحصیص واجب به حصدای خاص یعنی تعلق می گیرد امر به فعل و تقید و این معنایش این است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شد و این است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تشک کرد از در است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تشک کرد از در است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تشک کرد از در است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تشک کرد از در است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تشک کرد از در است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تشک کرد از در است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به داد است کرد از در است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تشک کرد از در است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به داد برد برد برد برد برد برد برد برد برد بر
معنایش این است که شک در شرطیت برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تقید که برائت جاری می شود. [مورد از موارد دوران بین اقل و اکثر است نه متباینین] ۱۱- عبارت «کیف اعتبر البناء علی الشک نقضاً للیقین و الحال ان البقین السام تراه دارد در در در مراد می نواند در
11- عبارت «كيف اعتبر البناء على الشك نقضاً لليقين و الحال ان اليقين السابق بالطهارة لا يزول بالشك في الحدث بقاءا فان ذاك متعلق اللحدوث و هذا بالبقاء، فكيف اسند نقض اليقين الى الشك» را درباره «دارت است حدارت و هذا بالبقاء، فكيف اسند نقض اليقين الى الشك» را درباره «دارت است حدارت و تربير مدارت المسابق
بالحدوث و هذا بالبقاء، فكيف اسند نقض اليقين الى الشك» را درباره «روايت استصحاب» توضيح داده، جوابي براى أن بنويسيد. ص ٢٥٦ - ٢ نمره
T 1 1 1 1 1 1 1 1 1
حواب: اشکال شده است که چطور در روایت، شک را ناقض یقین قلمداد کرده در صورتی که یقین سابق به طهارت با شک به حدث بقاءاً زائل نمی شود زیرا یقین به حدوث تعلق گرفته و شک به بقاء، بس خطور در روایت «لا تنقف القن باله کا مرتزی است می است می است.
الله الله الله الله الله الله الله الله
۱۲- مراد از «شک تقدیری» و «شک فعلی» در بحث استصحاب را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۱ - ۲ نمره
جوابية كاهي اوقات شك فعلي است يعلى شخص بالفعل شك دارد ولي كاهي اوقات شك تقديري است بعني اكر شخص النفات داشته راشد شكره كزين بالأري
محتف يغين به حدث داشته و سپس در بقاء حدث شک کند و با همين شک نماز بخواند، نمازش باطل است زيا شک او فعل است و استصحاب حاري مي شمد اما آگ
🆠 منتف یقین به خدت لاشته باشد و عقلت خلا و نماز بخواند و بعد از نماز شک کند که ایا چین نماز حدث باقی بود با نه در این حالت شک تقدیری است بعنی ای 📗
استفت بود شک در بقاء حدث داشت، در این صورت استصحاب جاری نمی شود.
۱۳- حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره
جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان یا خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خاند داخل
مسجد گردیده به گونهای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم طبیعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استد. حاب
کلی قسم سوم خواهد بود اکه انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک میباشد]. در این قبیل موارد، استسحاب جاری نمی شود (۱ نمره) زیرا رکن سوم
استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حصه طبیعی ضمن فرد اول با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است [حصه طبیعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند (۱ نمره)
ا ۱۶ - «تعارض» اصطلاحي را تعريف کردن چه تفارت با «تنادي» دا دي پريم ورد د
جواب: تعارض عبارت است از تنافی دو دلیل از حیث مدلولهای شان به این نحو که ثبوت هر دو دلیل با هم در واقع امکان ندارد. (۱ نمره) با توجه به تعریف تعارض.
تنافی بین دو جعل است ولی تزاحم تنافی بین دو امتثال است که ربطی بین دو مدلول ندارد. (۱/ نمره)
۱٥- پنج احتمال در «قاعده اوليه تعارض مستقر» را نوشته، يک احتمال را با دليل رد کنيد. ص ٢٨٢ و ٢٨٤ - ٢ نمره
جواب: احتمال اول: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند که مستحیل است زیرا هر کدام از ادله دیگری را تکذیب میکند، احتمال دوم: شارع برای هر دو دلیل
جعل حجبت کند ولی مشروط به عدم التزام به دلیل دیگر، این احتمال نیز غیر معقول است زیرا در صورت عدم التزام به هر دو دلیل، هر دو حجت هستند که محذور
سابق پیش میآید. احتمال سوم: شارع برای یک طرف معین حجیت را جعل کند، این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل و توجیعی بر حجیت یک طرف نداریم. احتمال
چهارم: شارع برای یک طرف به نحو تخییری حجیت جمل کرده است، این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، اثبات وجوب تخییری نمی کند. در نتیجه فقط
تساقط که احتمال پنجم است باقی میماند. (پنج احتمال ۱/۲۵ نمره و یک دلیل رد ۷/۰ نمره)

وديش نرمنري مامترکاي ۱۰ صبح العدم الاسترکاي ۹۰ دقيقه	امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	الله الله الله الله الله الله الله الله
		<i>y</i>
شاسيانام مفتح اول فروباده فروبه وووث	اختصاصي نىمەحضورى	1941/19 Igir
	المساق يمه وري	1544/1-/14 160
	غيرسال اول 10–4P	منن: اصول فقه ۴
فناسانام معتج اام فرور مدد فرو ووف	at-Spayary	کاب: دووس فی علم الاصول «حلقه نائیه - آقای ایروام
	عماب مهر مدرسه	ار النداق اصول عمليه تا انتداق بحث مقدار ما بشت بالا. (ص ۲۸۶)
	4/	نام دنام فافادی:
شرماًن؛ اسآن؛	شرعی، بنابر قاعده قبح بلابیان چیست؟ ص ۲۲۹ و ٤٠	
10	سرحی، بدبر قاعده قبح بلابیان چیست؟ ص ۲۴۹ و ٤٠	الف. برائت ا
		ب. استصحاب 🗆
		ج. اشتغال عقلى 🗆
		د. احتیاط شرعی 🛘
است» از حیث اصولی کدام است؟ ص ٢٥٦	ره بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان	۲- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روز
./5		الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال 🗀
		ب. شک در مکلف به و مجرای برائت 🔲
		ج. شکا در مکلف به و مجرای اشتغال □ د تک در تکافر سرد اسانه ا
	ما أو المنظمة في المنظمة المناطقة المنا	د. شک در تکلیف و مجرای برائت ☑ ٣- اگ مکاف قبل از علم احمال به «دک،
لم اجمالی محتل است؟ ص ۲۹۵	طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان ع	الف. ركن اول ☑
-/3		اب. رکن دوم 🛘
		اً ج. رکن سوم 🏻
		د. رکن پنهارم 🗆
ها بالصحیح» نسبت به وجوب سوره برای	ة جزء ولكن شككنا في عمومها للمريض أو اختصاصم	٤- با توجه به عبارت «اذا علمنا ان السور
-14	, ۲٦٩ ,	مریض چه حکمی جاری می شود؟ ص ۲۹۸
		الف, استصحاب □ ب. احتياط □
		اب. احتياط ك ج. برائت ☑
		ه. توقف □
	ت؟ ص ۲۷۷	۵- ُدر کدام مورد «نقض یقین» تکوینی اس
-/5		لف. قاعده مقتضى و مانع 🗋
		ب. اصل استصحاب 🛘
		. قاعده يقين 🗹
		. اصل اشتغال 🗖
ن می شود؟ چرا؟ ص ۴۸۳ 📗 🔝	فرمايد: لا تنقض اليقين بالشك ابدأ) شامل حالت ظر	– آیا عظمه «انسخا» در روایت زراره ا که می آب نعم؛ بقرینة مورد الروایة و کون السائل ظائاً بالحد
	0. 2	مه تعم؛ بقرينة قوله «و لكن انقضه بيقين آخر». ☑
		 لا: لتنويع الظن بالمعتبر و غير المعتبر. □
		لا؛ لان الشك لايشمل الظن وضعاً.
كُونَ مُبِئَةً أَوْ ذَمَا مُسْفُوحًا ﴿ ٣٠٠ مِنْ مُعَا	في ما أوجى إلَى مُحَرِّماً عَلَى طاعِم يطعَمهُ إلا أنْ ي	· نحوه استدلال به أيه شريفه «قُلْ لا أجدُ
۲ نمره	چه اسکالی بر این استدلال وارد می کند؟ ص ۲٤۳ –	تت سرعیه را توصیح داده، سهید صدر (ره) .
دم حدمت را «عدم محدان» م «نافت دا ا ».	اً با یهود را به پیامبر می آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عا	ب: در این ایه، خداوند متعال نحوه محاجه (و مباحثه
مات «دائت شاعیه» است	هم شرعی » کافی است در تامین و عدم عقاب و این همان اث	مد و این نسان از آن است که «نیافتن دلیل ابر حد
يه براهي اعلام نگري در اقد ماي ماي ماي	: حکم است؛ یعنی هر چه که بر بنامبر وجی نشود و جرمتش	ن نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود
ورد وفرد المرام والإيرام والمرام والارام	ا فیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاول از	۰ برایس نسریع نسده است. نمی نوان این قصیه ر
ین رحن سرس بسد اید جبرت دیدر. سه است»؛ حا که شاید چکم جا شده می	م پس این چیز در واقع حرام نسبت و اصلا حامتی جول ن	الله پس از فحمص و پاس بحوید: «چون من نیافته
من سد الله مع الله الله و في ا	- با اثبات یا نفی برانت شرعیه، بیگانه است.]	باشد. پس اين آيه - كه اثباتِ عدمِ جعل ميكند

۸- با توجه به عبارت «فقد يستدل له بوحدة السياق لاسم الموصول» چگونه حديث رفع مختص به شبهه موضوعيه مىشود؟ پاسخ أن	
پرست؟ ص ۲۶۱ – ۲ نمره	
چیست: ص ۱۶۰ مرح محتص شبهات موضوعیه می دانند زیرا هما» در هما اضطروا الیه» و فقرات دیگر ظهور در رفع موضوع دارد در نتیجه در هما لایعلمون»	
جواب برخی خدیت رخی را مسل به سر ر ر یا سی موصول در تمام موارد به یک معنا است و این به معنای شیء است و درتهایت میتوان گفت که مصادیق	
هم به درینه سیان طرح سبه و خود در مصداق موجب از بین بردن وحدت سیاق نیست.	
"ما» مخلف اللت و لدوك عز مصلي عرب مرين برقان و المنطقة هو أن الادلة خاصة بمورد الشك البدوي دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح أن	
٢- عبرت «برخراط ، دول على معه ، برخه مسرطية مو مل ، دعه فقط بيكورة رئسك ابتدوى دون المقترن باعدم ، وجدت و را د الانتهال لا دخارجم، الشدمات حصل له علم أحمال بثدوت التكاليف فلا يكها ما يك الاتها . ١٠ - ١٠ - ١٠ - ١٠ مد دروا الشكال وا	
الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالي بثبوت التكاليف فلا يمكن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهيد (١٠) از اشكال را	
بنویسید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ – ۲ نمره	
جواب: اشکال اولی که به ادله برانت وارد کردهاند این است که این ادله برائت در جایی جاری میشود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات	
حكميه شك مقرون به علم اجمالي است چون فقيه وقتي به مجموع شبهات حكمية نظر ميكند مثلاً اگر بيست تا شبهه دارد يقين دارد يک سرى تكاليف واقعي در	
میان آنها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای براثت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیه که هر یک از آنها	
از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی ماند.	
جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن	
علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاحمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود	
تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی ماند و لذا شک در این مابقی بدوی آست و جای برانت شرعی.	
۱۰- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی گشته را بیان	
کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲۱۶ و ۲۱۷ – ۲ نمره	
جواب: رکن چهارم: اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد، مثلاً در	
حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطیه نمیشود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این	
است که موجب مخالفت قطعیه می شود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلاً یا عقلانیاً) پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه نشود،	
می توان آن را اجرا نمود و با اجرای برانت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می شود. (یعنی موافقت قطعیه لازم نیست.)	
۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل دادهاند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص	
۳۷۰ – ۳ نمره است در ایران در ا	
جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری میشود	
زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت. به شک در وجوب تقیید بر می گردد و برانت جاری می شود ولی در صورت دوم برانت از برا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت. به منابی امر به تقید نست احود قدرت شاط تکلف است ا در شیجه	
جاری نمی شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نسبت (چون قدرت شرط تکلیف است) در شبجه	
شك در قيديت به شك در وجوب تقييد بر نمى كردد تا برائت جارى شود. 17- اعتراض آية الله خويي (۱۰) را در عبارت *اعترض السيد الاسناذ بائه يلزم في التعريف أن يكون تاماً على كل الاتجاهات و الحال أن المحروب أيد الله المحروب	
التعريف الاستصحاب بالحكم ببقاء ما كان ليس كذلك و يناسب افتراض كون الاستصحاب اصلاً اذ على الامارية يلزم تعريفه باليقين	
التعریف الاستصحاب بالعجم ببناء ما دل بیش عداد و پیسب بحراض ول بالحدوث» بر تعریف استصحاب تبیین کرده، دو نقد شهید صدر (۱۰) بر ایشان را بنویسید. ص ۲۷۲ و ۲۲۳ – ۲ نمره	
بالحدوث، بر تعریف استصحاب بیس طرفت دو عدد سهید عملی می دانند که ملائم با تمام مبانی در استصحاب نیست زیرا برخی استصحاب را اصل عملی می دانند و جواب: آیة الله خوبی (ره) به تعریف مشهور از استصحاب اشکال می کنند که ملائم با تمام مبانی در استصحاب نیست زیرا برخی است زیرا بوتند به	
جواب: ایه الله خویی (ره) به نفریت مشهور از است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره میدانند، یقین به حدوث است زیرا یقین به برخی استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که	
برخی استصفار را اماره و بین طریف سطب به سال برای است برای است برای بقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین فقط طریق است ۲. هر چند که حدوث اماره است برای بقاء سابق، نقد شهید صدر (ره): ۱. در حقیقت اماره بر نقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین فقط طریق است ۲. هر چند که	
حدوث اماره است برای بعد عابی، سالم سیر از برای در نتیجه می توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل دو مبنا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل	
[1
٣٠١ خيراشكال كردواند كه صحيحة زرارة: «قلت له: الرجل ينام و هو على وضوء، اتوجب الخففة و الخففتان عليه الوصوء قال: لا، حتى	1
المجوعي السائل طرفيات المنتقض اليقين ابدأ بالشك» ناظر به قاعده مقتضى و مانع است نه استصحاب، دليل أنها را به همراه يك نقد يستيقن انه قد نام و لاينقض اليقين ابدأ بالشك» ناظر به قاعده مقتضى و مانع است نه استصحاب، دليل أنها را به همراه يك نقد	
Y Year Year	N
حدال بالكاف التحديدة انكه در دوايت بقرن به وضوء تبلق گرفته و وضوء نيز أني الحصول است، در نتيجه بقائي نقارد كه در أن شک كنيم بلکه وضوء معتصى	1
ماداری این بران ارد یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است، جواب: همانطور که وضوء برای عسل و مسح استعمال می سود.	. 1
مهای طهارت نیز استعمال می شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لاتنقض الیقیر	
الشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می کند]	
۱- ارکان استصحاب را نام ببرید. ص ۲۸۳ - ۱ نمره	
واب: ١. يقين به حدوث ٢. شک در بقاء ٣. وحدت قضية مشکوک و متيقن ٤. ترتب اثر بر بقاء حالت سابق	2
۱- صاد ا: «حشت تقسدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۰ – ۲ نمره	0
اب: قبودي که عرفاً مقوِّم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضيف» در اين صورت، ضيف بودن، قيدٍ وجوب اکرام است. حال اگر زيد مهمان کس	42
ه باشد تا وقتی ضَیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم میکند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خا	اشد
بان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمیداند؛ چون «ضی	اميز
بی حارث ساری در این قیود را حیثیات تقییدیه مینامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند، مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاه ن» را مقوم موضوع میداند، این قیود را حیثیات تقییدیه مینامند. قیودی که عرفاً مقوم	ابودر
جس» در این صورت، «تنیّر» قید تنجّس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیّر فعلاً زا	متنه
و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس میداند این قبود را حیثیات تعلیلیه مینامند.	شد
+ "" -" /" O" S O () (O"	

See a		
رواس ١٠ مع د ٢٠ مريم ١٠ وقفه	اسحانات متمرکز عمومی (مطح ۲)	£3
الكدائم مع ول فروره ا فرورون	1 (10,0)	• • • • • • • • • • • • • • • • • • • •
	مسال بال 10-17	THVIT
	All East All All Franch	1717/1-/11 3
تك الم مع ام موديد مره وان		من أصول فقه ٢
	(مهر مدرسه)	كنب فروس مي علم الاصول حملته باسه - افاي ايرواس»
		مريع الرائدان لعول صله تا پايار كان اص ٢٠٥-٢٠٠،
ئرين من ا	ر کافی درو	ingi : Serieptopi
	•	۱- دیکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد ی
1/4	() (-) (الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال □
672		ب. شک در مکلف به و مجرای براثت □
		ی. شک در مکلف به و مجرای اشتغال □
		د. شک در تکلیف و مجرای براثت 🗹
محال محتر المحتر المحتر	1. 10 15 1 1 5 1 1 5 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	۲-اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از ع
	سم اجمالی استعار سود، تدام یک از از قال علم ا	انه رکن اول کا الف. رکن اول کا
./0		اها، رکن دوم □ اب، رکن دوم □
		ح. رکن سوم □
	10.07	د. رکن جهارم 🗖
-10	144	۳- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص
		الف. قاعده مقتضى و مانع □
1		ب. اصل استصحاب 🗖
Ï		اح. ناعده مثبن ⊡
ست، حست؟ می ۲۹۷	ثرور هر من م کافته ما انم داند کدام مقدم ا	د. اسل اشتبال 🔲 ٤- نام حالتي كه شخص اجمالاً ميداند هم حادث ا
است، چیست: ص ۱۹۷	سدد و عم وحود درصه وي معهدات مدام سمم	الف. الشك في التقدم و التاحر □
		الف الشك في المعذورين 🗆
		ب. الحدث بين الحدورين ك ح. مجهولي التاريخ □
l .		د. توارد الحالتين 🗹
	اب سبی و مسیمی صحیح است؟ ص ۲۹۹	۵- کدام گزینه طبق نظر مشهور، نسبت به استصح
18		الف. هر دو جاری میشوند و تعارض میکنند. 🗖
		ب. انهدام رکن دوم مسینی توسط سیبی 🗹
		ج. عدم جریان هر یک با جریان دیگری 🛘
		د. مسببی بر سببی حاکم است. 🗆
717	را نیز حجت، چرا اماره بر اصل مقدم است؟ ص ۲	۱- اگر موضوع اصل را «عدم حجت» بدانیم و اماره ر
		الف. ورود 🗹
		ب. حکومت 🛘
		اج. تخصص 🗖
15%		د تخصیص 🗆
رَ مَيتَةً أَوْ دُما مُسْفُوحاً» (انعام: ١٤٥) بر	وحي إلَى مُحَرِّماً عَلى طاعم يطعَمُهُ إلا أنْ يكور	٧- نحوه استدلال به أيه شريفه «قُلْ لا أجِدُ في ما أ
		برائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشک
		جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاجه [و مباحثه] با یهود
		می کند و این نشان از آن است که «نیافتنِ دلیل [بر حکم شرعی
		اشكال: نيافتن پيامبر در وحي الهي، به معناي عدم وجود حكم اس
پیمبر اعدم بحرده در واقع حرام ببوده و حمم شد در در افعالی مارد درگار کاند	کید با در افتار مکافری کم اجتمال دارد به خامل از ر	حرمت برایش تشریع نشده است. نمی توان این قضیه را قیاس ک
ر رفتن نصوص باسد. زبه عبارت دیدر: مدنت	ترد به سینص محصه که احتمال کرد به حاصر در بین	نم تواند سي از فحم عراب بگورد: «حود من زرافت سي ار
است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما	ن چیز در واقع خرام بیست و اصاد حرمتی جعل نسده	نمی تواند پس از فحص و یاس بگوید: «چون من نیافتم پس ایر ناسده باشد. سر این آمه – که اثاث عدم حدام کنا – ۱۱ او
	ت یا نقی برانت شرعیه، بیکانه است.]	نرسيده باشد. پس اين أيه - كه اثباتِ عدمِ جعل مىكند - با اثباتـــــــــــــــــــــــــــــــــــ

38.43

٨- عبارت «الإعتراض الاوّل على أدلَة البرائة الشرعيّة هو انّ الادلة خاصة بمورد الشك البدوى دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح ان
الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالي بثبوت التكاليف فلا يمكن أجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهيد (م) از اشكال را
بنویسید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ – ۲ نمره
جواب: اشکال اولی که به ادله براثت وارد کردهاند این است که این ادله براثت در جایی جاری می شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات
حکمیه شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیه نظر می کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در
مبان آنها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای براثت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیه که هر یک از آنها
مین از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمیماند. از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمیماند.
جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، أن
علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود
تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمیماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای براثت شرعی.
۹- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی گشته را بیان کرده،
دليل ركنيت أن را بنويسيد. ص ٢٦٤ و ٢٦٧ - ٢ نمره
جواب: رکن چهارم: اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطیه شود و وقوع مخالفت قطیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد. مثلاً در
حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمی شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این
است که موجب مخالفت قطعیه می شود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلاً یا عقلائیاً) پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه نشود،
مى توان أن را اجرا نمود و با اجراى برانت در اطراف ديگر علم اجمالى از منجزيت ساقط مى شود. [يعنى موافقت قطعيه لازم نيست.]
۱۰ - برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل دادهاند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص
۲۷۰ - ۲ نمره
جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برانت جاری می شود
زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می گردد و برائت جاری می شود ولی در صورت دوم برائت
جاری نمی شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه
شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی گردد تا برائت جاری شود.
١١- اعتراض أية الله خويي (١٥) را در عبارت «اعترض السيد الاستاذ بائه يلزم في التعريف أن يكون تاماً على كل الاتجاهات و الحال أن
التعريف الاستصحاب بالحكم ببقاء ما كان ليس كذلك و يناسب افتراض كون الاستصحاب اصلاً أذ على الامارية يلزم تعريفه باليقين
اباله دوت» بر تعریف استصحاب بیس کرده، دو نقد شهید صدر (۱۰) بر ایشان را بنویسید. ص ۲۷۲ و ۲۷۳ - ۲ نبره
جواب: أية الله خويي (ره) به تعريف مشهور از استصحاب اشكال ميكنند كه ملائم با تمام مباني در استصحاب نيست زيرا برخي استصحاب را اصل عملي مي دانند و
برخی استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره می دانند، یقین به حدوث است زیرا یقین به
حدوث اماره است براى بقاء سابق. نقد شهيد صدر (ره): ١. در حقيقت اماره بر بقاء سابق، خود حدوث است نه يقين به حدوث زيرا يقين فقط طريق است ٢. هر چند كه
دو مبنا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل
شود. [نقد دیگر در کتاب]
17- برخي اشكال كردهاند كه صحيحة زرارة: «قلت له: الرجل ينام و هو على وضوء، اتوجب الخفقة و الخفقتان عليه الوضوء قال: لأ، حتى
يستيقن انه قد نام و لاينقض اليقين ابدأ بالشك» ناظر به قاعده مقتضى و مانع است نه استصحاب، دليل أنها را به همراه يك نقد
ابنویسید. ص ۲۸۰ – ۲ نمره
جواب: اشكال: با توجه به اينكه در روايت. يقين به وضوء تعلق گرفته و وضوء نيز أنى الحصول است، در نتيجه بقائى ندارد كه در أن شك كنيم بلكه وضوء مقتضى
طهارت است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است، جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال میشود به
معتای طهارت نیز استعمال میشود و شاهد أن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لاتنقض الیقین
ابالشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین میکند]
۱۳ - مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره
جواب: قیودی که عرفاً مقوّم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قیدِ وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی
شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم میکند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانا
میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی تمیداند؛ چون «ضیف
ودن» را مقوّمِ موضوع میداند، این قیود را حیثیات تقییدیه مینامند. قیودی که عرفاً مقوّم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده َ باشد «الماء المتغیر بالنجاس
تنجس» در این صورت، «تغیّر» قیدِ تنجس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است. اگر این تغیّر فعلاً زایا
د و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس میداند این قیود را حیثیات تعلیلیه می نامند.
۱- «حکومت» را در بحث تعارض توضیح داده و مثالی بزنید. ص ۳۰۵ - ۲ نمره
واب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را تضییق می کند گاهی آن ها را توس
دهد. (۱/۵ نمره) مانند الربا حرام (محكوم). لا ربا بين الوالد و الوالد (حاكم). يا حكومت «لا ضرر و لا ضرار في الاسلام» بر ادله احكام شرعيه مثل وجوب صوم و (۱/۵ نمره)
۱- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۰۷ و ۳۰۸ - ۱ نمره
اب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامه است.

امتحانات ممركز عمومي (سطح ۲) النيائيم منع ال الزويد الزويد الزويد الزويد	2000 100 to 100
شهرمود سال قصصبلی ۲۳–۲۲ بله بعد ۵ ساله بله علی ۲ ساله بله بله بله بله بازد	۲۹۲۲/۲۰ ۲۵: ۲۹۲۲/۲۰ ۲۵: ۱۲۹۴/۰۶/۱۰ منن: اصول فقه ۴ کنب: دروس فی علم الاصول ، حدد ثانید «ایرواس» مدد: از ابندای اصول صلیه تا پایان ند (اس ۲۲۳–۲۲۸)
كدهلكي: درسطيد: شرماندا امان	
شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲٤۱	۱- به نظر شهید صدر (۱۰) قاعده اولیه و ثانویه در «
	الف. احتياط عقلي و برائت عقلي []
	اب. براثت عقلی و براثت شرعی 🗖
	اج. احتیاط عقلی و برائت شرعی ☑
11167 - 1111 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11 - 1 11	د برائت شرعی و احتیاط عقلی 🗍
موضوع عنهم»، كلمه «العباد» بايد چگونه لحاظ شود تا بتوان با آن، برانت در تكاليف	ا- در روایك «ها حجب الله علمه عن العباد فهو ا مشكوك را اثبات نمود؟ ص ٢٤٨
10	الف. عموم بدلی □
	اندا علوم بدی اب. إطلاق أحوالي []
	ج. عموم مجموعی □
	د. عموم استغراقی ₪
از محل ابتلاء» و «شبهه غير محصوره» به ترتيب كدام يك از اركان علم اجمالي مختل	
	دی شودک می ۲۲۱ میلاد
	الف. رکن چهارم – رکن سوم 🗋
	ب. رکن سوم – رکی چهارم 🗹
	ج. رکن سوم −رکن دوم □
, tw	د. رکن دوم - رکن سوم 🛘 گـــــــــــــــــــــــــــــــــــ
./2	الف. قاعده مقنضي و مانع 🗆
	ب. اصل استصحاب ُ 🗖
	ج. اصل اشتغال 🗖
	د. قاعده يقين 🗹
ه و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق میکند؟	
.15	ص ۲۹٤
	الف. شک در تقدم و تاخر ☑
	اب. موضوعات مرکب □ ج. مجهولی التاریخ □
	ع. مجهومی اسریع ت د. توارد حالتین □
ة يعيد الصلاة» و «كثير الشك ليس بشاك» كدام است؟ ص ٣٠٥	الله عملي الله المساك في الركعة الثانية الثا
	ب. حکومت ☑
	چ. ورود 🗆
	اد تقبید 🗆
، نهی» بر «برانت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر آن مطرح است؟ ص ۲٤٤ - ۲ نمره ر	 ۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه جواب:
کلیف دارد در حق او صدق می کند که بگوییم نهی به او نرسیده ست، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی	
د. (۱ نمره) اشکال: در معنای «ورود» در روایت. دو احتمال وجید دارد زیرا می توان ورود را به دو نحو لحا	المد بخش از تکلیف مشکوک است حتی برائت از تکلیف مشکوک
ر ۱۷ منای ورود است که در یک معنا نمی تواند برائت ثابت عود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)	کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور ار اع . با توجه به اینکه دو اد

۸- بعضی با تمسک به استصحاب، برائت را در شبهات بدویه اثبات کردهاند، یکی از دو استصحاب ذکر شده را تبیین کئید. ص ۲٤۹ - ۱ نمره
إجواب:
استصحاب اول: مى توان عدم تكليف قبل از شريعت را استصحاب نمود؛ زيرا يقيناً در ابتداى شريعت (به دلىل تدريجي بودن تشريع احكام) حكم مشكوك وجود نداشت
الذا مى توان عدم وجودش را همچنان استصحاب كرد. [وجه دوم: مى توان استصحاب كرد عدم تكليف قبل از بلوغ را.]
٩- با توجه به روايت «الامور ثلاثة: امر بين رشده فاتبعه و امر تبين غيه فاجتنبه و امر اختلف فيه ورده الى الله عز و جلّ استدلال به
احتیاط در شبهه بدوی را تقریر کرده، یک نقد بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۶ - ۲ نمره
جواب: استدلال: شک در شبهات بدوی از قسم ثالث هستند و ما توجه به روایت باید آنها را مرتکب نشده و به خداوند متعال رد کرد که عبارت اخرای احتیاط است. (۱ نمره)
انقد: اولاً؛ رد به خداوند ممکن است به معنای احتیاط نباشد بلکه به معنای رجوع به کتاب و سنت باشد. نانیاً: اگر قبول کنیم رد به خداوند یعنی احتیاط باز هم در
شبهات بدوی احتیاط لازم نمی آید. زیرا با توجه به ادله براثت شبهات بدوی از قسم اول بوده و از مواردی است که بین الرشد است. (۱ نمره)
۱۰- ارکان قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص ۲٦٤ - ۲ نمره
جواب: ركن اول: وجود علم به جامع، ركن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرايت أن به اطراف، ركن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول ادله برانت
اباشند. <u>رکن چهارم:</u> جریان برانت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود.
۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل دادهاند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمانید. ص
۲۷۰ – ۲ نمره
جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق اسب مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می شود
زیرا قیدیت دعا هنگام عتق بعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می گردد و برائت جاری می شود ولی در صورت دوم برائت
جاری نمی شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه
شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی گردد تا برائت جاری شود.
17- با توجه به صحيحة «قلت له الرجل ينام و هو على وضوء» چرا برخى قائل شدهاند كه عبارت «و لا ينقض اليقين بالشك» افاده
عموم نمی کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۸۰ و ۲۸۱ – ۲ نمره
جواب: استدلال برای عدم افاده عموم: زیا در «لا یندنی القین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و ساعری عهد که به وضوء بر میگردد و
تردّد مانع العقاد اطلاق است. (۱ تمره) جواب: عبارت « فانه على يُنبن من ونبونه» طاهر در تعليل به امر حرفي است و عرف نبز يقي ، را به طبيعي يقبن حمل ميكند.
(۱ نمره)[جواب دیگر در کتاب]
1٣- با توجه به عبارت «انه في الشبهة الحكمية اذا كان الموضوع باقياً بكامل فيوده فلا يمكن طرو الشك في البثاء فلا بد من زوال بعضها
و معه تختل الوحدة» اشكال به «ركن ثالث استصحاب در شبهه حكميه» را تبيين كرده، باسخ تفصيلي ارائه دهيد. ص ٢٨٤ و ٢٨٥ - ٢ نمره
جواب:
اشکال: در شبهات حکمیه اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه
وحدت ندارد. حواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عربی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند (حیثیة
تقییدیه] و قیردی که مقوم موضوع نیستند [حیثیت تعلیلیه] در اختلال به قبود اول استصحاب جاری نمی شود و در دومی جاری می شود.
۱٤-برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (۱۰) بر عدم جریان أن را بنویسید. ص ۲۹۱ - ۲ نمره
جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می گوید اگر این انگور بجوشد حرام می شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز
باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می شود یا نه استصحاب می کنیم آن قضیه شرطیه را، دلیل مرخرم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و
جعل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نناریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی، جز
امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرة الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری نبود.
۱۵- «ورود» را به همراه مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنویسید. ص ۳۰۳ - ۲ نمره
جواب: در ورود تنافی بین دو مجمول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می کند.
مثال: دو مجمول در دو حكم «اذا وجد الماء فليتوضأ للصلاة» و «اذا لم يجد الماء فليتيمم للصلاة» با رسم النفي دارند. زيرا هنگامي كه أب نداشته باشد موضوع حكم
اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. (۱ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۱ نمره)
(a Lagar)

No.		
عقباري المعلق الما المتاركة ال		(C)
3/100	امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	المنظمة المنطقة المنازية
شاسيانام معني اول نرويدود نرويوون	(10/0) 3/ 000	TATIVITY
	لبيسال اول ۱۳–۹۳	152511-15
	پنجر 3 مال. مقدم ۷ مالد	تمني؛ اسول فقه ۲
شاسيالم مع وم غروره و غرور حروث		كتب: دروس في علم الاصول
	مر مدرسه)	ه حلته تائیه - آنای امروانی» رید: از ابتدای اصول عملیه تایابان کتاب (ص ۲۱۲-۲۲۸)
		المامان المراجدي المؤلف المراجع المراج
شربان استان		rapt Edstipt opt
ت؟ ص ٢٤٣ ها.	بن حتى نبعث رسولا» (الاسراد ١٥) بر برانت مخدوش اس	۱- چرا استدلال به آیه شریفه «و ما کنا معذبی
		الف. «حتى نبعث رسولا» كنايه از وصول است. 🗌
	2 °	ب. «رسول» به عنوان مصداقی از بیان است. 🗌
		ج. «حتى نبعث رسولا» كنايه از صدور است. ☑
**		د. «حتى نبعث رسولا» دو وجهى است. 🛘
يحراي جه اصلي است؟ ص ۲۵۷	در «وقوع خسوف»، شک در تکلیف است یا مکلفبه؟ ه	۲- شک در «وجوب نماز آیات» به دلیل شک ه
(6)	, ,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,	الف. تكليف - برائت ☑
		ب. تكليف - اشتغال 🛘
		ج. مکلف به – برائت 🗖
		د مكلف به – اشتغال 🗆
ست، کدام است؟ ص ۲٦٠	«علم اجمالی به وجوب»، وجوب به واقع تعلق گرفته ا	۳- گزینه صحیح در صورتی که قائل شویم در
	, , , , , , , , , , , , , , , , , , , ,	اتف. فقط در جامع موافقت قطعیه واجب است.
1 10		اب. موافقت أحتماليه واجب است. 🗌
		ات. وخالفت احتماليه جايز است. 🗆 🚤
	The second secon	د موافقت قطعيه واجب است. 🗹
ده است؟ ص ۲٦٧ هر.	م یک از ارکان اربعه منجزیة علم اجمالی اختلال پیدا کر	٤ - در موارد «علم اجمالي بين محدورين» كداه
		الف الركن الرابع ☑
		ب. انركن الثاني 🗖
		ج. الركن النالث 🗖
		د. الركن الأول 🗖
قد نام] فإنه على يقين من وضوئه»	، جزاء جمله شرطيه در روايت «و إلا إلا يستيقن أنه	o- به نظر شهید صدر (ه) احتمال قوی تر برای
-/3		کدام است؟ ص ۲۷۸
		الف. جمله خبريه «فإنه على يقين من وضوئه» 🗆
		ب. جمله انشائيه «فإنه على يقين من وضوئه» 🗖
		ج. و لا ينقض اليقين بالشك □
	m du dadi	د. فلايجب عليه الوضوء 🗹
-/۵	طيع» و «المدين ليس مستطيعاً» كدام است؟ ص 300	
	· ·	الف. تخصيص 🏻
		ب. حكومت ☑
		ج. ورود 🗖
valei e a il ali a a se il di di	NCAL ATTEMPT	د. تقیید □
سیح اعظم (ره) به آن را نبیین تعایید	فسا الا ما أتاها» الملاق: ٧ بربرائت را نوشته و اشكال	
	to the day to the second of	ص ۲۶۲ – ۲ ثمرہ
ل مال فقط به اندازهای نه به او روری داده	جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقاب	جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی -
	زهی که به او میرسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی	
	تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را	
ست، با توجه به سیاق ایه قبل، «ما» متعین	ِ أَن جايى كه استعمال لفظ واحد در بيش از يك معنا صحيح نيد	
		در معنای مال است.

ارویان:	
امتحانات متمركز عمومي (سطح ۲)	
VAYP/v	۱
شهردور سال تحسيل ١٢-١٢ كالم سمح الل المرد لل المرد للله المرد الله المرد للله المرد الله الله الله الله الله الله الله الل	1
برر. اصول فقد ۴	
الكند المطقة تاتيه منهد صدر عدرت المرمدية	
ر دیداری اصول همله تا پایان کتاب (ص ۲۶۱-۱۹۷۳)	J.
ن د ام و ام و او ا	
ا - چرا شهید صدر (ره) مقایسه خداوند متعال با مولای عرفی برای اثبات برانت شرعیه را صحرح زمر داندی بردی	1
	у
ب. عقلاً؛ نمى توانند بر خداوند تكليف كنند. 🗖	- fi
ج. حق الطاعة براى خداوند تامحدود است. □ د. حق الطاعة براى خداوند داتي است. ☑	- 81
٣- بنابر نظر شهيد صدر (ره) مراد از «شبهه» در روايت «الوقوف عند الشبهه خير من الاقتحام في الهلكة» چيست؟ ص ٢٣٥ هـ/. الله الله تفكوك □	
بد. بعیت مسعوت ت	9
چ شبهات در علم اجمالی □	H.
د. متشابهات قرآن 🗖	15
۳- برخی به یکی از ارکان استصحاب اشکال کردهاند که رکنیت آن مخصوص شبهات موضوعیه است و در شبهات حکمیه قابل تصور	200
فيست المتعور أيسان قدام رفن است؛ ص ٢٧٩	l
العاد اول ا	11
يَّدُ دُومَ 🗇	d.
ح. سوم الحا د. جهارم □	11
ع- آخر فرض کنیم مطهریت آب متر ثب بر وصف اجتماع «طهارت آب» و «کریت آب» باشد و طهارت یقینی است ولی الان در کریت آب	16
که قبلا کر بوده، شک کردهایم، آیا آب در صورت ملاقات با متنجس مطهر است؟ چرا؟ ص ۲۹۲	
الف: خير - عدم حجيت اصل مثبت 🗹	
نب بله - براثت در شبهه موضوعیه 🗆	17.0
خ مِله − استعبحاب موضوع مركب □	ll .
د، خدا حاشتغال ذمه به دلیل علم اجمالی 🗀	P
ه- نام حالتی که شخص اجمالاً میداند هم حادث شده و هم وضوء گرفته، ولی <u>نمیداند</u> کدام مقدم است؛ چیست؟ ص ۲۹۲ مارد	
الفيد الشك في التقدم و التاخر □ ب. الشك بين المحذورين □	ŧ.
ب. المحدورين تــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	11
ه دیوان کرای ک	2)
٦- اُگر موضوع اصل را «عدم حجت» بدانيم و اماره را نيز حجت، چرا اماره بر اصل مقدم است؟ ص ٣١٩ و ٣٢٠	41
الفه. ورود 🗹	
ب حكومت 🗆	
ج تخصَّص □	11.
دُ تَخَتَيِصَ اللهِ مِن اللهِ ا	P1
۷- با تُوجِه به عبارت«لا يتم الاستدلال بحديث (كل شيء مطلق حتى يرد فيه نهي) اذ لم يعلم أنّ الملحوظ فيه الوفود النهي على المكلف الله المراجعة على المكلف الله على المكلف الله على المكلف المراجعة على المراجعة على المكلف المكلف المراجعة على المراجعة على المكلف المراجعة على المكلف المراجعة على المكلف المراجعة على المكلف المراجعة على الملاء على المكلف المراجعة على	
المساوق لوصوله اليه، بل لعل الملحوظ وفوده على الشيء نفسه، كما يناسبه قوله ع: (يرد فيه نهي)» استدلال بر برائت و اشكال شهيد الصدر رزء را تبيين نمائيد. ص ٢٢٣ - ٢ نمره	23
صدر راه را نبیین تمانید. ص ۱۱۱ - ۱ نمره حرات: استادل: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق میکند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی	NI.
در کنده شدید آن اهاری مساوی امان دادن است و سختمی که شخت در کنیف دارد در حق او علقی می کند که به بورسیده است. پس عدم ورود جهی در در در این از تکلیف مشکوک (در این از تکلیف در از در این	
سری ر در درون خود دارد ولی در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا میتوان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. رسیدن نهی به مکلف که هم معنای	
سول به مكلف است. ۲. رسيدن نهي به خود منهي عنه باشد. يعني از مولا تكليف صادر شود كه البته با «يرد فيه نهي» مناسب است. با توجه به اينكه دو احتمال در	- 0
منای ورود است که در یک معنا نمی تواند برانت ثابت شود، برانت ثابت نیست. (۱ نمره)	- 14

استحانات متمركز عمومي: اصول ققه ! كلد: ٢٩٢٢/٢٠

The state of the s	1 .
۸- سه امری که موجب می شود از اطلاق دلیل برانت نسبت به موارد «عدم فحص» رفع ید شود را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۱۰ - ۱/۵ نمره	~
1/4	
اولاء بعضی از ادله براثت، تکلیف مشکوک در معرض وصول (یعنی اگر مکلف فحص کند به آن میرسد.) را تامین نمیکند و شامل موارد عدم فحص نمی شود مانند	
آیه شریفه «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» ثانیاً: مکلف علم اجمالی دارد بوجود تکالیف در شبهات حکمیه تا وقتی که این علم اجمالی منحل نشود، نمی توان براثت اجاری کرد و تنها در صورتی منحل مرشمد که فهری ک	
جاری کرد و تنها در صورتی منحل می شود که فحص کنیم. پس اجرای برائت مختص موارد بعد از فحص است. ثالثاً: اخبار دال بر وجوب تعلّم، دلالت دارد که شک بدون فخص و تعلم عذر شرعی نیست در نتیجه مقید اطلاق ادله برائت است.	
۹- دلیل وجوب موافقت قطعیه در «علم اجمالی» را با توجه به جریان اصول ترخیصی تبیین نمائید. ص ۲٤۷ و ۲۵۰ و ۲۵۰ - ۲ نمره	
ما موجه به اینکه نمی توان در هر دو طرف علم اجمالی برائت جاری نمود زیرا منجر به مخالفت قطعیه می شود (عقلائیا) پس اصول تعارض و تساقط می کنند و از اطرفی فقط در یک طرف خاص نیز نمی تبایل ایس اس از می کنند و از استان استان از استان استان از استان از استان از استان از استان استان استان استان استان استان استان از استان استا	
طرفی فقط در یک طرف خاص نیز نمی توان برائت جاری کرد زیرا با توجه به اینکه نسبت دو طرف به جامع یکسان است ترجیح بلا مرجح می شود در نتیجه وقتی در	
اطراف مسکوک نتوان براثت جاری نمود تکلیف در هر دو طرف منجز است و باید هر دو طرف را امتثال نمود و این یعنی موافقت قطعیه لازم است.	
المسترف المحروب المعروب علم الجمالي " وا يه همواه مثالي كه عدم أن يكن محج بالقمط تنجيد علم الحمال الكشته والمان ال	
المرابع المرابع المرابع والمستعد في المرابع ال	
المراب ركن جهارم: اجراى برائت در همه اطراف موجب ترخيص در مخالفت قطعيه شود و وقوع مخالفت قطعيه در خارج امكان داشته باشد مثلا در حالت دوران امر	
ا من دخترزین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمیشود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این است که موجب	
استخالمت تمليه مي شود كه با تكليف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلا يا عقلائيا) پس وقتي اجراي برائت در اطراف موجب مخالفت قطعيه نشود، مي توان أن را اجرا	
انتود و با اجرای برانت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط میشود. [یعنی موافقت قطعیه لازم نیست.]	
۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل دادهاند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص	
7 7 7 7 7 1 1 7 7 7 1 1 7 7 7 1 1 1 7 7 7 1 7	
جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری میشود	
از برا قیدت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قبدیت، به شک در وجوب تقیید بر می گردد و برائت ا ادام نیست در در اقریت ایران برامی قریب دلار اینکه غیراند از می است امقدید نیستران امرید تقریب آمود قدیت شرط تکلیف است آ در نتیجه	
ا جاری نمی شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است (مقدور نیست) به معنای امر به تقیید نیست (چون قدرت شرط تکلیف است) در نتیجه اشک در قبدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی کردد تا برانت جاری شود.	
١٢- با ترجه به صحيحه زرارد: ٧ و الا فائه على يقين من وضوئه، و لا ينقض اليقين أبدأ بالشك» مراد از «اسناد نقض يقين به شك»	
را تيبين دمانيد. ص ٢٧٠ - ١/٥ نمره	
و من الله الله الله الله الله الله الله الل	
🕏 ماریث مور چر ہقاء، یقین سابق را نقض نمی کند زیرا یقین متعلق به حدوث است و شک متعلق به بقاء است به همین دلیل استاد نقص به شک عرفی است به این 📗	
المراب أن الحاظ نمى كنيم يعنى حدوث و بقاء را جدا نمى كنيم و يك امر واحد در نظر مى گيريم با اين لحاظ شك و يقين يك متعلق دارند و مى تواند شك	
(2) (2)	į
١٣٠ - اشكال در عبارت «أن اللام في قوله إلا ينقض اليقين بالشك)كما يمكن أن يكون للجنس يحتمل أن يكون للعهد فلا يكون - ١٣٠	
الجملة اعادة تغير مورد الشك في انتقاض الوضوء» را تبيين كرده، يك جواب شهيد صدر (١٥) بر اشكال را بنويسيد. ص ٢٧٤ - ٢ نمره	
حوادی: ا	
حوات: برحی شکال کردهاند که روایت فقط استصحاب در باب وضوء را اثبات می کند و عمومیت ندارد. زیرا «ال» در الیقین همانطور که ممکن است برای جنس باشد ممکن برحی شکال کردهاند که روایت فقط استصحاب در باب وضوء را اثبات می کند و عمومیت ندارد. زیرا «الیقین همانطور که ممکن است و	
برخی شخال دردهاند که روایت فقط استفتاحات در په و خوام بر با با به خوام به اینکه عبارت «لاتنقض الیقین بالشک» در مقام تعلیل است و است برای عهد یعنی یقین به وضوء باشد در نتیجه عبارت اجمال دارد و اطلاق ندارد. جواب: با توجه به اینکه عبارت «لاتنقض الیقین به و از مرتکزات عرفی بودت اقتضاء دارد ا	1
است برای که یعنی یعنی به وطود بست بر صب برت برت برت است یعنی تعلیل «لا ینقض الیقین بالشک» از مرتکزات عرفی است و از مرتکزات عرفی بودت اقتضاء دارد منابل فلهبر دارد به اینکه از موارد مناسبات حکم و موضوع است یعنی تعلیل «لا ینقض الیقین بالشک» از مرتکزات عرفی بودت اعزاد است و از مرتکزات عرفی بودت اقتضاء دارد	
که بقین و شک را حمل کنیم بر طبیعی یقین و شکه نه یقین و شک در باب وضوء [جواب دیگر در کتاب]	
۱ (- استصحاب «حکم معلق» را به همراه مثالی توضیح دهید. ص ۲۸۸ - ۲ نمره است پس حرام نیست، اگر این انگور قبل از غلیان، به کشمش تبدیل این انگور را در صورت غلیان حرام کرده باشد و ما انگوری داریم که غلیان نکرده است پس حرام نیست، اگر این انگور قبل از غلیان، به کشمش تبدیل این انگور را در صورت غلیان در صورت غلیان او اکنون	
بران؛ اگر شاع انگور را در صورت علیان خرام درده بسد و ما محوری سریم علیان)، اکنون برا شاع انگور را در صورت علیان اکنون برد، ما تیک می کنیم که آیا این کشمش هم بعد از غلیان حرام می شود یا خیر؟ یعنی آیا آن قضیه شرطیه که سابقاً بود (یعنی حرمت انگور در صورت غلیان)، اکنون بود، ما تیک می کنیم که آیا این کشمش هم بعد از غلیان حرام می شود.	
ر از ای در در این در صورت در این استصحاب حدم معنوی دسمس نیز در صورت عنیان حربم می حرب	. 1
ر وجود د. ۱۶ یعنی آیا کشمس در صورت علیل عرام می وسام رسید می در متعارضین» دلیل شهید صدر (۱۵) بر تساقط را به اختصار تبیین کنید. ص ۳۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱ و ۲ و ۲	1
1 1 1	II
۲۰ - ۲ نیزه . ای: اسیسی اول: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند که مستحیل است زیرا هر کدام از ادله دیگری را تکذیب می کند، افتراض دوم: شارع برای هر دو دلیل است که محذور این است که محذور این می دو در دارا برای در در حجت هستند که محذور	
ا المراح كان المراح و التناوية دليا. ديكي إن افتراض نبز غير معقول است زيرا در صورف عدم البرام به هر دو فين هر دو فيك	1 . 1
أن افتان سمو: شاء براي يك طرف معين حجيت را جعل كند. اين افتراص نيز مردود است زيرا دنيل و توجيهي بر حجيت يك عرف سريها	. 1
ق میان می اید. اصواص سوم، سارح برای یک طرف سین جمل کرده است، این افتراض نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، اثبات وجوب تخییری نمی کند. در نتیجه اس حهارم: شارع برای یک طرف به نحو تخییری حجیت جعل کرده است، این افتراض نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، اثبات وجوب تخییری نمی کند. در نتیجه	Kirr!
امی حهرم: سارع برای یک طرف به صو تحییری حبیت بس طرف افتراض اول هر کدام ۱۰۰ نمره] انسانی که افتراض پنجم است باقی می ماند. [برای چهار افتراض اول هر کدام ۱۰۰ نمره]	اقسر الدرا
البدائد الدراص يعجم السب وحي سي سحد زيراي جهار التارات على ما	1712.3

رونف: من کری ۱۰ مسیح (۲۰۰۰ من کی ۱۰ دوکیله	h	(1)
	امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	2 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7
للسامام منح اول غرو مدد غرو وردت	نیوسال دوم ۱۲–۱۲	Y977/77 . Vis.
	يامه يحمو ورودى ميسن	1797/-7/77
شاریانم معنی درم نرو مدد نرو ورون	(a)	من: اصول فقه ۴ کن، دروس في علم الاصول «الحلقة الناني
		مرورور از لندای اصول عمله نا بایان کناب اص ۲۳۱-۳
	غرمه کوهکی: مدسطر: .	نام و نام فاتولئ:
شربتان: امتان:	موصوله در أيه شريفه «لايكلف الله نفساً الأما أتاها» اطلاق	۱- برای اثبات برانت شرعیه اگر «ما»
W T	علاق » (علاق) «علاق العاما » (علاق	معناست؟ ص ۲۱۹
10		الف. إعطاء 🗆
		ب. إيصال ☑
		ج. إصدار 🗆
		د. إقدار 🗆
بات نمی شود.» پاسخ اصلی شهید صدر	حكوم ادله احتياط هستند يا معارض، پس برائت شرعى اث	۲- با توجه به اشكال: «ادله برانت يا م
1./2		(ره) چیست؟ ص ۲۳۷
		الف. ادله احتياط ناتمام است. 🗹
		ب. ادله برائت مرجح قرآنی دارند.
		الج. استصحاب عدم تكليف مرجع است.
		د ادله براثت مخصص ادله احتياط هستند.
Af T	اصل برائت شرعی در همه اطراف علم اجمالی» به لحاظ ع	
-/3		الف. عرفا و عقلاً استحاله دارد.
		ب. عقلاً استحاله دارد.
		ج. عقلاً امكان دارد. ☑
	ma E	د. عرفاً امكان دارد.
-/0	١٢١ ص ١٢١	٤- كدام مورد از اركان استصحاب نيست
		الف. شک در بقاء □
		ب. یقین به حدوث □
		ج. شک در یقین سابق ☑ د. وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه ☐
	به استصحاب سببی و مسببی صحیح است؟ ص ۲۹۸	8
-/8		الف، هر دو جاری میشوند و تعارض می کنند. □
		ب. انهدام رکن دوم مسببی توسط سببی
		ب الهدم رس دوم سنبی وسد سبی
	ã <u>.</u>	د. مسببی بر سببی حاکم است. 🗖
نیب از چه نوعی است؟ ص ۳۱۸ و ۳۱۹	عقلی» و تقدیم «دلیل محرز قطعی بر استصحاب»، به ترت	1
	y	الف. حكومت - حكومت 🗆
\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\		اها. حدومت – حدومت ال ب. ورود – حکومت 🗖
		ب. ورود – حدومت 🗅 ج. حکومت – ورود 🗖
·		
		د. ورود – ورود 🗹

٧- با توجه به عبارت «أن التكليف إنما يكون محركا للعبد بوجوده العلمي لا بوجوده الواقعي، و عليه فلا مقتضى للتحرك مع عدم العلم، و من الواضح أن العقاب على عدم التحرك مع أنه لا وقت التربي من الواضح أن العقاب على عدم التحرك مع أنه لا وقت التربي من الواضح أن العقاب على عدم التحرك مع أنه لا وقت التربي	
من الواضح أن العقاب على عدم التحرك مع أنه لا مقتضى للتحرك قبيح» استدلال محقق نائيني (١٠) بر قبح عقاب بلابيان به همراه مثالي را تقريب نماييد و جواب شهيد صدر (١٠) از أن را بنويسيد من ٢٦٦ من التحرك على ١٠٠	
تقریب نمایید و جواب شهید صدر (۱۰) از آن را بنویسید. ص ۲۱۲ - ۲ نمره	
الرام المرام الم	
پشت دیوار ایستاده باشد و شما علم به آن نداشته باشید، شما برای فرار تحریک میشوید ولی اگر واقعا شیری نباشد و شما علم داشته باشید، شما برای فرار تحریک میشوید ولی اگر واقعا شیری نباشد و شما علم داشته باشید پشت دیوار است، یا به فرار می گذارید.) بنابر این در صورت عدم علم به تکلیف، مقتضای محرکبت وجود زیاد در قریبات می داد.	
فرار می گذارید.) بنابر این در صورت عدم علم به تکلیف، مقتضای محرکیت وجود ندارد و قبیح است مولی ما را بر مخالفت تکلیفی که اقتضای تحریک ندارد عقاب کند.	
اشكال: أن جه محد كت دار د د	
اشكال: آنچه محركیت دارد، این است كه عبد میخواهد حق الطاعه مولی را رعایت كند و از عهده آن خارج شود، همه هدفش خروج از این عهده است نه این كه هدفش صرفا امتثال تكلیف با عنوانش باشد، لذا باید حدود این حق الطاعه را ملاحظه كند كه ۱۵۱۱ ما ۱۵۲۱ می كند.	
هدفش صرفا امتثال تکلیف با عنوانش باشد، لذا باید حدود این حقالطاعه را رعایت کند و از عهده آن خارج شود، همه هدفش خروج از این عهده است نه این که تکلیف غیر معلوم هم اقتضای تحریک را دارد، اگر بگویید شامل نعی شود این مصادره و اول کلام از ترجی می می شود یا خبر؟ در صورت شمول است. می می می تقدید با در می می می تقدید که این مصادره و اول کلام از ترجید می می تحدید که در می می تقدید که در می تعدید که در می می تعدید که در می کند که در می تعدید که در می کند که در کند کند که در کند که کند که در کند کند که کند که کند که کند کند کند که کند کند که کند که کند که کند که کند که کند که کند کند که کند	
تکلیف غیر معلوم هم اقتضای تحریک را دارد، اگر بگویید شامل نعی شود این مصادره و اول کلام است. ۸- تقریب استدلال به روایت «الدقدف عند الشروم تر است. مصادره و اول کلام است.	
۸- تقریب استدلال به روایت «الوقوف عند الشبهه خیر من الاقتحام فی الهلکه» بر احتیاط را نوشته و رد شهید صدر (۱۰) بر أن را تبیین	
حواسة تقديده ما ترد الأعلى عدد الراب المراب	
جواب: تقریب: روایت دلالت می کند که با ارتکاب شبهه، در هلاکت واقع میشوی، معنای این کلام این است که تکالیف مشکوکه منجز هستند و برای ارتکاب آنها مؤمنی نداریم. لذا احتیاط واجب است.	
مؤمنی نداریم. لذا احتیاط واجب است. دد: این تقدیر متعقب می است می مستند و برای ارتکاب آنها	
رد: این تقریب متوقف بر این است که شبهه به معنای شک باشد در حالی که در لغت به معنای مشابه و شبیه است، اگر به شکه شبهه گفته می شود به جهت این است که مشابهت منجر به شک می شود، لذا شبهه در روایت قابل حمل بر جنزی است که در خالی در به شرف است اگر به شکه شبهه گفته می شود به جهت این است	
که مشابهت منجر به شک می شود، لذا شبهه در روایت قابل حمل بر چیزی است که در ظاهر به حق شباه و شبیه است، اگر به شکه شبهه گفته می شود به جهت این استه شمارها و گرایش هایی که ظاهری حق گونه دارد، بر حذر می دارد و این روایت ما را از	
شمارها و گرایشهایی که ظاهری حق گونه دارد، بر حذر می دارد و این ربطی به وظیفه عملی مکلف در هنگام شک ندارد.] ۹- مراد از انحلال علم اجمالی کسی به علم احمالی صفر با در می دارد و این ربطی به وظیفه عملی مکلف در هنگام شک ندارد.]	
۹- مراد از انحلال علم اجمالی کبیر به علم اجمالی صغیر را در ضمن مثالی توضیح داده و دو شرط لازم آن را بنویسید. ص ۲۰۱ س ۸ - ۲ نمره	
جواب: اگر علم اجمالی به وجود دو مایع نجس در میان ده مایع نجس وجود داشته باشد این علم اجمالی ده طرف خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع از ده تاست. حال اگر تحقیق شد و علم جدیدی پیدا شد به نحاسة ده مایع در ضور این نتیج با رک ایست و معلوم بالاجمال دو مایع از ده تاست.	
II A 11 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	11
The state of the s	
۱۰- در حالات دوران واجب بین تعیین و تخییر، کدام یک از ارکان منجزیت علم اجمالی مختل است؟ وجه اختلال را بیان نمایید. ص ۲۹۳ – ۲ نمره	
جواب: رکن سوم، یعنی هر دو طرف فی نفسه با قطع نظر از تعارض جریان اصل در اطراف، مشمول دلیل برانت باشد.	
وجه اختلال: در دوران واجب واحد بین تعیین و تخییر، یکی از عناوین با این که از حیث مفهوم با دیگری متباین است ولی از جهت صدق اوسع است و جامع به شمار	
هیرود اصل برانت در این طرف که جامع به شمار میرود با قطع نظر از تعارض جریان اصل در اطراف، جاری نسبت، زیرا با مقصود از جریان اصل تأمین نسبت، ا	1
ترک جامع است که منجر به مخالفت قطعیه می شود یا مقصود تأمین از ناحیه وجوب تخییری است که لغو است، زیرا مکلف می داند اگر جامع کالاً ترک کند ایمن از	
عقاب نیست؛ لذا اصل در طرفی که از جهت صدق اوسع است جاری نیست.	
۱۱- با توجه به عبارت «و كما تختلف هذه القواعد في أركانها المقوّمة لها، كذلك في حيثيات الكشف النوعي المزعومة فيها»، فرق	
ستصحاب با قاعده مقتضی و مانع را از دو جهت ارکان و حیثیت کشف بیان نمایید. ص ۲٦٧ – ۲ نمره	
جواب: از جهت ارکان: متعلق شک و یقین در قاعده مقتضی و مانع دو امری است که ذاتاً متباین هستند، یقین به مقتضی تعلق گرفته است و شک به مانع، ولی در	
سطحاب، یعین و شک به امری تعلق گرفته!ند که داتا یک چیز است.	"
. جهت حیثیت کشف: حیثیت کشف در استصحاب بر این اساس است که غالباً آن چه حادث می شود باقی می ماند؛ ولی حیثیت کشف در قاعده مقتضی و مانع بر این)' 1
ماس است که عالباً مفتضیات نافذ هستند و در معلول های خود مؤثرند.	-119
۱- مراد از «اصل مثبت» را به همراه مثالی بیان کرده، توضیح دهید چرا استصحاب نمی تواند مثبتات خود را اثبات کند؟ ص ۲۸۶ - ۲ نمره	
راب:	ا جو
تصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر اثر تکوینی مستصحب است را اثبات کند، اصل مثبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که مترتب بر رویش	100
ناسن زید است، بواسطه اثبات رویش محاسن با استصحاب حیات زید. (٠/٥ نمره)	20
ا اگر مرادتان این است که حکم شرعی را مستقیماً بدون تعبد به رویش محاسن زید، با استصحاب حیات او اثبات کنید، غیر ممکن است، چون موضوع حکم شرعی	زير
س محاسل است به خیات زید، و مادامی که رویش محاسن تعبدا ثابت نشود حکم شرعی هم ثابت نمیشود و اگر مرادتان است که با استصحاب حیات زید، ابتدا	ارويا
ش محاسن را اثبات كنيد و به تبع حكم شرعي را اثبات كنيد، خلاف ظاهر دليل استصحاب است، چه اين كه مفاد دليل استصحاب ابن است كه مشكمكا ليقام ا	ارويد
توید باقی قرض کن (نازل منزله باقی قرار میدهد.)، و عرفا تنزیل منصرف است به توسعه در دایره آثاری که خود منزل جعل کرده است و شامل آثاری که تحت	می
او نبوده نمی شود، لذا در مقام ما رویش محاسن از آن جهت که أثر تکوینی حیات است، از دایره مجمولات منزل خارج است و استصحاب از اثبات آن قاصر است.	اجعل
1	VAL

ا این که حدوث جامع یقینی و بقاء آن مشکوک است، استصحاب جاری نیست؟ ص ۲۹۱ - ۱ نمره خراب:

چون جامع یقینی ما در وجود فردی موجود شده بود که الآن یقین به ارتفاع آن فرد داریم و جامعی که مشکوک ما است. در وجود فردی موجود میشود که به آن فرد شک داریم. پس جامعی که حادث شد وجودی غیر از وجود جامعی که در حال حانسر مشکوک است دارد؛ لذا دو وجود مغایر هستند که استسحاب در آن جاری نیست. ۱۶- سه قول مطرح در مقدار «منجزیت علم اجمالی» را با ذکر یک مثال تبیین کرده، قول صحیح را با دلیل معین کنید. ص۲٤٦ – ۲ نمره جواب:

ما اجمالاً به وجوب نماز ظهر یا جمعه علم داریم و در حقیقت نماز ظهر واجب است شکی نیست که علم اجمالی منجز است ولی در مقدار منجزیت سه قول مطرح است اول: منجز نماز ظهر است فقط ثانی: منجز هر دو وجوب ظهر و جمعه است. ثالث: منجز جامع بین ظهر و جمعه است نه بخسوس ظهر و نه خصوس جمعه. (۱/۵ نمره) قول ثالث قول صحیح است زیرا علم اجمالی از جامع سرایت نمی کند در نتیجه تنجز نیز بیشتر از جامع سرایت نمی کند. (۱/۵ نمره)

۱۵- گاهی متکلم برای تفسیر کلام خود، کلام دیگری ناظر به کلام اولش بیان میکند که به تعبیر شهید صدر (۱۰) «و النظر تارة یکون بلسان التصرف فی محمولها»، هر یک از این تصرفها را با مثال توضیح دهید. ص ۲۰۸ - ۲ نمره

جواب: مثال اول: متکلم اول میگوید: «الربا حرام» و بعداً میگوید: «لا ربا بین الوالد و ولده»، مدلول کلام دوم ناظر به مدلول کلام اول است به این شکل که در موضوع حرمت تصرف میکند، یعنی دایره موضوع حرمت که ربا است را ادعاء محدود میکند به غیر ربایی که بین والد و ولد است. به عبارت دیگر متکلم قبول دارد ربای بین والد و ولد ربا است ولی ادعا میکند که ربا بر آن منطبق نیست.

مثال دوم: متکلم می گوید: «لا ضرر فی الاسلام»، یعنی در اسلام حکمی که منجر به ضرر بشود وجود ندارد، مداول این کالام ناظر به احکامی است که در شریعت ثابت است و حالتی که این احکام ضرری باشند را نفی می کند، یعنی محمول که همان احکام اولیه است را مقید می کند به حالت غیرضرری.

۱۳- استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید. ص ۲۹۰ جواب: حصول کلی در ضمن فرد مشکوک بین قصیر الوجود – که یقین به زوالش داریم – و طویل الوجود – که یقین به زوالش نداریم – مثلاً می دانیم که ساعتی قبل، انسان داخل مسجد شد؛ ولی نمیدانیم که آیا زید بود یا عمرو؛ از طرف دیگر اکنون زید را در خارج مسجد میبینیم، پس یقین داریم که اگر آن کلی (یعنی انسان) در ضمن این فردش (یعنی زید) در مسجد وجود یافته بود هر دو (هم کلی و هم فرد) معدوم شدهاند ولی اگر کلی در ضمن فرد دیگرش (عصرو) در مسجد وجود یافته بود، بقای هر دو محتمل است. در این صورت، استصحاب کلی جاری میشود چون ارکان استصحاب – یعنی یقین به حدوث و شک در بقاء – تام است، ولی استصحاب هیچیک از دو فرد جاری نیست چون ارکان استصحاب تمام نیست – چرا که حدوث عمرو مشکوک است و زوال زید یقینی است. 1٤- تفاوت «تعارض» و «تزاحم» را به همراه مثال بیان کنید. ص ٣٠٤ جواب: هنگامی که مدلول دو دلیل با هم تنافی داشته باشند و این تنافی، حاصلِ تضاد بین دو <u>جعل</u> باشد، این تنافی را <u>تعارض</u> گویند امًا اگر تنافی در مقام جعل نباشد الله در مقام امتثال باشد، این تنافی را تزاحم مینامند. تعارض مثل الربا حرام و لا ربا بین الوالد و ولده، تزاحم مثل تنافی «لا تغصب» و «انقذ الغریق» در مقام امتثال كه نجات غريق متوقف بر غصب است. 10- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۱۵ و ۳۱۵ جواب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامه است.

	,	مركز در بدر شاه المراق
التدادي لمصبح ١٠٠٠ من المحال ٩٠ دقيقه	امنحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)	Free
مناسدانام معني اول غرور عدد غرور حروت	۱ فانات مرفز نوی (ح ۲)	
7 27	شهربور سال تحصلی ۹۲–۹۱	1597/8/10
	يانه يسحير ∀ سالت. يانه هفتم ¥ سال.	To the last of the
شاسانام معني دام فره و دون		رنن: اصول فقه ۲ کنب: دروس فی علم الاصول (الحلقة التانية)
	مهر ملوسه	المان کا از ابندای درس ۴۱ تا بابان کتاب
شرمتان: امان:	كدخلتي: مدسطي:	نام د نام خانوادگی: نام من
ءَاتَنهَا»ِ (١٤٤٥: ٧) تكليف باشد، موصول از	، در أيه شريفه («لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إلَّا مَآ	۱- بنا بر نظر شیخ انصاری ﷺ اگر مراد از موصول
'Can	W.	كدام قسم مفعول است؟
-/0		الف. مفعول له 🗆
	•	ب. مفعول به 🗖
		ج. مفعول مطلق 🗹
1		_ د. مفعول فيه 🗆
ف الحرام منه بعينه فتدعه» به شيهات	ع فیه حلال و حرام فهو لک حلال حتی تعر	۲) دلیل قائلین اختصاص حدیث شریف «کل شی
		موضوعیه چیست؟
-15		﴿ الفَ. زيرا تقسيم به حلال و حرام، فعلى است. □
		ب. زیرا برائت در شبهات موضوعیه اجماعی است. 🗌
l e		ج. زيرا تناخت حرام غايت حليت لحاظ شده است.
		د. زیرا قدر متیقن، شبهات موضوعیه را شامل می شود. 🗌
است» از حیث اصولی کدام است؟	یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان	۳- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد
-/0	,	الف. شک در تکئیف و مجرای اشتغال 🗌
	_ ~~~_ @ _	ب. شک در مکلف به و مجرای برائت 🗌
	and the second s	م کاف به و مجرای اشتغال 🗆
-/2		د. شک در تکلیف و مجرای براثت 🔲
ا كرده است؟	از اركان أربعه منجزية علم اجمالي اختلال پيد	٤- در موارد «علم اجمالی بین محذورین» کدام یک
		الف. الركن الأول 🗆
		ب. الركن الثاني 🗆 🔻
		ج. الركن الثالثِ 🗖
		د. الركن الرابع ك
» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟	سبت فشك يوم الاحد في طهارته يوم السبت	٥- مثال «إذا كان على يقين من طهارة ثوب يوم الس
-/0		الف. اصل برائت 🔲
	•	اب. قاعده يقين 🗖
		ج. اصل استصحاب 🗌
		د. قاعده مقتضى و مانع 🗆
-/0	مدلول) در کدام یک از موارد زیر جریان دارد	٦- تعارض بين دو دليل شِرعي لفظي (تنافي بين دو
		الف. تنافى بين دو جعل باشد. 🖸
		ب. تنافى بين دو امتثال باشد.
		ج- تنافی بین دو مجعول باشد. □
		د. تنافی بین ملاک دو حکم باشد.
" FR (T 1) 24 _A14 .1 .4 _ A11 .1 A1		
للا بيان بالاستشهاد بالاعراف العقلابية	المحقق النائيتي على قاعدة فيح العقاب إ	۷- با توجه به عبارت «و یمکن تلخیص استدلال
رحوم نانین <i>ی ﷺ</i> و جواب شهید صدر ﷺ	ه على محالفه تكليف عير واصل» استدلال م	استقباح معاقبة الأمر في المجتمعات العقلائية مأموره
7	·	بنویسید.
		· 1

ا يعلمون و ما لا يطيقون و ما	 ٨- بعضى به دليل وحدت سياق در حديث: «رفع عن امتى تسعة: الخطأ و النسيان و ما اكرهوا عليه و ما لا
واب شهید صدر ﷺ از آن را	اضطرو اليه و» قائل به اختصاص «رفع ما لا يعلمون» به شبهه موضوعيه شدهاند، استدلال ايشان با ج
	, in property of the same of t
	٩- حرا حربان حديث فور حرب و از عرب الراج ا
	٩- چرا جریان حدیث رفع، در مورد استحباب که احتمال عقاب <u>ندارد</u> ، لغو است؟ دو دلیل بنویسید.
	۱۰- ارکان چهارگانه منجزیت علم اجمالی را نام ببرید.
-4	
	۱۱- آیا علم اجمالی در دوران امر بین «تعیین و تخییر» منجّز است؟ توضیح دهید.
ا بالشك» ناظر به قاعده	ا ٢٢- چوا ممكن است ادعا شود كه صحيحه زراره « و الّا فانّه على يقين من وضوئه، و لا ينقض اليقين أبدأ
T T	سرامةتف و مانع است نه استصحاب، جواب شهيد الله به اين ادعا جيست؟
·	
	۱۳- مراد از «حشت تقییدیه» و «حشت تعلیله» را به همراه مثال توضیح دهید.
Aluni santo	۱۳- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیله» را به همراه مثال توضیح دهید. از مرس ما مرسوط مرس ار مرسوط مرسو
(1)	Samo 10 0 = 1 = 1 = 1
	 ۱۲- استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید.
	·
7	۱۵- «حکومت» را توضیح داده و مثالی بزنید. مینم رفر در مراب منارش مینارش
	- حالم روارم المرابع مياب معارات
	The Contract of the Contract o
امتمانی میباشد.»	«سامانه پیام گوتاه ۱۲۲۱۳ ۱۳۰۰ اداره سنمش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات
، مىباشد.» .	«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکـر کـد امـدّمان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امـکان بررسی و جوابگویی ضروری

				will former and
	فرداده مرادده	امتحانات عمومی مطح ۲		11.00
		سم سال اول ١٩٠ - ١٩		15 2007
				من حول دد ا
211.12	فناسه والمراهبي وامر المرورها	(,,, ,,,		أثين دروس في غلم الاصو
				المرود الرابطان درس ۱۹۰۱ اید
	ivia is	on A Suprace	1/2/1	Suran
	and the relationship and the second s	ت شک در تکلیف چست؟	ر، افاعده عمليه اوليه در حاا	۱- به نقلر شهید صدر اسی سر
l' · · ·		ب بواقت شرعی 🛘		الف براحد عقشي 🗖
		د اصالة تنفل الذَّمَد عنلي 🗆		لح اصالة شغل الدنه سرعي □
ه مېکند؟	ود اثبات برانت شرعب	ىوضوع عنهم» به چه نحوهای لحاظ ش		
(a) [د. إطلاق أ-موالي [ج. عنوم مجموعي 🗌		الف. عموم بدلي 🗖
2				اً ۳- کدام گرینه درباره «براند
	□.	لا ب. برائت شرعی قاعده عملیه ثانویه است		ار این محرای برانت در مستحثات فا -
	ری میشود. 🗓	د. برات سرعی در شک در مکلف به جا		ر أح. برائب شرخي بعد از فحص از آ
			رد، علم اجمالی، منجز چست	۴۱ - بد نظر شهید صدر انس ـ
		ب منجّز خصوص آن طرقی است که واج	· •	العد فقط سجّز حامع است. 🏻
	ی است.لـا	الد منخز صرجامع و هم أطراف علم احما	4 4	أج. منحز تدام أطراف علم إجمالي
	and the second of the second of the second	راز حالات علم إجمالي نميهاشد؟		رائع م. ا مه نظر شهید صدر الد - است جیموسلوند حد جهداشی،
				ا منابع المنابع المنا
				ا ایر. چون علم په جامع بين دو نرد
				ا اد. چون امکان برحص شارع در ۱
- 3		ا حرام» چیست؟] ع- نسبت دليل «لا ربا بين ال
	د. وارد 🛘	س مقدُد □	D -9-	Π : A
16.75	عی را بیان نسانید. م	ع معدد سه إِنَّا مَا آثاها» براي انبات برائت شر	ريفه « لا يكلّف الله نفسأ	۷۰ تفریب استذلال به آبه شر
		•		
• •				
				· ·
ند. كفتت التدلال	نانه مرضوعه شدرا	، اختصاص «رفع ما لا معلمون» به نا	a. 1112 • 1 · 1 · 1 · 1 · 1	The state of the s
90		. 03	_	1
			ي سره؛ از ان را پيدل شميد.	أأنها يا جراب شهيد صدر اتس
			-	
	,			Page de la company de la compa

المتحالات منهاج العمامي العمال فقا

٩ عبارت «ألإعنراض الاول على أدلَه البرانة الشرعبَّة هو أنَّ هذه الأدلَّة انْما حمل حالة الشك البدون لا المعدن علم حمالي، ا النقيه حينما بلحظ الشبهات الحكميَّة ككل بوجد لديه علم إجمالي.» را شوح داده و جواب شهيد اندس برا، از اشكال در حدرت را ۱۰- مراد از انحلال علم اجمالي كبير به علم إجمالي صغير را به همراد مثال نوضيح داده و دو شرط لارم أن را بنو سند. 🚺 🗀 قاعده «مفتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ١٢ - چرا ممكن است گفته شود. صحيحه زراره ه... و الّا فائه على نقين من وضوئه. و لا ينقض اليقين أبدأ بالشك دطر به قاعده | مقتضی و مانع است نه استصعاب، ر جواب شهید اندن دره از آن چبست؟ ۱۲ – در جربان استصحاب در امور تمریجی چه اشکالی مطرح است؟ جواب شهید نقس ـره) از آن چـــت؟ -۱۴- تعارض ذاتی و عرضی را با مثال توضیح دهید. ١٥٠٠ در تعارض بين دلل برانت با دليل استصحاب، جرا دلل استصحاب را مقياء مي دارند؟

ر و اسران ۹۰ دفیقه	twiaj	/ .		ولا مورت وردى طروفايران درگر مورت وردى طروفايران
	ر عمومی (طح۲) شد	امتحانات متمرك		Jones L
منح ال غرور درد غرو - فرات	ال ١١-١٢ الم	ميرسال او		91771/14
	alle à ar alle Y p	me arty		۱۲۹۱/۱۰/۲۷ نام المرا ۱۲۹۱ المول فقه ۴
مع «م فروروه فرورون	مناسانام م		ول احلقه باسها	رد الطول ك الاص
			کار (مر ۲۹۱-۱۹۱۵)	از استان فرص ۱۹ با بابان
ارنان	ه در الله: شهرمان:	كد مكتبي:	raph.	نام و نام خانوادی:
	شهید صدر ۱٫۱۱ سازگار نبست؟ ص ۳	کدام گزینه با نظر	رفع، بر برائت شرعی،	۱ - در استدلال به حدیث
				الف. انّ وحدة السباق تقتضى أ
		ىك. 🛘	نعأ ظاهرياً بمعنى تأمين الن	ب. الرفع في الحديب يكون را
				ج. الاطلاق يقتضى شمول الحا
				د. يمكن ان يُراد بـ «ما لا يعلم
ی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹	لى» ثبوتاً و اثباتاً به ترتيب چه حكم	ر اطراف «علم اجما	ا جريان اصول مؤمّنة د	۲- یه نظر شهید صدر (ره
- 10				الف. محال عقلاً - محال عقلائه
				ب. ممكن عقلاتياً- محال عقلا
				إج. ممكن عقلاً- محال عقلانا
		_		د. ممكن عقلانياً- ممكن عقلا
The state of the s	سرایت نداده و علم را فقط منجّز جام			19
-/2	چه خواهد بود؟ ص ۲۴۷	کم عقلی به ترتیب	سلك «حق الطاعة »، ح	«قبح عقاب بلا بيان» و م
				الف. وحوب موافقت قطعيه –-
				ب. جواز مخالفت قطعیه – وج
				ج. جواز مخالفت احتماليه – ج
-/0	Yev -5- 11-	: أَنَّا السَّامِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّامِ عَلَيْهِ السَّامِ عَلَيْهِ السَّامِ عَلَيْهِ السَّامِ ا		د. وجوب موافقت احتمالیه – و ۴– در کدام گزینه، حیثیت
	سوار است: ص	، ان الحادث يبقى ١٠٠	کشف بر اساس «علبه	·
				الف. قاعده يقين 🗖 تاسم علمان 🗖
				ب. قاعده تجاوز □ ح. اصل استصحاب ☑ ح. اصل استصحاب
				ح. افعل استصحاب منا د. قاعده مقتضی و مانع 🏻
ئے د؟ جرا؟ ص ۲۷۷	ن بالشك ابدأ) شامل حالت ظن مي	، مايد؛ لا تنقض اليقي	مایت ن از د اکه مر ف	-
./۵	3 0 0 11 = 12 0			ك. لف. نعم؛ بقرينة مورد الرواية وك
				ت. نعم؛ بقرينة قوله «و لكن انقض
			,	. لا؛ لتنويع الظن بالمعتبر و غيرُ
) ۱۰۰ سویع سل بالسبر و عیر . لا؛ لان الشک لایشمل الظن و
)	۳۱۹ ۶ ت	امحاقطه حسا		ک دلیل عدم جریان اصول :
./3	111 00 100	ں شعور مصنی چیہ		۰ دنین عمدم جریهن اعمون . ۱. ورود دلیل محرز بر اصل ☑
				ورود دنیل محرر بر اصل ا . حکومت دلیل محرز بر اصل ا
				. محمومت دلین محرر بر اصل ا دلیل محرز. تخصصاً خارج اس
				دنین محرر، تخصصه خارج اس چون دلیل محرز اهم است از اد
		**	.ن. ي	چوں میں مصور اسم است از ار

۷- نحوه استدلال به آمه شریفه «قُل لَآ أُحدُ فِی مَآ أُوحِیَ إِلَیَّ مُحَرَّمًا ...» (انعام ۱۴۵) بر براثت شرعمه را توضیح داده، شهد صدر ارد. چه اشکالی بر این استدلال وارد میکند؟ ص ۲۲۰ – ۲ نمره

جواب: در این آیه, خداوند متعال نحوه محاجه [و سباحنه] با یهود را به سامس می امورد. حداوند نحوه انبات براثت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و سبافتن دلیل» بیان می کند و این نشان از آن است که «بیافتن دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «براثت شرعیه» است حواب اشکال این است که نبافتن بیامبر در وحی الهی، به معلی عدم وجود حکم است؛ یعنی هر حه که بر بیامبر وحی نسود و حرمتس به سامه ایلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت براس تشریع نسده است. نمی نوان این قضه را قباس کرد با «نبافتن مکلف» که احتمال دارد به حاطر بس رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف معی تواند بس از فحص و یأس بگوید: «حون من سافتم بس این حیز در واقع حرام نبست و اصلا حرمتی حمل نشده است»: حرا که شاید حکم جعل سده و به ما برسیده باشد. بس این آیه – که اثبات عدم جعل می کند – با اثبات یا نفی برائت سرعیه، بیگاره

٨- اشكال مطرح در عبارت «ألإعتراض الاول على أدلة البرائة الشرعية هو أن هذه الأدلة انما تشمل حالة الشك البدوى لا المقترن بعلم إجمالي، و الفقيه حينما بلحظ الشبهات الحكمية ككل بوجد لدبه علم إجمالي» را توضيح داده، جواب شهيد صدر (ره) أن أين اشكال را بنويسيد. ص ٣٣٢ س ٧ – ٢ نمره

۹- برخی از ادله «براثت شرعی»، اطلاق داشته و شامل شک قبل از فحص نیز می شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحص می داند و سه دلبل بر مدعای خود اقامه کرده است، دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۲۹ و ۲۴۰ – ۲ نمره برای حواب: اسه حوابی که سهید صدر اره) می فرماید عارتند از:) ۱. بعضی از ادله برائت نبرعیه نابت می کند مسئولیت و مدیونیت را در صورتی که بیانی بر تکلف، در معرض وصول بوده که با فحص به دست می آمده است اصل آمه «و ما کنا معذبین حتی نبعت رسولا» که برای اسات برائت شرعه به استدلال سده است. گفتیم که سعب رسول» میالی است برای بیان حکم، سن «عدم بیانی که در محل وصول مکلف باسد» غایت است برای عدم عذاب بسد نر جا جنین بیانی بانند استحقاق عقاب نیز نابت است و مکلف شاک، قبل از فحص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می دهد بس ناچار از فحص است. آ. مکلف علم اجمالی دارد به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمیه. این علم اجمالی با «فحص» منحل می شود به «علم تفصیلی» و «نک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل برائت است. بس بدون فحص، محلی برای احرای اصل برائت نیست. ۲. روایاتی داریم دال بر وجوب تملم. در روز قیامت نر مکلف می بردا می نود که «جرا برای دانستن نلاس نو مکلف می بردا می در روز قیامت نام که شک بدوی محل خریان اصل نکردی آیه تکالف)؟ یه جواب می دهد: «حون آیه تکالف) علم نداستم.» سؤال می شود که «جرا برای دانستن نلاس نو مکلف می بردن نوحی» عذر نبرعی [و رافع عفاب] نیست. که میکند که «بین روایاتی قد می زند اطلاق [ادعا سده در] دلل برائت را و نابت می کند که «شک بدون فحص» عذر نبرعی [و رافع عفاب] نیست.

۱۰ ـ رکن چهارم برای «تنجز علم اجمالی» را بیان کرده، اختلال این رکن در «دوران امر بین محذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۶ ـ ۲ نمره

جواب: رکن جهارم برای تنجُزِ علم اجمالی، این است که علم اجمالی باید به گونهای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل برائت را جاری کنیم در حقیقت. حکم به جواز مخالفت قطعه کرده باسبم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعبه ممکن باسد: اما در این منال رکن حهارم محقق نمی شود:

اگر علم اجمالی داریم که در مورد دین منت کافر. تکلیف الزامی صادر سده است؛ اما نمی دانیم که آن تکلیف. آیا «وجوب دفی» است یا «حرمت دین» مطلب در ابنجا دائر بین محدورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه [یعنی وجوب و حرمت] برانت حاری کنیم باز هم به مخالفت قطعیه گرفتار نمی شویم [جون در این مثال، مخالفت قطعیه – همانند موافقت قطعیه – محال است؛ جرا که در مقام عمل. یا دفن صورت می گیرد – که با وجوب سازگار است – و یا دفن ترک می شود – که یا حرمت سازگار است – آ.

۱۱- با توجه به عبارت «اذا ثبت ان السورة – مثلاً – جزء في حال التذكّر و شككنا في اطلاق هذه الجزئية للناسي فهل تجرى البرائة عن السورة بالنسبة الى الناسي؟ فقد بقال ان هذه الصورة من حالات الدوران بين الاقل و الاكثر فتجرى البرائة عن الزائد. و اعترض على ذلك بان الدوران بفترض وجود امر موجّه الى المكلف على اى حال و ليس هذه الصورة من هذا القبيل» ادعا مذكور در «فقد قال...» و اعتراض وارد شده برآن را را تبيين كنيد. ص ۲۶۱ – ۲ نمره

حواب: مدعی در صدد است که «شک در جزئبت سوره در حال نسیان» را از قبیل دوران امر بین اقل و اکثر بداند و برای ناسی. در زاید از مثبق – یعسی در حرئبت سوره – برائت جاری ساؤد و حکم به عدم وجوب در حال نسیان نماید.

اعبراص این است که در دوران سی اول و اکبر، باید یک امر و یک خطاب متوجه مکلف باشد و سس سک کسم که متعلق آن امر آیا [مبلاً] ۹ مورد است یا ۱۰ مورد؛ ولی در محل بحث، [یک خطاب که متعلق آن تکلیف به اکثر و ده جرئی است متوجه مکلف در حال تذکر سده است و دورانی بس اقل و اکبر متصور بیست؛] خطابی نداریم که متوجه ناسی ماشد و احتمال دهیم که متعلقش همان اقل و تکلیف ۹ جزئی [و بدون سوره] باشد و در مازادش سک کسحون معقول نیست که خطاب و امر، متوجه ناسی [بما هو ناسی] گردد؛ جرا که ناسی [در حین نسیان] ملتفت به ناسی بودنش نیست و در نتیجه [تکلیف متوجه ناسان را شامل خود نمی به بند و] از آن امر، منبعث نمی گردد.

۱۲ - مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ – ۲ نمره

حواب: قبودی که عرفاً مقوم و منوع حکم هستند. مثلاً اگر ضارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قبد وحوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی سده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، مانسی از قمد ضف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم میکند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منرل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را دامه وجوب قبلی میداند؛ حون «ضیف بودن» را مقوم ومنوع حکم میدالد، این قیود را حیثیات تقبیدیه مینامند.

قبودی که عرفاً مقوّم حکم نیستند. ملأ اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت. «تغیّر» قبد تنحس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یفتناً حکم تنحس موجود است. اگر این تغیّر فعلاً زابل شد و دیگر این آب بوی بول بداد. عرف همجنان آب ، متنجس میداند این قبود را حبیبات تعلیلیه می نامند.

۱۳ - حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۹۱ - ۲ نمره
جواب: اگر یقین داشته بانیم که زید وارد مسجد شده و بس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروحش آیا
خالد دخل مسجد گردیده به گونهای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. جنانحه بخواهیم وجود انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد را
مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد نانی مشکوک میباشد]. در این قبل موارد، نه استصحاب فرد جاری
میشود و نه استصحاب کلی (۱ نمره) زیرا فرد اول، شک در بقای وجودش در زمان لاحق نداریم و فرد دوم، یقین به وجود شیء در زمان سابق نداریم سر
استصحاب فرد ممکن نیست. اما استصحاب کلی ممکن نیست؛ چرا که رکن سوم استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و
یقینی بود با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. توضیح اینکه کلی اول در ضمن فردی محقق
شده بود که کلی دوم در ضمن آن فرد محقق نشده بلکه در ضمن فرد جدیدی تحقق یافته است و از آنجا که کلی در ضمن افراد تحقق می یابد و تحققی

۱۴- برای تعارض بین «استصحاب سببی» و «استصحاب مسببی» یک مثال زده و تعارض بین آنها را تبیین کنید. ص ۲۹۸ – ۱/۵ نمره

جواب: منلأ ظرف آبی داریم که یقین به طهارت سابقش و شک در نجاست لاحقش داریم. یک لباس هم داریم که یقیناً نجس بوده و پس از شـــتن آن با این آب مشکوک، شک میکنیم که آیا پاک شد یا نه. اگر به هر یک از آب و لباس به طور مـــتقل بنگریم، دو استصحاب متصور است: ۱. استصحاب طهارت آب ااستصحاب سببی) ۲. استصحاب نجاست لباس (استصحاب مسببی) ۱۱ نمره)

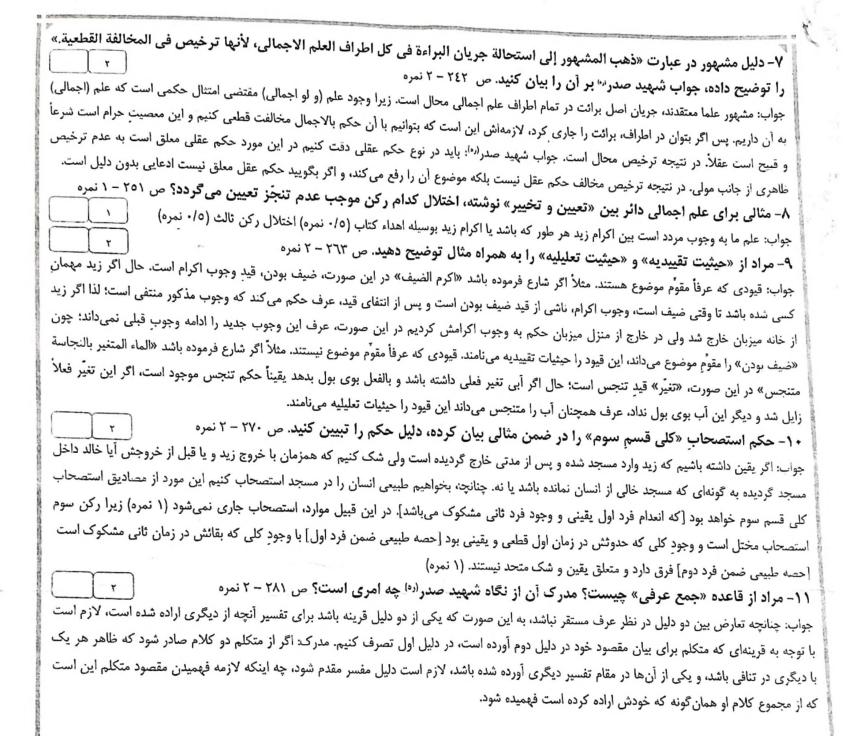
تبین تعارض؛ استصحاب سببی. طهارت لباس را به دنبال دارد و استصحاب مسببی. نجاست و عدم طهارت لباس را و این دو حکم متعارض هستند و این تعارض ناسی از تعارض و عدم امکان جمع بین منسأ این دو حکم [یعنی آن دو استصحاب] میباشد. (۰/۵ نمره) ۱۵ عبارت «حالات التزاحم خارجة عن نطاق التعارض بين الادلة؛ بل فيها يتقدّم الاهم على الاقل اهمية» را در ضمن مثالي براى تزاحم، توضيح دهيد. ص ۳۰۵ – ۱/۵ نمره
 ۱۵

حواب: هنگامی نزاحم محقق میسود که تنافی بین دو امتئال باسد نه بین دو حعل [دو مدلول دلیل] که محقق نعارض است؛ میلا مکلف میبیند که کسی در حال عرق سدن است و برای بحات او باید از رمین مردم عبور کرده و مرتک عصب سود. از طرفی بکلیف داریم که «غریق را بحات بده» و از طرف دی تکلیف داریم که «غصت نکن» که این دو تکلیف، در مقام امتئال با هم تنافی دارند و نمی توان هر دو را امتبال کرد. در این قبیل موارد، تنافی بین مدلول هادله شرسی نسبت تا تعارض بین ادله رخ داده و مشمول ادله باب تعارض گردد؛ بلکه وظیفه مکلف در مقام امتئال این است که مفاد دلیلی را که اهم است دلیل مهم، مقدم نماید.

ونطره		که مرکز برونده او	
من كان ١٠ مع من المرابع ١٠ من المرابع	سحانات مترکز عمومی (سطح ۲)	J. 1. 2000	
مناسيانام منخ ال فرورها فرورون	کاناک مرکز شوی (عظم)	1971/75 July 1	7
	ليموسال اول ۹۳–۹۲ داد نجـ ۵	1797/1·/7F :¿a	1
1 1 11 11 11 11 11	بأنه ملس ٢ سال	منن اصول فقه ۴	
شكرانام من الم فرود من فرود ورون	مهر مدرسه	تب: الحلقة الثانية (شهد صدر ادما)	
		راد ابتدای درس ۴۱ تا پایال کتاب (ص ۲۶۱–۴۹۵)	
شرمان: امان:	کرهگیاه درمان		
	، در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲۱۷ و ۲۲۹	ه نظر شهید صدر 🕸 قاعده اولیه و ثانویه در «شک	4 − ا
-/4	, 0	حتیاط عقلی و برانت عقلی اسا 	الف. اح
		ائت عقلی و برائت شرعی 🗖 🕳	
		نیاط عقلی و براثت شرعی ☑ —	U U
		ت شرعی و احتیاط عقلی 🗆 -	
سلی است؟ ص ۲٤٠ در.	ک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه ا،	مک در «وجوب نماز آیات به واسطهی خسوف»، شد	٣- ش
		كليف – برائت 🗹	الف. تدَ
		ليف – اشتغال 🗖	ب. تکا
	•	ف به – برائت 🗖	- 4
		ت به − اشتغال 🗆	
ل أخر، فعلى الأول يكون التكليف قد	لاً بأنَّ الشارع أوجب عليه إمَّا هذا الفعل أو ف	مثال «إذا أتى المكلف بفعل مترسلاً ثم علم إجماً	۳- در
ربعه منجزية علم اجمالي اختلال بيدا	كليف لا يعلم ثبوته فعلاً» كداميك از اركان أ	بالإتيان بالمكلِّف به و على الثاني يكون ثابتا، فالتك	إسفط ي
		ست؟ ص ۲۰۳ س ۲۰	ا ده ا
		كن الأول ☑	
		ن الثاني 🗆	- 1
		ن الثالث 🗆	
		الرابع 🗆	
به کشمش می شوند و شک می کند		سی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا العنب	
.10	عدام استصحاب است؟ ص ۲۸۸	.ا الزبيب اذا غلى حرم أو لا؟». اين مورد، مثال براى	1
		صحاب مجهولة التاريخ 🗆	- 4
		محاب کلی قسم سوم □	II.
	0	حاب تدریجیات 🗖	1
		تاب تعليقي ☑	
جرای کدام قاعده یا اصل است؟ ص	فشك يوم الأحد في نجاسته يوم السبت» م	، «اذا كان على يقين من نجاسة ثوب يوم السبت ا	
-/3			YTY
•			الف. اصل
			ب، قاعده ي
		شصحاب □	1
2		تتضی و مانع □	/ 1
-/۵	چه نحو است؟ ص ۳۰۵	ں بین «ادله برائت عقلی» با «ادله خبر واحد» به .	
	·		الف. ظاهر و
			ب. مورود و
			اج. عام و خاد
		حاكم كــا ، ، .	د. محکوم و .

9	٧- با توجه به عبارت «و يمكن تلخيص استدلال المحقق النائيني على قاعدة قبح العقاب بلا بيان بالاستشهاد بالاعراف العقلائية	
1,	استقباح معاقبة الأمر في المجتمعات العقلائية مأموره على مخالفة تكليف غير واصل» استدلال مرحوم نائيني الله و جواب شهيد صدر	
1	انویسید. ص ۲۱۱ س ۸	
1	جواب: استدلال مرحوم نائینی: عرف و عقلاء عقاب عبد را بوسیله ی مولای عرفی به خاطر مخالفت با تکافی غیریاره قدیمی و در	
١.	ارو حدود حق اطاعت موالی عرفی را تحالیف قطعی و معلوم می دانند قلدا محدوده حق اطاعت شارع هم تكالیف قطعی و معلوم است) بنار ان عقاب شارع همانند موال	
ĸ.	عرفيه زماني صحيح است كه تعليك واصل و معوم بسد.	
١.	جواب شهید صدر ﷺ: قیاس حق طاعت خدا با حق طاعت موالی عرفیه بدون دلیل است زیرا حق طاعت أمراء و موالی عرفیه، جعلی میباشد و به تبع همین جعل	
	اوسعت و طبق دارد ال معوم مي سود له عدل در حدود معيد معيومة بعل مي درده اما حق طاعت خالبنا وجيلا ذات ح	
ħ	احق مجعول، محرم با مصیق بودن دائره حق دانی تحویتی تمی بست بعث برای تحدید دائره حق خداوند مترال بادر به عقل عرف	1
	۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شدهاند، کیفیت استدلال آنها را	
A	ينويسيد. ص ١١٤ س ١١	
	حواب: اسم موصول یعنی کلمه «ما» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اکرهوا علیه و ما لا یطیقون و ما اضطروا الیه» مراد از آن موضوع	
	خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سیاق «ما»ی در «ما لا یعلمون» هم حمل بر موضوع خارجی می شود و لذا مختص به شبهه	
Ì	موضوعيّه خواهد شد.	
	٩- دليل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جريان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة القطعية.»	
	را توضیح داده، جواب شهید صدر ﷺ بر ان را بیان کنید. ص ۲٤۸ و ۲٤۸	
	جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به	
	أن داريم پس اگر بتوان در اطراف، برانت را جاري كرد، لازمهاش اين است كه بتوانيم با أن حكم بالاجمال مخالفت قطعي كنيم و اين معصيت حرام است شرعاً و	
	قبيح است عقلاً در تتيجه ترخيص محال است. جواب شهيد صدر الله: بايد در نوع حكم عقلي دقت كنيم در اين مورد حكم عقلي معلق است به عدم ترخيص ظاهري	
	از جانب مولی در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.	
	١٠- مقصود از عبارت «من اركان قاعدة منجزية العلم الاجمالي ان يكون كل من الطرفين مشمولاً في نفسه لدليل اصل البراءة بقطع النظر	
	عن التعارض» را توضيح داده، مثالي بزنيد كه اين ركن در آن موجود نباشد. ص ۲۵۲ و ۲۵۵	
	جواب: یکی از شرایط منجزیت و حجیت علم اجمالی آن است که با قطع نظر از علم اجمالی بتوان در هر یک از دو طرف اصل ترخیصی (برانت) جاری کرد. در چنین	
	مواردی است که می گوییم جریان براثت در هر دو طرف امکان ندارد، اما اگر یکی از دو طرف آبا قطع نظر از تمارض اصل در دو طرف)، اصل برائت را فی حد نفسه	
	پذیرد، اصل در طرف دیگر معارض ندارد و جاری میشود لذا علم اجمالی منجز نیست. مثال: اگر علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف داشته باشیم و یکی از آنها خلاصلا بادار در از فر خلصلا محل ایک خود از مرحمام میلاند، نیست میکاند میست بالاند و از ایک باد میکاند میست است	
	فارج از محل ابتلا باشد، ظرف خارج از محل ابتلا فی نفسه مجرای برائت نیست چون مکلف در معرض مخالفت با آن قرار ندارد تا شک کند و برانت جاری شود. پس	- 18
	رائت در ظرف دوم معارض ندارد. ۱۱- قاعده «مقتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ص ۲٦٧ س ۱۵	N
	واب: قاعدهی مقتضی و مانع قاعدهای است که می گوید هرگاه مقتضی برای چیزی محرز و مثیقن بود و شک کردیم که آبا مانعی که جلوی تأثیر این مقتضی را	- 11
	گیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم آن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضی و وجود مقتضی مثلاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم	نگ
	ه آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا میگذاریم بر عدم مانعیت و حکم میکنیم به وجوب جمعه.	
	تی ما احراز مقتضی مثل شرب سم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دواء مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتفای مانع گذاشته	
	ر مقتضا یعنی موت ثابت می شود. پشود و لذا مقتضا یعنی موت ثابت می شود.	
	ن: ۱. در قاعده مقتضی و مانع یقین و شک به دو امری که ذاتاً متغایرند تعلّق می گیرد یعنی یقین به مقتضی و شک به مانع تعلق گرفته ولی در استصحاب متعلّق	فرق
	ن و شک ذاتاً واحد است. ۲. از حیث حیثیت کشف نیز با استصحاب متفاوت است زیرا حیثیت کشف در این قاعده بر اساس «غلبه اینکه مقتضی نافذ و مؤثر در	يقير
	ول است.» ولی در استصحاب بر اساس «غلبه اینکه حادث باقی میماند.» است.	
	ٔ - مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰	17
	ب: قبودی که عرفاً مقوّم و منوّع حکم هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضيف» در اين صورت، ضيف بودن، قيد وجوب اکرام است. حال اگر زيد مهمان ا	بواد
	ن شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا ای زید از	کسو
	، میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی داند؛ جون	فانه
	یف بودن» را مقوم و منوع حکم میداند، این قبود را حبثیات تقییدیه مینامند. قبودی که عرفاً مقوّم حکم نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغير	افسي
	ناسة متنجس» در این صورت، «تغیر» قیدِ تنجس است؛ حال اگر ابی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیر	لنج
	زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس میداند این قیود را حیثیات تعلیلیه مینامند.	a. الا

P				1
				6
(۱۵ مرکز ۱ مسح از ۱۵ مرکز ۱۰ دقیقه	ته سحانات متمرکز عمومی (سطح	1		20050
تحديثم سخاعل أنبيون فدوروت				
200	شهربور سال تحصیلی ۹۶–۹۶ پایه پنجید ساله		1987/11	كالمقار
	چەپ بەسىرى ساك چابە ھلىم لاساك يابە يىھىر پرودى بەسن		۱۳۹۷/۰۶/۱۱ اصول فقه ۴	34
تاریخه از مات	545000	نه الاولى و الثابة هي اسلوبها الناس»		150
	مهر مدر ۔		از ابندای اصول عملیه تا پایان ک	
			011 - 1 - 03 - 0 - 1	
طيه	. كدهكي	٠٠٠ ٢٠٠٠	ىم خانونوكى:	199
-14	لاء صحيح <u>نيست</u> ؟ ص ٢٢٣	وند با حقالطاعة بين عقا	ياس حقالطاعة خدا	١- چرا ق
		<u> </u>	طاعة الهي، ذاتي است. 🛚	🍶 الف. حقاله
			اعة الهي، يقيني است. [ب. حقالطا
]	عة الهي، واجب است. 🗆	ا ج. حقالطا
			عة الهي، جعلى است. 🗆	
مل شبهات موضوعیه و حکمیه هر دو باشد؟ ص ۲۲۹	ن» چه فرض گر دد تا شا			- 1
1/8		c, c,	ر در رق ر ، ظاهری 🗆	
				ب. تكليف
				ج. فعل خار ج. فعل خار
				- 1
دالته يوم الخميس» مجراي كدام قاعده است؟ ص ٢٥٣	فثكريم الحمدة ع		_	د. تکلیف ف
	ل حست يوم الجمعة في ع	ن عداله زيد يوم الحميس		3
./۵			مقتضی و مانع 🗖	, 8
				ب. اشتنال
			-	ج. قاعدو ية
			ب 🗆	ا د. استصحار
ة موضوع لحكم شرعى» ناظر به كدام گزینه است؟	حالتان متضادتان كل واحد	موضوع واحد تطرأ عليه	ن «قد يفترض وجود	٤- عبارت
./۵				ص ۲۷۳
			في التقدم و التأخر 🛘	الف. الشك
			ين المحذورين 🗖	ب. الشك ي
			التاريخ 🗆	ج. مجهولی
			التين ☑	د. توارد الحا
ر: (لا يكلف الله نفسا الا ما أتاها) الطلاق 4 غير ممكنة لانّه	من الموصول في قوله تعالم	عظم (وه) بان ارادة الجامع		
الحدث الى بعض اطواره، و الثانية نسبة المغاير الي				
		ض بر چیست؟ ص ۲۲۰ -		9
فعول مطلق است به تعبيري: لا يكلّف الله نفساً تكليفا الا التكليف				
رات الذي أتاها. نسبت بين فعل و مفعول مطلق نسبت بين حدث				
به یکی از اشکال فعل نیست بلکه مغایر آن است، در نتیجه نسبت				
				7
ازیک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین				7. 1
د، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. (۰/۰	ست: «ما»ی موصول اطلاق دار	لالی که به آن اعتراص شده آ	ل است. (۱/۵ نمره) استد	در معنای مار
				نمره)
ملال ابدا حتى تعرف الحرام منه بعينه فتدعه» براي				
	ند؟ با مثال تبیین نمایید. م			
تعرف الحرام منه، به خلاف صورتی که حمل بر شبهه موضوعیه	نه» تأکید صرف باشد برای حتی	کمیه این است که کلمه «بعین	حمل حدیث بر شبهه حا	جواب: لازمه
. گوشتهای شهر وجود دارد» در این صورت حتی تعرف الحرام	ی دارد که گوشت حرامی در کا	کی است یا میته و علم اجمال	شک دارد این گوشت مذ	گردد. مثلاً «
توجه به اینکه حمل بر تأکید خلاف ظاهر است پس حمل حدیث	ى به مشكوك الحرمة است و با	ت و بعینه ناظر به علم تفصیل	علم اجمالی به حرمت اس	منه ناظر به ع
			وعيه متعيّن مي گردد.	
b.				.0



				12
	. 6			@
	 متحانات متمرکز عمومی	1		च्या है।
مامت رکزاری ۱۱ میج نره: ۱۵ نهان پانگولی: ۷۰ وقید	شهربور ۹۸–۱۳۹۷		Y4VT/1A	
شاريام عم ال أرورود فرو روات	م ورودي بهمن، پنجم ۵ ساله، هفتم ۷ ساله	جنإ مولا	1544/-6/-4	کد امتحان : تاریخ آزمون :
			اصول فقه ۴	عنوان:
مناسبالم منح الم المرديد المرد ووات	(مهر حوزه آرمون)		دروس في علم الاصول (حلفه ثانيه	کتاب:
			حلقه ثانیه: از ابتدای اصول عملیه تا پایان ک	محدوده:
			ندارد	حذنيات:
سرمان: درسه علميه:		كدطكنجى:	نام وا	نام د نام خانوادکی:
شرعی، کدام است؟ ص ۲۲۳ 🕜	اولیه هنگام شک در تکلیف	صدر ^(ره) قاعده	مسلك حق الطاعة شهيد و	۱- با توجه به
				لف. برائت عقلي
				ب. برائت شرعی
				ب. اشتغال عقلی آ
				ج. اشتغال شرعی :. اشتغال شرعی
جوب احتياط ندارد؟ ص ٢٣٣ هر.	دینک بماشئت» دلالت بر و	دينك فاحتط ا	ے ینہ جریث شیرہ فید اخمک	السعال سرعی
		**		
				لف. التقييد بالمش
				ب. التقييد بالدين —
				ج. لفظ اخوک 🗖
				د هيئة الامر 🛘
کلفابه؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۸	ه، شک در تخلیف است یا م	در استطاعت	وجوب حج» به دلیل «شک	۳- شک در «و
./2			رائت 🗖	لف. مكلفبه - بـ
			تغال 🗖	ب. مكلفبه – اش
				ج. تكليف – اشتغا
			☑.	و تکاره ، - برانت
رة طاهر» چيست؟ ص ۲۸۱ دا.	هرأ» و « ان مشكوك الطها	د ان یکون طا	ده دليل «ثوب المصلّى لأبّ	ء دنست سن
				ے مسبب ہیں لف، تخصص 🗖
				ب. حکومت 🗹
				ه. تقیید □
C . 11 . 14 C	W1 1- 15- 1-11			. ورود 🏻
قتضى للتحرك عنه، فأن المحرك خص	م العلم به عقاب على ما لا م	كليف عند عده	عبارت «أن العقاب على الت	۵- با توجه به ۶
واب شهید صدر ^(۱۰) از آن را تبیین نم	ا به همراه مثال نوشته و ج	ه قبح عقاب ر	، محقق نایینی ^(ره) بر قاعد	علم» استدلال
7				۲۲۳
ون این که معلوم باشد محرکیتی ندارد، (مانند ایر	ته باشيم وگرنه تكليف واقعي بدو	ه به أن علم داش	لف در صورتی محرکیت دارد ک	<i>ں</i> واب: تقریب: تکل
بد ولی اگر واقعا شیری نباشد و شما علم داشته	د، شما برای فرار تحریک میشوی	ه آن نداشته باشی	دروار استاده باشد و شما علم ب	ح د داده شت
جود ندارد و قبیح است مولی ما را بر مخالفت ت	به تکلف، مقتضای محرکت و	ماد ماد تاسم	ديور يسعد بسدر سايان د.	بیری درسه پست
7. 7 37 (3. 1-) 39.	ا به محمد المحمد المحمد الم	صورت حدم سم	ا به فرار می ندارید.) بمابراین در	ست ديوار است، پ

اشکال: أن چه محرکیت دارد، این است که عبد میخواهد حق الطاعه مولی را رعایت کند و از عهده أن خارج شود، همه هدفش خروج از این عهده است نه این که هدفش صرفا امتثال تکلیف مشکوکه همه می شود یا

خیر؟ در صورت شمول تکلیف غیر معلوم هم اقتضای تحریک را دارد، اگر بگویید شامل نمی شود این مصادره و اول کلام است.

امتحانات شهربور ۹۸-۹۷: اصول فقه ٤ كد. ۲۹۷۳/۱۸

7- عبارت: «اما الاول (اختصاص حدیث الرفع بالشبهات الموضوعیة) فقد یستدل له بوحدة السیاق لاسم الموصول (فی حدیث الرفع)، اذ المقصود منه فی «ما اضطروا الیه» ونحوه الفعل الخارجی لا نفس التکلیف...» را به همراه دلیل تبیین نمایید. ص ۲۲۸ جواب: برخی فائلند که حدیث رفع: «رفع عن امتی تسعة اشیاء: الخطأ و النسیان و ما اکرهوا علیه و ما لایعلمون و مالایطیقون و مالایطیقون و ما اصطروا الیه» بر اصل برائت فقط در شبهات موضوعیه دلالت دارد و شبهات حکمیه را شامل نمی شود و اینگونه استدلال کردهاند که سیاق واحد در اسم موصول «ما» مستلزم اختصاص به شبهات موضوعیه است زیرا روشن است که «مای موصول» در «ما اضطروا الیه» و مثل آن یعنی «ما اکرهوا علیه» و «مالایطیقون» فعل خارجی است زیرا اضطرار به حکم یا اکراه به حکم معنا ندارد بلکه اضطرار و اکراه مثلاً به اکل میته است که موضوع خارجی است تعلق می گیرد پس به دلیل وحدت سیاق «مالایعلمون» نیز بر موضوع خارجی حمل میشود.

۷- چهار رکن قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص۲۴۵

حواب: رکن اول: وجود علم به جامع، رکن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرایت آن به اطراف، رکن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول ادله براثت باشند. رکن چهارم: جریان برائت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود.

٨- با توجه به عبارت: «استدل على الاستصحاب بحصول الظن بالبقاء فممنوع كبرى و صغرى» استدلال و نقد أن را تبيين نماييد. ص ٢٥٨

جواب: برخی می گویند یقین سابق موجب ظن به بقا می شود [مثلا شخصی زنده بوده است اکنون شک می کنیم هنوز زنده است یا خیر، احتمال زیاد رنده است.] (۱/۵ نمره) اشکال کردهاند که کبرویا این استدلال ناتمام است زیرا دلیلی بر حجیت چنین ظنی نداریم و صغروبا نیز ناتمام است زیرا مجرد حالت سابقه افاده ظن ندارد بلکه گاهی اوقات به دلیل خصوصیتی که مقتضی استمرار است، افاده ظن دارد. (۱/۵ نمره)

۹- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۳

جواب: قیودی که عرفاً مقوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمیداند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم موضوع میداند، این قیود را حیثیات تقییدیه مینامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفیل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس میداند این قیود را حیثیات تعلیلید مینامند.

• 1- فرق بین «استصحاب» با قاعده «الیقین» و قاعده «المقتضی والمانع» را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۷۳ و ۲۷۴ جواب: قاعده یقین، متعلق شک همان متعلق یقین است و به همان یقین سابق سرایت می کند و حقیقة شک ناقض تکوینی بقین است برخلاف استصحاب که شک به بقای متیقن تعلق می گیرد، مثلا به عدالت زید در روز جمعه علم داشتیم و سپس در روز شنبه به عدالت زید در روز جمعه شک کنیم. قاعده المقتضی و المانع در این قاعده یقبن و شک به دو امر متغایر یعنی مقتضی و مانع تعلق می گیرد مثلا ماری زید را گزید که مقتضی مرگ است اما شک می کنیم که آیا به طبیب مراجعه کرد یا خیر، ولی در استصحاب متعلق شک و یقین واحد است فقط زمانا فرق می کنند.

۱۱- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجَحات باب تعارض که شهید صدر (ده) مطرح کردند را به ترتیب نام ببرید. ص ۲۸۴

جواب: اصل اولى تساقط متعارضان است ولى اصل ثانوى اجراى مرجّحات است. ترتيب: موافقت با كتاب و مخالفت عامّه است.

«سامانه پیاه کوتاه ۲۰۰۱ <u>۸۰۰۰۱۷۱۷۲۱۴۴۷۱ معاونت</u> آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتمانی میباشد.» «در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکـر کد امتمان و شماره سؤال به صورت دقیق مهت امکان بررسی و موابکویی ضروری میباشد.»